# ما سلام از روضه شیر خدا آورده ایم

## گزارش سفر علمی-زیارتی به عتبات عالیات



دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

ما سلام از روضه شیر خدا آورده ایم

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

قتلگاه حضرت شاه شهیدان دیده ایم
چشم گریانی از آن ماتم سرا آورده ایم
مرقد موسی کاظم در بغل بگرفته ایم
خاک درگاهش برای توتیا آورده ایم



ISBN:978-600-7593-17-2






# ما سلام از روضه شیر خدا آورده‌ایم

## گزارش سفر علمی - زیارتی به عتبات عالیات

**دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی**
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



نشر فرهنگ مشرق زمین
۱۳۹۷ شمسی

سرشناسه : صداقت ثمرحسینی، کامیار، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور : ما سلام از روضه شیر خدا آورده‌ایم: گزارش سفر علمی - زیارتی به عتبات عالیات/ کامیار صداقت ثمرحسینی .
مشخصات نشر : تهران : فرهنگ مشرق زمین ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری : ۱۱۶ص. : مصور .
شابک : ۲-۱۷-۷۵۹۳-۶۰۰-۹۷۸ ۱۸۰۰۰۰ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه : ص. [۱۰۳] -۱۰۶ .
یادداشت : نمایه .
عنوان دیگر : گزارش سفر علمی - زیارتی به عتبات عالیات .
موضوع : صداقت ثمرحسینی، کامیار، ۱۳۵۱ - -- سفرها -- عراق -- کربلا -- خاطرات
موضوع : سفرنامه‌ها
موضوع : Traveler's writings
موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- کربلا -- خاطرات
موضوع : Islamic shrines -- Iraq -- Karbala -- Diaries
رده بندی کنگره : DS۹/۷۹/ک۱۳۹۷۴ ۴ص
رده بندی دیویی : ۶۷۵۰۴۴/۹۱۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۰۲۶۲۱

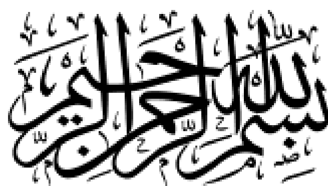


**نشر فرهنگ مشرق زمین**

نام کتاب: ما سلام از روضه شیر خدا آورده‌ایم
دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
ناشر: فرهنگ مشرق زمین
شماره شابک: ۲-۱۷-۷۵۹۳-۶۰۰-۹۷۸
چاپ اوّل: پاییز ۱۳۹۷
قطع: وزیری / تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

تهران، فرهنگ مشرق زمین، تلفکس: ۲۲۰۰۶۹۷۶ ایمیل: pmzamin@gmail.com

# فهرست مطالب



## مقدمه

### (۱)

مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای رحمه‌الله در کتاب «سروش مقدس» بیان می‌کند که بقعه‌ها، بارگاه‌ها و گنبدهای متبرکه حضرات اهل‌بیت علیهم‌السلام و اولیای الهی پرچم‌های توحیدند که به نُطق درآمده و جهان را آکنده از پیام اسلام می‌کنند.[۱] بارگاه منور حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام جایی است که سربازان اسلام را گرداگرد خود جمع می‌کند؛ و گروه‌گروه، قوای جنگی را در برابر وهابیان تروریست داعشی و حامیانشان به‌صف می‌کند.

وهابیان همواره کوشیده‌اند تا قبور بزرگان اسلام را ساکت کنند و پرچم‌های دین را بخوابانند تا هیچ‌کس نتواند تاریخ اسلام را در جغرافیای آن ببیند، بخواند و بشناسد. به تعبیر آیةالله کمره‌ای رحمه‌الله، وهابیان بزرگان اسلام را سربازانی گمنام می‌خواهند تا اصول زندگانی آنان به حیات جوامع اسلامی راه نیابد و اندیشه‌ها، احساسات و عواطف قلبی مسلمانان با ایشان پیوند نخورد؛ و این درد بزرگ را به کجا باید برد.

آنچه ما کردیم با خود هیچ نابینا نکرد

در درونِ خانه گم کردیم صاحب‌خانه را

تخریب قبور بقیع و سایر قبور بزرگان اسلام بر پایه همین سیاست وهابیان صورت گرفت و همچنان نیز از سوی آنان به پیشتازی آل سعود دنبال می‌شود تا سرزمینهای اسلامی مبدل به مناطق سکوت، مرگ و خاموشی شوند؛ امّا اسلام سراسر روشنی، نطق، اذان و ابلاغ است. مدفن هر شهید یا دانشمند مسلمانی باید که نشانه و پرچمی داشته

---

۱. خلیل کمره ای (بی‌تا) سروش مقدس وادی ایمن، تهران چاپخانه حیدری, ص ۹۵

باشد تا همگان بدانند فرمانده توحیدی در اینجا به خاک سپرده‌شده تا سپاه اسلام گرداگرد آن جمع شوند. راهپیمایی میلیونی اربعین حسینی در عراق، نمونه‌ای از تجمع سپاهیان اسلام در سایه پرچم با عظمت حسینی است؛ آنجا جایی است که باید از آن درس‌های توحید، ایمان، عدالت، شهامت، شهادت و فداکاری را آموخت؛ لذا هر سفر زیارتی به حج یا عتبات عالیات، عملاً مطالعه در باب اصول و حقایق دین است. به لحاظ لغوی، مطالعه (از ریشه طلع) معنایی عمیق دارد؛ یعنی در پس هر مطالعه، طلوع و روشنایی است و باید که با زیارت حج یا عتبات عالیات، انسانی دیگر طلوع کند و برخیزد.

**(۲)**

در نگارشِ خاطرات سفر و به طور کلی خاطراتِ زندگی، سبک‌های مختلفی موجود است. گاهی نگارشِ خاطرات نظیر بسیاری از سفرنامه‌های حج در دوره قاجاریّه، صرفاً بیان مشاهدات روزانه است که در موارد بسیاری وارد جزئیاتی نظیر تمیز یا کثیف بودن حمامِ فلان روستا و یا شور یا شیرین بودن غذای فلان مهمانپذیر می‌شوند. اینگونه منابع که کم هم نیستند از حیث جنبه توصیفی و ارائه مشاهدات در دوره تاریخی خود خصوصاً از حیث مردم‌شناسی و بررسی آداب و رسوم ملّت‌ها اهمیّت دارند؛ امّا در اغلب موارد نیازمند تحلیل‌های ثانویه‌اند.

گاهی نیز خاطرات، مبتنی بر اسناد و مدارکِ منحصر به فردِ راوی است؛ چنانکه این رویکرد، در برخی از تألیفاتِ ارزشمند آیةالله استاد سیّد هادی خسروشاهی،[1] مشهود است. اینگونه منابع، اهمیّت غیرقابل انکاری در پیشبردِ پژوهش‌های بعدی دارند؛ تا جایی که گاه مسیر مطالعات آتی را دگرگون می‌کنند.

گونه دیگری از خاطره نویسی، بیانِ خاطرات به منظور طرح مسائل معرفتی و فکری است و در مواقعی هم بیان تطورِ اندیشه‌های شخص راوی در طول زمان است. سالها پیش که به راهنمایی استادانِ عزیزم حضرات آقایان دکتر مهدی گلشنی و آیةالله حاج

1. www.khosroshahi.org

از زمره کتاب‌های معظم‌له می‌توان به کتاب «خاطرات مستند سیّد هادی خسروشاهی درباره دکتر حسن ترابی رهبر فکری حرکت اسلامی سودان»؛ «مجموعه خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره آیت‌الله علی مشکینی»؛ «خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره مشروطه مشروعه و علمای تبریز» و ... اشاره کرد.

شیخ محمّد علی تسخیری در حال نگارش پایان نامه خود درباره جهانی سازی و متفکران عرب[1] بودم، با تألیفاتِ دکتر عبدالوهاب المسیری (۱۹۳۸- ۲۰۰۸م) اندیشمندِ برجسته مصری که تحقیقات مفصلی را درباره ماهیت استعماری صهیونیسم[2] و نقد مادی گری[3] انجام داده است، آشنا شدم. المسیری کتابی را با عنوان «رحلتی الفکریة فی البذور و الجذور و الثمر»[4] نوشته است که در نوع خود کم نظیر است. او با بیان زندگی و حیات فکری پر فراز و نشیب خود، درصدد ارائه چگونگی مراحلِ تکوین و تحول اندیشه‌هایش از دوران طفولیّت تا زمان نگارش کتاب (اوایل دهه ۲۰۰۰م) است. در آن کتاب ما با المسیری به مثابه «اندیشمندی عربی – مصری» و نه با یک همسر یا پدر و یا دوست و نظایر آن ... آشنا میشویم؛ یعنی خواننده در ضمن خواندن خاطرات او، با اندیشه‌هایش خصوصاً از حیث تکوین، تدوین و تحولات آن در طی مراحل عمر آشنا می‌شود؛ هرچند دربارۀ خانواده و دوستان و همکاران او سخن به میان رفته است. حتی خاطره ازدواج المسیری نیز در سیاقِ تحول فکری او بازگو شده است. در حقیقت نویسنده داستان حیات افکارِ خود را از خلال خاطرات وقایعِ زندگی‌اش نقل می‌کند. استاد گرامی‌ام جناب آقای دکتر کریم مجتهدی، در درس مربوط به اندیشه‌های فلاسفه یونان باستان تأکید می‌کرد که «چه بسیار اندیشمندانی که ظاهراً زندگی آرامی داشته‌اند، اما زندگی درونی‌شان بسیار متلاطم بوده است.» بسیاری از کتاب‌های خاطرات نوعاً ناظر به توصیف زندگی ظاهری و مبتنی بر روایت وقایع بر اساس توالی خطی زمانی‌شان است و عمدتاً با جملات خبری ادا می‌شوند؛ امّا گاهی هم هدف از نگارش خاطرات بیان تطور افکار و ریشه‌های آن است که در آن صورت، گذشته و حال (و در واقع آینده) آمیخته با هم می‌شوند و جملات خبری با عنصر تعقل و اندیشه همراه می‌شوند. برای مثال، این بنده خدا که در سالهای ۱۳۸۹ تا

---

۱. با مشخصات زیر منتشر شده است: کامیار صداقت ثمرحسینی (۱۳۹۰ش) جهانی‌سازی و اندیشه‌های سیاسی متفکران عرب، تهران (چاپ اوّل) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲. خصوصاً با نگارش کتاب «موسوعة الیهود والیهودیة والصهیونیة»

۳. خصوصاً کتاب‌های «العلمانیة تحت المجهر» و «الفلسفة المادیة و تفکیک الانسان»

۴. ببینید: عبدالوهاب المسیری (۲۰۰۹م) رحلتی الفکریة فی البذور و الجذور و الثمر سیرة غیر ذاتیة غیر موضوعیة، القاهرة (ط۴) دارالشروق.

۱۳۹۲ بر اثر بیماری بارها در بیمارستان بستری بودم و مراجعاتِ متعددی به پزشکان مختلف داشتم، مدّت‌ها به دلیل تشخیص اشتباهِ پزشکان، گرفتار اثرات جانبی تجویزهای غلط دارویی بودم که علاوه بر بیماری اصلی، عوارض جانبی آن خصوصاً بر حافظه مشهود بود و با هُشیاری یکی از پزشکان، خطر بیماری کبدی قریب‌الوقوع ناشی از تجویزهای بی‌ربط برطرف شد. یک روایت از این ماجرا اکتفا به نقل خاطراتِ پی در پی سیر معالجات است که بیشتر جنبه شخصی می‌یابد و قابل استفاده عموم نیست؛ اما اگر خاطرات درمان در بستر مقایسه، تحلیل و طبقه‌بندی وقایع – از مرحله تشخیص تا درمان بیماری – تعریف شوند، از رهگذر قواعدی کلّی، قابل استفاده و مایه آگاهی برای عموم خواهند شد؛ همچنین است خاطرات دوران دانشجویی، اشتغال و ...

**(۳)**

باری؛ امروزه با رواج سفر به عتبات عالیات، سفرنامه‌نویسی آن نیز رواج دارد و آثار متعددی در این زمینه منتشر شده‌اند[۱]. کتاب حاضر بیانگر مجموعه دغدغه‌ها و مسائل مطالعاتی است که در چارچوب یک سفر زیارتی و علمی (با هزینه شخصی) شکل گرفته و در چارچوب وقایع سفر بیان شده‌اند؛ و عمدتاً متأثر از علائق مطالعاتی این بنده خدا در موضوعات وهابیت‌پژوهی، صلح و وحدت اسلامی و مانند آن است. البته حجم یادداشت‌ها خصوصاً در خصوص کوفه و برخی از مشاهیر بزرگ علمی و تاریخی بسیار بیشتر از چیزی است که در این کتاب آمده و به توفیق الهی، با سفرهای آتی به عتبات عالیات، تکمیل و ان شاء الله در چاپهای بعدی کتاب حاضر منتشر خواهد شد.

گاهی دیدار با انسانی وارسته و دانشمند، مطالعه کتابی اثرگذار، یا مواجهه با واقعه‌ای مهم و نظایر آن‌ها منجر به خلق ایده‌ای، دگرگونی درونی و یا یافتن مسیر مطالعاتی جدیدی در محقق شود. تجربه سفر کردن نیز از یکی از این عوامل است. مرحوم رکن‌الدین اوحدی مراغه‌ای (متوفی ۷۳۸ ه.ق) درباره سفر کردن به زیبایی سروده است:

سفر مال بیم دزد بود — سفر حال اجر و مزد بود
هر زمینی سعادتی دارد — هر دهی رسم و عادتی دارد

---

۱. مانند: رضا احسانی (۱۳۹۴ش) سفر عشق روایاتی از یک سفر آفاقی، انفسی و دانشجویی به کربلا، صفر (اربعین) ۱۴۳۵ه.ق، تهران، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام. و: مجید محبوبی (۱۳۹۶ش) حوالی عشق، سفرنامه عتبات و عالیات عراق، قم، نشر شهید کاظمی.

| | |
|---|---|
| اختران گر ز سیر بنشینند | این نظرهای سعد کی بینند؟ |
| تا نیابی تو از سفر ندبی | با تو همراه کی کند ادبی؟ |
| در طلب گر تو پاک باشی و حُر | همچو دریا شوی ز معنی پر |
| هر دمی آزمایشی باشد | هر نگاهی نمایشی باشد |
| با ادب رو، که نیکخواه تو اوست | در سفرها دلیل راه تو اوست |

برای مثال، زیارت وادی‌السلام جایی است که انسان را به یاد خدا می‌اندازد و اصولاً زیارت اهل گورستان محل تأمل است؛ آنان که بودند و چه شدند، دیروز کجا بودند و امروز کجایند؟ و باز به تعبیر اوحدی مراغه‌ای:

| | |
|---|---|
| کای پسر خسروان که می‌بینی | اندرین خاکشان به مسکینی |
| همه بیش از تو بوده‌اند به زور | اینکه شان می‌روی تو بر سر گور |
| چون در آمد اجل زبون گشتند | ملک بگذاشتند و بگذشتند |
| بکن اندر زمان مستی خود | سفری در زمین هستی خود |
| تا بدانی که کیستی و که‌ای؟ | در چه چیزی و چیستی و چه‌ای؟ |

علاوه بر این مطلب، زیارت قبرستان وادی‌السلام، خود تحقیقی است درباره مشاهیر اسلامی و ایرانی مدفون در آن، به‌منظور ترسیم نقشه‌ای فرهنگی برای زیارت آن قبرستان تاریخی؛ خصوصاً آنکه بسیاری از ایرانیان از عشق و علاقه خود به نجف اشرف و آرزوی دفن در گورستان وادی‌السلام نوشته‌اند؛ چنانکه استاد دکتر سیّد جعفر شهیدی که سالیانی از جوانی خود را در نجف اشرف گذراند، می‌نویسد: «می‌خواستم تا پایان عمر در آن [شهر] به سر برم، و در گورستان بزرگ شهر (وادی‌السلام) به خاک سپرده شوم.»[۱] و این آرزوی هزاران هزار تن از بزرگان علم و فرهنگ ایران زمین بوده است.

علاوه بر مشاهیر گذشته، مشاهده مراکز علمی دانشگاهی یا کتابخانه‌ای عراق می‌تواند دستمایهٔ تدوین فهرستی کاربردی از اسامی شخصیت‌های فرهنگی و علمی کنونی (زنده) عراق - همراه با ارائه اطلاعات تماس با ایشان – شود تا زمینه برای ارتباط وسیع‌تر آنان با اندیشمندان ایرانی فراهم شود. زمینه‌های بالقوه ارتباط فرهنگی و علمی – دانشگاهی

---

۱. سیّد جعفر شهیدی (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز (مجموعه مقاله‌ها و سفرنامه‌ها) تهران، نشر قطره، ص ۷۳۱.

ایران با کشور عراق، هم از حیث وجود شخصیت‌ها، مؤسسات، مراکز حوزوی و دانشگاهی و کتابخانه‌های بزرگ؛ و هم از حیث میراث مشترک فرهنگی و جنبه‌های اعتقادی و زیارتی عتبات عالیات گسترده است.

البته از اهدافِ حقیر در سفر به عتبات عالیات، انجام مصاحبه و ضبط خاطراتِ آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی – فرزند مرحوم آیةالله حاج شیخ محمّد خالصی‌ﷺ – در کاظمین بود که ان شاء الله در قالب کتابی در ذیل مجموعه تاریخ شفاهی طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی، به زیور طبع آراسته خواهد شد. خداوند متعال را سپاس که به همّت جناب آقای دکتر اسلام دباغ در تهران و جناب آقای حسن خالصی در کاظمین، هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و نهایتاً گفتگوی مفصلی انجام شد که در این کتاب اشاراتی بدان شده است.

در خاتمه، ضمن قدردانی از استادان عزیز خود در حوزه علمیّه و دانشگاه که مرا در این مسیر مطالعاتی کمک و یاری نمودند؛ خصوصاً حضرات حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدعلی امامی (حوزه علمیه مشهد)؛ آیةالله حاج شیخ محمدعلی تسخیری و استاد دکتر مهدی گلشنی؛ و ضمن طلب رحمت الهی برای استادان مرحوم خویش که حق بزرگی بر گردن حقیر دارند؛ و در این سفر به یاد همگی‌شان بودم؛ و با تشکر قلبی از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر اوحدی که بر این حقیر الطاف و مراحمشان بسیار است؛ و انتشار این کتاب را در انتشاراتِ وزین نشر فرهنگ مشرق زمین میسر کردند، از خدای بزرگ مسألت دارم که در ادامه این راه توفیق بیشتری عنایت فرماید و این خدمت به قرآن و اسلام را از ما بپذیرد. «وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ.»

کامیار صداقت ثمرحسینی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز اسناد فرهنگی آسیا – پاییز ۱۳۹۷ه.ش (۱۴۴۰ه.ق)

# درمسیر حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام

## خاطره و یادی از علّامه کجوری قدس‌سره

تنها یک‌بار توفیق درک محضر مرحوم آیةالله حاج شیخ عبدالنبی کجوری قدس‌سره را در منزل مسکونی ایشان در مشهد مقدّس داشتم[1] و آنچه از آن دیدار در ذهن و جانم نقش بسته است، شوقِ زائدالوصفی است که معظم‌له نسبت به زیارتِ مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و عظمت حوزه علمیّه نجف اشرف ابراز می‌کرد و اینک، در آستانه سفر به نجف اشرف (۱۳۹۶/۱۲/۳ شمسی) چهره اشک‌بار ایشان را به خاطر می‌آوردم.

امروزه با پیشرفت فناوری در صنعت حمل‌ونقل، شیوه‌های سفر کردن دگرگون‌شده و تبعات آن در فریضه حج ابراهیمی و زیارتِ عتبات عالیات محسوس است.[2] در قدیم سفرهای عتبات ایرانیان یا مستقلاً صورت می‌گرفت و یا در ضمن سفر حج ابراهیمی؛ و ایرانیان و شیعیان شبه قارّه هند، با وجود بُعد راه و انواع خطرات موجود، متوجه شهرهای مقدّس عراق و شام می‌شدند و دراثنای سفرهای خود که گاه در ذیل سفر حج یک سال به طول می‌انجامید، از میان ملل و اقوام مختلف می‌گذشتند و بی‌واسطه جهان اسلام را می‌شناختند؛ امّا با توسعه فناوری‌های جدید، سفرهای چندماهه، چندساعته شدند که تبعات مثبت و منفی خود را به همراه دارد. از سویی بر امنیّت سفر و راحتی آن افزوده‌شده است[3]

---

۱. حدوداً در پاییز سال ۱۳۷۲ش؛ همراه با حجةالاسلام قمی (زید عزّه) از طلّاب وقت حوزه علمیه مشهد.

۲. تفصیل این مطلب، در کتاب دوجلدی نویسنده با عنوان «حج حاجیان امامیّه و وهابیّت» - که ان شاء الله توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر خواهد شد - و نیز در مقاله‌ای با عنوان «رمضان در سفرنامه‌های حج ابراهیمی؛ کندوکاوی در تجربیات گذشته و حال سفر حاجیان ایرانی» (فصلنامه مردم و فرهنگ پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره ۳ - تابستان ۱۳۹۵ه.ش) تشریح شده است.

۳. گاه سفر به عتبات با مخاطرات بسیاری همراه بوده است، برای نمونه ببینید: سفرنامه رضا قلی میرزا نائب الایاله (۱۳۶۱ش) به کوشش اصغر فرمانفرمائی قاجار، تهران، انتشارات اساطیر، ص ۱۷۸ و ص ۱۸۰ (جنگ با حرامیان)

و از سویی دیگر، هزاران کیلومتر راه، به‌صورت هوایی پیموده می‌شود؛ و دریغ از دیدارِ منزلی از منازلِ سفر[۱]؛ همچنین، برخلاف گذشته که اکثریّت زُوّار عتباتِ آقایان بودند، اینک بانوان شمار قابل‌توجهی از زائران را تشکیل می‌دهند؛ چنانکه این بنده ناچیز با کاروانی بنام «نینوا» هم‌سفر بودم که حدود شصت درصد آن را بانوان تشکیل می‌دادند.

در هنگام برخاستن هواپیما از فرودگاه بین‌المللی امام خمینی‌ﷺ، یکی از زوّار دعایی خواند و بقیه آمین گفتند و مکرر صلوات فرستادند. با خود گفتم سال‌هاست در آغاز سفرهای برون‌شهری‌مان، کمتر دعا (به جان راننده و مسافرین و شادی اموات و ...) و صلواتِ جمعی به گوش می‌رسد، خدا را شکر که این رسم نیکو، همچنان در سفرهای بین‌المللی‌مان جاری است!!

در قدیم سفرهای زیارتی مهم مانند زیارت حج و یا عتبات عالیات، مزیّن به چاوشی خوانی هم بودند که بازتابی است از احساسات و عواطفِ عمیق مذهبی مردم. از خلال همین چاوشی خوانی[۲] آنان متذکر ادبِ زیارت می‌شدند و شور و شوقی وصف‌ناپذیر از زیارت را در میان اقوام و اهالی و مردمانِ منازل سفر خویش می‌آفریدند؛ مثلاً می‌خواندند:

چون‌که ما عزم کربلا کردیم — طلب نصرت از خدا کردیم
اوّل از شوق و بسم‌الله — در کفِ دست خود عصا کردیم
دل ز شهر و دیار برکندیم — رو به گُلزار کربلا کردیم
در وداع عیال و خویش و تبار — یاد مظلوم کربلا کردیم
پس نهادیم رو به‌جانب راه — طی منزل به شوق‌ها کردیم...[۳]

خداوند رحمت کند عمّه پدری حقیر را که بی چاوشی خوانی دلش راضی به سفر حج نشد و خواست تا در بدرقه‌اش، اقوام و اهالی محل، مسافتی را با ذکر خدا و صلوات بر

---

۱. البته راهپیمایی عظیم اربعین را باید استثنا کرد که در آن زائران منزل‌به‌منزل پیش می‌روند.

۲. چاوش‌خوان سفرهای زیارتی به فردی اطلاق می‌شود که پیشاپیش کاروان، با صوتِ بلند اشعارِ مذهبی بخواند.

۳. اشعار از کتاب چاوشی نامه سفر مشهد مقدس و کربلای معلا و عتبات عالیات. (نسخه چاپ سنگی موجود در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی بروجردی) نیز ببینید: محمدعلی صفری (۱۳۸۳ش)، چاوش نامه: مکه معظمه، مدینه منوّره، کربلا نجف، کاظمین، سامرا، مشهد مقدس و قم، مشهد: انتشاراتِ امامت. نیز: آرام دل (۱۳۸۵ش) چاوشی خوانی: اشعار زائرین عتبات عالیات، تهران، آرام دل.

حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام همراه شوند. البته چاوشی نامه‌ها جنبه انتقادی نیز داشته‌اند؛ مانند انتقاد از عوارض خروج و ورود (مبدأ و در مقصد) که درد مشترک همگی ما بود!

پنج قران پول تذکره دادیم
قرض بی‌وجه را ادا کردیم.

به‌هرحال طیّاره به هوا برخاست. مهماندار اعلام کرد که در حین پرواز به ارتفاع سی‌وسه هزار پایی خواهیم رسید. طوری سی‌وسه هزار را گفت که انگار رقمی است. سی‌وسه هزار پا ارتفاع در قیاس با رفعتِ مکانی که بناست به زیارتش نائل شویم، عدد و مقداری نیست؛ بی‌درنگ این بیت نثار هواپیما شد:

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست
عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

به گواه سفرنامه‌ها، هنگام پرواز معمولاً وقتی برای تأمل در موضوع مرگ و یا خلقت آسمان‌ها و زمین بوده است و مطالبِ ارزشمندی از آن را می‌توان در سفرنامه‌های متأخر (سفرهای هوایی) حاجیان بیت‌الله الحرام و زوّار عتبات مشاهده کرد؛ مانند سفرنامه حج حضرت آیةالله‌العظمی صافی گلپایگانی[1].

ولی خب! اوضاع و احوال ما به گونه‌ای دیگر بود؛ برخی در هواپیما از بی‌اعتمادی به طیّاره (یا به تعبیرشان آهن‌پاره) سخن‌ها گفتند؛ یکی از عواقبِ تحریم قطعات هواپیما و دیگری از قراردادِ برجام و برخی نیز از حادثه دردناک سقوط هواپیمای مسیر تهران به یاسوج[2] – که هفته پیش از سفرمان رخ داد – حکایت‌ها گفتند و خلاصه همدیگر را حسابی ترساندند؛ از آن‌طرف، کارکنان هواپیما چاره را در آن دیدند که سرمان را با توزیع مقداری خوراکی و نوشیدنی گرم کنند و انصافاً موفق هم بودند.

بالأخره اعلام شد هواپیما تا دقایقی دیگر در فرودگاه نجف اشرف به زمین خواهد نشست و خیال همه راحت شد.

---

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۳۷۵ه.ش) سفرنامه حج. قم (چاپ سوّم) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، ص ۲۷-۴۲.

۲. اشاره به حادثه سقوط پرواز شماره ۳۷۰۴ هواپیمایی آسمان (تهران – یاسوج) به تاریخ یک‌شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ در حوالی سمیرم. (رحمت خداوند بر درگذشتگان آن سانحه هوایی باد)

## ... شد هم‌آوای رسول اطهر صلی‌الله‌علیه‌وآله

شُکرِ خدا که هواپیما به‌سلامت در فرودگاه نجف اشرف به زمین نشست. پس از انجام تشریفات معمول سوار اتوبوس شده به محل مهمانپذیر آمدیم[1] که نزدیک شارع الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله است. بلافاصله به حرم مطهر رفتم و این بیت را با خود زمزمه می‌کردم[2]:

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم

لطف‌ها می‌کنی ای خاکِ درت تاجِ سرم

زیارت مختصری کردم و به هتل برگشتم تا مجدداً برای نماز صبح و زیارت مرقد مطهر، به حرم مشرف شوم و قطعه شعری را که سال‌ها مشتاقانه برای چُنین روزی نگاه داشته‌ام، به ادب و به نشانه ارادتِ قلبی در حرم بخوانم و تکمیل کنم. شاید همین ابیات باشد که مرا به اینجا آورده است؛ ماجرایی هم دارد که به بیست‌وچند سال پیش بازمی‌گردد.

در آن زمان به نذر مرحوم حاج‌آقا محسن هراتی رحمه‌الله مجلس باشکوهی در عزای حضرت امام حسین علیه‌السلام و شهیدان کربلا در خیابان وصال شیرازی تهران[3] برپا می‌شد و بحمدالله پس از فوتِ آن مرحوم تداوم یافت. مجلس ایشان دسته عزاداری نداشت، ولی گاه دسته‌های عزاداران ایرانی و افغانی - که خدا می‌داند چه تعداد از ایشان در دفاع از حرم اهل‌البیت به شهادت رسیده‌اند – وارد مجلس می‌شدند و سینه‌زنی می‌کردند. یکی از روضه‌خوانان مجلس نیز به خواست همسر مرحوم حاج‌آقا محسن هراتی روضه‌ای آذری می‌خواند. درمجموع مجلس پرشوری بود.

---

۱.در نجف اشرف، مهمان‌پذیر کاروان ما «نجمة النجف» بود ولی همراه با برخی از زوّار در مهمان‌پذیر «البستان» ساکن شدم. در کربلاء نیز در هتلی موسوم به «برج الاماره» ساکن شدیم.

۲. آیة‌الله العظمی حاج شیخ اسماعیل محلاتی رحمه‌الله هنگام زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه‌السلام آن بیتِ حافظ را زمزمه می‌کرد. مزار آن بزرگوار در غرفه شماره دو حرم مطهر علوی علیه‌السلام واقع است.

۳. کمی بالاتر از خیابان طالقانی – مقابل سازمان انتقال خون ایران.

این حقیر گاهی از منزل پیاده به آنجا می‌رفتم و در طی مسیر مضامینی به ذهن می‌رسید که بعضاً یادداشت می‌کردم؛ ازجمله چنین بود:

ناگهان کودک شش‌ماههٔ او     تشنه‌لب سوی نجف کرد نظر

با لبانی که به خون گلگون بود     شد هم‌آوای رسول اطهر

سپس ابیات دیگری را نیز بدان افزودم؛ و برخی را نیز همان زمان در مجله‌ای منتشر کردم؛ امّا پایان شعر که زبان حال حضرت علی‌اصغر‌علیه‌السلام بود، همچنان ناتمام مانده بود؛ و گاهی در این فکر بودم که خدایا! چگونه وصف حال آن حضرت در زمان شهادت را بیان کنم؟ تا آنکه به این مقصود در نجف اشرف و کربلای معلّا نائل شدم.[1] اگرچه خالی از هُنر و ذوق عالی است؛ و بابت آن سخت شرمنده‌ام؛ امّا با سرمایه عشق و ارادت به آستان مقدس اهل‌بیت‌علیهم‌السلام سروده شده است:

ای کمال و کَرَمت فُوق بشر     علی ای ساقی حوض کوثر

تشنه آمد پسرت سوی فُرات     تشنه برگشت همی تا محشر

چون یقینم که ننوشد هرگز     تا نبیند که بنوشد اصغر

کودکان دست دعا بردارید     که عمو را نرسد هیچ خطر

لرزه افتاد به ارکان سما     هم به آفاق زمین شور و شَرَر

مُنکسر شد کمر سرور دین     نازنین نُوگل او شد پرپر

زان گلِ شانه سالار رُسُل     در نهانند خجل شمس و قمر

ذوالجناحا تو چرا تنهایی     خامس آل عبا را چه خبر

ناگهان کودک شش‌ماههٔ او     تشنه‌لب سوی نجف کرد نظر

(وه! شرافت، عظمت، ایمان را     که در این طفل کند جلب نظر)

با لبانی که به خون گُلگُون بود     شد هم‌آوای رسول اطهر

---

۱. ابیات داخل قوس () ابیاتِ الحاقی اخیر است.

(خوش بود شهد شهادت بر ما — در یَدِ پیـرِ مُغـانم خوش‌تر[۱])
(ای نوازشگر هستی دریاب — یاوران را و پدید آر ظفر)
(ایستاده به درِ حضرت دوست — پیکر پاک شهیدی بی‌سر[۲])
(در حرم بودم و حیران هر سو — «واله» و «شیفته» آن منظر)
(خیل عشاق حرم در راهند — هوس کرب و بلایی دیگر)

۱. در یدِ پیر مغان: مراد آغوش خامس آل عبا علیه‌السلام است. مرحوم علّامه سیّد محمدحسین حسینی طهرانی قدس‌سره در کتاب روح مجرد در ضمن حکایتی درباره مرحوم آقا سیّد ضیاءالدین دری قدس‌سره با بیانِ این بیت از حضرت حافظ:

«مُرید پیر مُغانم ز من مرنج ای شیخ
چراکه وعده تو کردی، و او بجا آورد»

رمز آن بیت را چنین می‌گشاید: مراد از شیخ: حضرت ابراهیم علیه‌السلام و مراد از پیر مغان: حضرت امام حسین علیه‌السلام و مراد از وعده: وعده قربانی فرزند است.

۲. پیکر یکی از شهدای مدافع حرم را به حرم حضرت سیّد الشهداء امام حسین علیه‌السلام آورده بودند، در تشییع پیکرش شرکت کردم و در آن حال این مضمون در خاطر گذشت:

اوّل ستانده اذن شهادت به خط دوست
دوّم گرفته اذن دخولش در این حَرَم

به دلیل ازدحام جمعیت نتوانستم اسم آن شهید را بخوانم؛ امّا چه نامی نیکوتر از نام «مدافع حرم اهل‌البیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام»

# در نجف و کوفه

زمان برای زائر آستان مقدس امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام دُرّ گران‌بهایی است که باید از آن به‌درستی استفاده کرد و توفیق حضور در عتبات عالیات (و همچنین سفر حج) را در دیدوبازدید اجناس بُنجل چینی و ترکیه‌ای در بازارهای محلی تباه نکرد.[1]

گوهر معرفت آن است که با خود ببری

که نصیب دگران است نصاب زَر و سیم

پس از زیارت مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام، زیارت پیامبران الهی حضرات آدم‌علیه‌السلام و نوح‌علیه‌السلام[2] در حرم مطهر علوی‌علیه‌السلام، و حضرات هودعلیه‌السلام و صالح‌علیه‌السلام (پیامبر صاحب معجزه ناقه) در وادی‌السلام؛[3] موردتوجه است تا زائران متذکر تاریخِ ادیان الهی و قصص قرآنی آن شوند.[4] از سایر زیارتگاه‌های مهم نجف و کوفه[5] می‌توان به مزارات

---

۱. در عتبات تهیه کفن (که شرایط و آداب خرید خود را دارد)، خرید تسبیح و جانماز (که شایسته است از مصنوعاتِ مسلمانان باشد)، خاک و مُهر کربلا و نگینِ «دُرّ نجف» - که روایات بسیار در فضیلت آن وارد است - مرسوم است و چنانکه اشاره خواهد شد، تربت شفاء بالاترین و شریف‌ترین هدیه ممکن از سفر کربلا است. اهل علم نیز کتاب‌های موردنیاز خود را از عتبات تهیه می‌کنند.

از خوراکی‌ها هم انواعی از خرما و انواعی از شیرینی‌های محلی نجف و کربلا مورد اقبال و توجه اهالی بومی و زائران است.

۲. چنانکه در زیارت حضرت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام وارد است: «السّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلی ضَجیعَیْکَ آدمَ وَ نُوحٍ» و «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلی جارَیْکَ هُودٍ وَ صالحٍ»

۳. مجلسی، شیخ حُرّ عاملی و سیّد بن طاووس، از حضرت امام صادق‌علیه‌السلام روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: «در وادی‌السلام قبر سیصد و هفتاد پیغمبر و شش‌صد وصی پیغمبر - به‌غیراز سیّد اوصیاء - است» ← عبدالله صادقی (بی‌تا) لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، ص ۹۶.

۴. برای مثال: حضرت آدم‌علیه‌السلام در: بقره: ۳۱ و ۳۳؛ آل عمران: ۳۳؛ کهف ۵۰ و تعبیر انسانها به بنی آدم در: طه: ۱۱۵ و ۱۱۶؛ حضرت نوح‌علیه‌السلام در: نسا: ۱۶۳ و آل عمران: ۳۳ و اسراء: ۱۷؛ حضرت هودعلیه‌السلام در: اعراف: ۶۵ و هود: ۵۳؛ شعراء: ۱۲۴؛ حضرت صالح‌علیه‌السلام در: اعراف: ۷۷ و هود: ۶۱.

۵. انشاء الله در ویراست دوّم کتاب حاضر مطالبی درباره کوفه و اطراف آن به‌تفصیل اضافه خواهد شد.

حضرات کمیل بن زیاد نخعی؛ مسلم بن عقیل؛ هانی بن عروة، میثم تمّار، سیّده خدیجه (دخت مکرم حضرت امیرالمؤمنین‌ؑ) سیّد ابراهیم الغمر بن حسن مثنی[۱] و جناب مختار ثقفی (رضوان الله تعالی علیهم) اشاره کرد.

زیارت بیت امام علی ؑ در کوفه، مقام حضرت امام زین‌العابدین‌ؑ[۲] و مقام حضرت امام مهدی‌ؑ در وادی‌السلام از دیگر مکان‌های زیارتی نجف و کوفه است.

همچنین باید فضای روحانی مساجد بزرگی چون مسجد سهله[۳]، مسجد کوفه[۴] و مسجد حنّانه را درک کرد و مقابر علمای متقدم و متأخر و معاصر امامیّه را، همچون آیات عظام شیخ طوسی‌ﷺ؛ شیخ محمّد حسن جواهری‌ﷺ؛ شیخ کاشف الغطاء‌ﷺ؛ سیّد عبدالأعلی سبزواری‌ﷺ؛ سیّد محسن حکیم‌ﷺ؛ و ... زیارت کرد و متوجه هدف اعلای آنان از زندگی بود. اگر زائر، اهل علم و تحقیق است، باید که مدارس تاریخی حوزه علمیه نجف اشرف[۵] را ببیند و به کتابخانه‌های عظیم و مؤسسات علمی آن دیار- که در ادامه به نام و نشانی برخی از آن‌ها اشاره می‌شود - مراجعه کند و البته چنین کاری، نوعاً با شیوه رایج مدیریتی کاروان‌های عمومی سازگار نیست.

## در وادی‌السلام

قبرستان وادی‌السلام مساحتی بس وسیع دارد و زائران ایرانی معمولاً تنها حضور در بخش کوچکی از آن را تجربه می‌کنند. وادی‌السلام را بهشت عالم برزخ نامیده‌اند که در آن ارواح جمیع انبیاء، اوصیاء و مؤمنین مجتمع هستند.[۶] البته به‌موجب روایات، قبر انسان

---

۱. مزار ایشان در اواخر سده دوازدهم هجری و در جریان حفّاری‌هایی که به‌منظور کشف آثار باستانی صورت گرفت، ظاهر شد و بر سنگ‌قبر حضرت نام (ابراهیم الغمر) حک‌شده بود.

۲. واقع در جوار مسجد و مرقد صافی الصفا (محله العماره – غرب صحن حضرت امیرالمؤمنین‌ؑ)

3. http://alsahla.org/

4. http://masjed-alkufa.net/

۵. ببینید: السید محمّد الغروی (۱۴۱۴ق) الحوزة العلمیة فی النجف الاشرف، بیروت، دار الاضواء.

۶. سیّد عبدالحسین طیب اصفهانی (۱۳۶۶ه.ش) اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران, اسلام، ج۹ / ۳۸۶ نیز ببینید: براقی نجفی (۱۴۳۰ق) تاریخ النجف المعروف بـ الیتیمة الغرویة و التحفة النجفیة فی الارض المبارکة الزاکیة (تقدیم و تحقیق) کامل سلمان الجبوری، بیروت، دارالمؤرخ العربی، ۲۴۴ – ۲۴۶

صندوقِ عمل اوست؛ میّت اگر انسانی مؤمن و صالح باشد قبرش باغی است از باغ‌های بهشت؛ و اگر فردی ناصالح و فاسد باشد، قبرش گودالی است از گودال‌های آتش جهنم. پیامبر اکرمﷺ فرمود:

«القبرُ إمَّا رَوْضَةٌ مِنْ رياضِ الجنَّةِ وإمَّا حُفْرةٌ مِنْ حُفَرِ النيرانِ»

قبور بسیاری از بزرگان مدفون در حرم مطهر امیرالمؤمنینؑ مشخص است[1]؛ امّا با وجود آنکه بسیاری از مشاهیر امامیّه و به‌طور خاص ایرانی در وادی‌السلام به خاک سپرده شده‌اند، مطالعات کافی درباره قبرستان وادی‌السلام انجام‌نشده است[2]. آیةالله عبدالله صادقیؒ در رساله ارزشمند «لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف» به‌درستی می‌نویسد: در وادی‌السلام قبور علماء و اکابر و سلاطین و اشراف بسیار است و اگر کسی حالات تاریخیِ آن‌ها را جمع کند، مجلدات بسیار خواهد شد.[3]

## نکاتی درباره وادی‌السلام

در خصوص قبرستان وادی‌السلام چند موضوع توجهم را جلب کرد که عبارت‌اند از:

۱. در غالب مناطق قبرستان وادی‌السلام خبری از پوشش سبز گیاهی و درختکاری نیست. مزار شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدرؒ کمی درختکاری دارد. صرف‌نظر از این قبرستان، اصولاً پوشش گیاهی شهر نجف بسیار اندک است. استاد شهیدی می‌نویسد:

> باز یاد دارم تنها جایی از این سرزمین وسیع که سبزی داشت نقطه‌ای بود به نام «حدیقه» (باغچه)؛ سبزی آن چند بوته کوچک جاروی مکّه بود و ما با چه شوق و

---

۱. ببینید: کاظم عبود الفتلاوی (۱۴۲۷ق) مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف، قم (ط ۱) منشورات الاجتهاد. در کتاب مذکور اشاره به ۵۱۴ تن از شخصیت‌های مدفون در حرم مطهر علوی شده است.

۲. درباره وادی‌السلام می‌توان به کتاب‌های «مقبرة النجف الکبری – دراسة تحلیلیة زمانیة ،مکانیة لظاهرة الدفن فی المدینة» و «وادی‌السلام أوسع مقابر العالم»» تألیف محسن عبدالصاحب مظفر؛ و «وادی‌السلام بحث دینی و تاریخی حول الدفن فی مقبرة وادی‌السلام» تألیف السید حسین نجیب محمّد اشاره کرد.

۳. عبدالله صادقی (بی‌تا) لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، چاپخانه مهربان، ص ۱۶۷

ذوقی بعد از اذان صبح به راه می‌افتادیم و خود را بدان باغچه می‌رساندیم و در تاریک - روشن پیش از آفتاب، درس شب گذشته را بحث می‌کردیم.[۱]

۲. استفاده از تمثال ائمه اطهار(ع) در نجف اشرف – خصوصاً قبرستان وادی‌السلام – و کربلا بسیار دیده می‌شود. این‌گونه تصاویر هیچ استناد صحیحی به ائمه اطهار (ع) ندارد و ترویجِ آن‌هم وجهی ندارد. سیّد عبدالحجت بلاغی (متوفی ۱۳۵۶ه.ش) با درج تصویری از امام علی(ع) معتقد است اساس این‌گونه تصویر و ترسیم از میرزا احمد ذهبی تبریزی ساکن شیراز است.[۲] تصویر کتاب مرحوم بلاغی در بخش تصاویر کتاب ضمیمه شده است.

۳. شکل و اندازه قبور وادی‌السلام بسیار مختلف و متنوع هستند.

۴. لوح قبور بسیاری از مسلمانان ایران و شبه قارّه هند در وادی‌السلام قابل‌تشخیص است. از دیرباز، سالانه هزاران جنازه به وصیّت متوفی برای دفن به وادی‌السلام منتقل‌شده‌اند؛ حتی پادشاهانی همچون امرای آل بویه؛ استاد فقیهی(ره) می‌نویسد:

> عضدالدوله، نخستین کسی از آل‌بویه بود که در نجف دفن شد و بعد از او دو پسرش شرف الدوله و بهاءالدوله در اطراف مرقد مطهر امیرالمؤمنین(ع) و در قبرستان بیرون شهر (وادی‌السلام) وجود داشته است. ...
>
> ... علّامه سیّد محمّد علی هبةالدین در مجله اعتدال، هنگام ذکر عضدالدوله گفته است که قبر او در زمان ما، حوالی سال ۱۳۲۵ هجری قمری آشکار شد که در روی آن سنگی بود و آیه «وَکَلبُهُم باسِطٌ ذِراعَیهِ بالْوَصیدِ»[۳] و نام فنا خسرو عضدالدوله بر روی آن نقش شده ...[۴]

---

۱. سیّد جعفر شهیدی (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز، ص ۷۳۳.

۲. عبدالحجت بلاغی (۱۳۲۸ه.ش) تاریخ نجف اشرف و حیره، چاپخانه مظاهری، ص ۱۷۸.

۳. قرآن مجید، کهف: بخشی از آیه ۱۸.

۴. علی‌اصغر فقیهی (۱۳۶۶ه.ش) آل‌بویه: نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نمونه‌ای از زندگی جامعه اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم، چاپ سوّم، صص ۲۴۸ – ۲۴۹.

از قدیم الایّام، مؤمنان وصیّت می‌کردند تا جنازه‌هایشان — در اولین زمان مناسب – جهت تدفین به وادی‌السلام منتقل شوند. سفرنامه حج مرحوم سیّد محمّد حسین تقوی قزوینی مشتمل بر شرح ماجرای انتقال جنازه مرحوم والدش به وادی‌السلام است.[۱]

۵. برخی از قبور وادی‌السلام در سرداب‌ها واقع‌اند که با راه‌پله‌ای تنگ به زمین متصل می‌شوند. درب ورودی برخی از آن‌ها بسته و برخی دیگر باز است. عمق سرداب‌ها از یک متر و نیم تا ده متر متناوب است.[۲] ازآنجایی‌که بنای سرداب هزینه‌های مالی بسیاری به همراه دارد، نوعاً به خانواده‌های متمکن اختصاص دارند. این‌گونه قبور سردابی از انتهای خیابان طوسی تا مقام امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به‌وفور دیده می‌شوند.

۶. دسته‌ای دیگر از قبور، غیر سردابی هستند بدین‌سان که قبر به‌صورت برآمدگی بلندی جلوه‌گر است. معمولاً بلندای این‌گونه قبور حدوداً بین یک متر تا سه متر است؛ و چه‌بسا که این ارتفاع به دلیل منزلت اجتماعی و عشیره‌ای میّت بوده باشد.

۷. برخی از قبور خصوصاً قبور رجال دین دارای گنبد و بنا هستند که ارتفاع برخی از آن‌ها بالغ‌بر هشت متر می‌رسد.

۸. برخی از قبور وادی‌السلام اتاق‌هایی گاه مفروش و اختصاصی بودند که مشابه آن را در مقابر خانوادگی بهشت‌زهرای تهران می‌توان دید.

۹. برخی از قبور ارتفاع کمی دارند و با اتاقک آهنی (میله‌ای شبیه قفس) محصور و بسته هستند. این قبور عموماً جدید هستند و یا آنکه حاصل بازسازی در دهه‌های اخیرند.

۱۰. در بخش‌های جدیدتر سنگ‌قبرهای معمولی استفاده می‌شود. بدین‌سان می‌توان بر اساس شکل قبور اطلاعات مهمی درباره چگونگی شکل‌گیری تاریخی قبرستان و زندگی اجتماعی مردم کسب کرد.[۳]

---

۱. سیّد محمدحسین تقوی قزوینی (۱۳۹۴ش) سفرنامه عتبات، هند و حج (تصحیح) محمّدعلی باقرزاده، تهران، مشعر، ص ۶۰ و ۹۴ و ۹۷.

۲. داخل سرداب حدوداً یک متر و نیمی را خود دیدم ولی عمق ده متری را با مطالعه درباره قبور وادی‌السلام دانستم.

۳. شرح بیشتر ببینید: (تحریر) سابرینا مروین و روبرت گلیف و جیرالدین شاتلار (۲۰۱۶ م) النجف: تاریخ وتطور المدینة المقدسة، بیروت (ط ۱) دار الوراق للنشر، (منشورات الیونسکو) ص ۸۷ (با عنوان: تاریخ الدفن فی أرض النجف و ظهور مقبرة وادی‌السلام تألیف محسن عبدالصاحب المظفر)

۱۱. یکی از نقیصه‌های مهم کاروان‌های زیارتی ایرانی، نبودِ جزوات راهنمایی است که زائران را متوجه تصویر بزرگی از نقشه فرهنگی وادی‌السلام کند و وادی‌السلام را به سخن درآورد تا همگان متذکر پیام زندگی آنان شوند؛ مانند: سیّد محمّد تقی معروف به سیّد آقا حسینی قزوینیﷺ (متوفی ۱۳۳۳ه.ق) صاحب «رسالة فی قضاء الصلوات و ما یجب عند اشتباه الواجب منها»؛ ملّا احمد بن علی‌اکبر مراغه‌ایﷺ (متوفی ۱۳۱۰ه.ق) صاحب رساله «شرح النهج»؛ سیّد رضا بن مهدی خوئی حسینیﷺ (متوفی ۱۳۲۳ه.ق) صاحب رساله «جامع الفوائد»؛ شیخ عبدالرحیم بن عبدالرحمن کرمانیﷺ (متوفی ۱۳۰۵ ه.ق) صاحب رساله «دقائق الاصول»؛ ملّا علی بن فتح‌الله نهاوندیﷺ از شاگردان برجسته شیخ اعظم مرتضی انصاریﷺ؛ حاج سیّد محمّد علی تنکابنی حسینیﷺ (متوفی ۱۳۱۷ ه.ق)[۱]؛ آقا شیخ محمّد طهرانیﷺ[۲]؛ حاج میرزا محمّد هاشم بن زین‌العابدین موسوی خوانساریﷺ معروف به چهارسوقی (متوفی ۱۳۰۸ ه.ق) صاحب رساله «حل العسیر، فی حل العصیر»؛ حاج ملّا علی بن میرزا خلیل طبیب طهرانیﷺ (متوفی ۱۲۹۶ه.ق)؛ شیخ احمد بن عبدالله تستریﷺ (۱۲۴۷– ۱۳۲۷ ه.ق) صاحب رساله «منجی المسترشدین» و ...[۳]؛ و در وادی‌السلام قبور بزرگانی است که با مجاهدتی وصف‌ناپذیر با سلطه استعمار جنگیدند؛ مانند شهید رئیس‌علی دلواریﷺ؛ و بزرگانی که با ظلم و ستم حزب جنایتکار بعث عراق جهاد کردند؛ مانند شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدرﷺ؛ و بزرگانی که با رواج منکرات همچون بی‌حجابی در جوامع اسلامی مبارزه کردند مانند آیةالله سیّد ابوالحسن طالقانیﷺ[۴]؛ و ....

متأسفانه بسیاری از قبور علمای بزرگ امامیّه عنوان ندارند و به‌تدریج مکان آن‌ها فراموش‌شده و نزدیک است از حافظه تاریخی امّت بیرون روند. این سفر مرا به این فکر

۱. به نقل از علّامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی که در رساله «هدیة الرازی الی الامام المجدد الشیرازی» معظم له از شاگردان میرزای شیرازیﷺ و فرزند سیّد محمدصادق و او فرزند سیّد علی فرزند سیّد امیر عبدالباقیﷺ (مدفون در تنکابن) است.

۲. همدانی الاصل و ساکن نجف اشرف؛ از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی ﷺ در سامراء بوده است.

۳. اسامی به نقل از «الذریعة الی تصانیف الشیعة» تألیف علّامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانیﷺ.

۴. نویسنده رساله محاکمه حجاب (چاپ ۱۳۴۸ق) و والد مرحوم آیت‌الله سیّد محمود طالقانیﷺ

انداخت که ان شاء الله به توفیق الهی، گوشه‌ای کوچک از نقشه فرهنگی قبرستان وادی‌السلام را در کتابی مستقل ترسیم و تشریح کنم.

هنگام زیارتِ مزار حضرت هود و حضرت صالح‌علیهما‌السلام، لوح مزار آیة‌الله حاج شیخ محمّد مهدی آصفی‌قدس‌سره توجهم را جلب کرد. وصفِ نیک ایشان را مکرر از حضرت حجة‌الاسلام‌والمسلمین حاج شیخ علی‌اصغر اوحدی (زید عزّه) شنیده‌ام. والد معظمشان آیة‌الله حاج شیخ علی محمّد آصفی‌قدس‌سره نیز از علمای نجف بودند که کتاب «دراسات فی القرآن الکریم» از تألیفاتِ ارزشمند آن جناب بوده است.

آیة‌الله حاج شیخ محمّد مهدی آصفی یکی از طلایه‌داران بزرگ وحدت اسلامی است که نظریه‌های مهمی را درباره صلح و وحدت اسلامی ارائه کرده است آن‌ها را می‌توان در کتاب‌های متعدد ایشان مانند «التحدیات المعاصرة و مشروع المواجهة الاسلامیة» و مجموعه ارزشمند «فی رحاب القرآن» (در ۷ جلد) مشاهده کرد. معظم له در کتاب «التحدیات المعاصرة ...» با برشمردن چالش‌های اساسی جهان اسلام که آن‌ها را در سه مقوله اشغال سرزمین‌های اسلامی، تروریسم و افراطی‌گری دینی و جهانی‌شدن دسته‌بندی می‌کند؛ نظریه‌های جالب‌توجهی را درباره اصالتِ وحدت؛ فقه وحدت[۱]؛ اخلاقِ وحدت؛ ابزار و انواع وحدت ارائه می‌کند. مباحثی از کتاب «فی رحاب القرآن» معظم له مشتمل بر تصاویر بدیعی از زندگی در سایه آرامش، صلح و همزیستی و سعه‌صدر – بر اساس تعالیم قرآنی – است که به روشی خلاقانه و ارزشمند ترسیم‌شده است. ان شاء الله تعالی سومین جلسه طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی، به اندیشه‌های رفیع معظم له اختصاص یابد.[۲]

علاوه بر مزار آیة‌الله حاج شیخ مهدی آصفی‌قدس‌سره؛ به زیارت مقبره آیة‌الله سیّد علی قاضی طباطبایی‌قدس‌سره (متوفی ۱۳۶۵ق) و قبر آیة‌الله حاج سیّد مهدی ابن‌الرضا

---

۱. مانند قاعده تقیه؛ قاعده الزام و التزام (نظیر عقیده به صحت عقود و معاملات میان پیروان مذاهب اسلامی بر اساس فقه هریک از ایشان) و مانند قاعده مصونیّت و حرمت مسلمان.

۲. نشست‌های طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی توسط مرکز اسناد فرهنگی آسیا – پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با مشارکت مراکزی چون «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» برگزار می‌شوند. اولین نشست علمی به آیت‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای‌قدس‌سره (۱۳۹۶/۲/۱۷ش) و دومین نشست علمی به آیة‌الله شهید سیّد محمّدباقر صدرقدس‌سره (۱۳۹۷/۲/۲۶ش) اختصاص داشتند.

خوانساری[1] (متوفی ۱۴۳۸ق) صاحب کتاب ارزشمند «ضیاء الابصار فی ترجمة علماء خوانسار» نائل آمدم. ایشان با تأیید و حمایت والد بزرگوار خود آیةالله حاج سیّد محمّد علی ابن الرضا (متوفی ۱۴۳۱ ه.ق) پایه‌گذار حوزه علمیه حضرت ولی‌عصر [2] در شهر خوانسار بودند که مدرسه‌ای بزرگ، بانظم و قاعده است.

تنها یک‌بار موفق به دیدار با مرحوم آیةالله ابن‌الرضا شدم و در همان بار شیفته اخلاق و منش ملکوتی آن جناب شدم. در زمان تألیف کتاب «در احوال و اندیشه‌های آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای» همراه با حضرت حجةالاسلام‌والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای و آقای دکتر ابوالحسن کمره‌ای به روستای فرنق سفر کردیم و سپس جهت ملاقات با آیةالله ابن‌الرضا به خوانسار رفتیم (۱۳۹۵/۷/۲ش) خوش‌رویی، مهمان‌نوازی و الطاف معظم‌له را از یاد نمی‌برم. نهار را مهمان ایشان بودیم. اهتمامی خاص به سفره بی‌شبهه داشت و به این امر برای طلّاب مدرسه‌اش شدیداً توجه و نظارت داشت و از تهیه غذای مشکوک به جهت اثرات وضعی غذا بر توفیقات انسان پرهیز می‌کرد. در آن جلسه، معظم‌له خاطراتی از مرحوم آیةالله خلیل کمره‌ای را بیان فرمود.[3] ساعتی نیز به دیدار از مدرسه علمیّه ایشان در خوانسار گذشت. مدرسه‌ای بسیار باصفا بود. معظم‌له توجه خوبی به کتاب‌خانه داشت و بخشی را به صحافی و مرمت کتاب اختصاص داده بود که در مدارس علمیّه برایم تازگی داشت. مزار مرحوم آیةالله سیّد مهدی ابن‌الرضا در جنب مقام امام زمان قرار دارد.

ابیات زیر بخشی از شعری است که در سوگ رحلت عالم متقی حضرت آیةالله حاج سیّد مهدی ابن الرضا خوانساری سروده شده است:[4]

---

۱. برای شناخت بیشتر معظم له ببینید: محمدتقی انصاریان خوانساری (۱۳۹۶ه.ش) اسوه تقوا و خدمتگزار به مکتب اهل‌بیت آیةالله حاج سیّد مهدی ابن‌الرضا خوانساری، قم، انصاریان.

2. http://hawzahkh.com

۳. متن سخنان معظم له در آن جلسه را در صفحات ۱۷ الی ۲۴ از کتاب «در احوال و اندیشه‌های آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای (تهران: ۱۳۹۵ شمسی، نشر فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) آورده‌ام.

۴. سروده پدر عزیزم جناب آقای جواد صداقت.

عالم وارسته سیّد مهدی ابن الرضا | از تبار عالمان عامل و مُشکل گشا
علم انسان ساز خود را با عمل توأم نمود | شد مروج در طریق پاک شرع مصطفیﷺ
کرد موقوفات را احیا و عمری با خلوص | دم زد از اسرار طوفانِ حسینؑ و کربلا
۳۸ سال از ۱۴۰۰ بگذشت و شد | پنج روزی مانده تا ماه رجب از ما جدا
زان عزاداری که در خوانسار برپا داشتند | رنگ درد و محنت و ماتم گرفت ارض و سما
جسم او در خطّه وادی‌السلام آرام یافت | در نجف، محشور بادا با علیّ مرتضیؑ
خود به باقی رفت لکن پرتو آثار او | قرن‌ها بخشد در عالم دیده و دل را ضِیا
بار الها بر مُریدان همتی عالی ببخش | تا تداوم یابد این اعمال و وُسع و اعتلا

## مقام حضرت امام زمانؑ

مقام حضرت امام زمانؑ از مقامات مهم وادی‌السلام است که جایگاه آن توسط مرحوم علّامه سیّد مهدی بحرالعلومؒ معین شده است؛ هرچند قدمتی بیشتر دارد؛ و به بیان مرحوم آیةالله عبدالله صادقیؒ از درجِ تاریخ ۹۱۲ قمری بر سنگِ زیارت امام زمانؑ مشخص می‌شود که «این مقام از زمان قدیم یداً به ید به ما رسیده و ظنّ اطمینانی بدان حاصل میشود.» در اخبار عدیده واردشده که حضرت امام صادقؑ در آن مکان شریف نماز و دعا کردند و فرمودند که این مکان منبر قائم ما است.[1]

وارد محوطه مقام شدم. در محوطه مقام کاروانی از زائران خراسانی حضور داشتند که غالبِ آنان را بانوان تشکیل می‌دادند. روحانی کاروان در حال ارائه توضیحاتی به ایشان بود. با دست نقطه‌ای را نشان داد و گفت: چاه آبی را که در آن‌سوی می‌بینید بعدها برای مصارف قبرستان احداث‌شده و ربطی به اعمالِ مقام ندارد و اینکه برخی زائران نامه‌ای درون آن انداخته و یا به‌قصد تبرک آبی برمی‌دارند، از خرافات است. اینجا مکانی برای نماز گزاردن؛ تلاوت قرآن و خواندن ادعیه صحیحِ است و نباید با خرافات عوام آمیخته شود. با خود گفتم تا سخنان ایشان تمام نشده وخلوت است، سریع نمازی خوانده و خارج شوم. هنگامی‌که خارج می‌شدم، جماعتی کنار چاه جمع شده بودند و دنبال قلم و کاغذ بودند. یکی هم می‌خواست آب چاه را بکشد و با خود ببرد! انگارنه‌انگار که روحانی کاروانشان چنددقیقه‌ای قبل چه گفته بود؛ بگذریم که خبردارشان هم کرده بود!

---

۱. عبدالله صادقی (بی‌تا) لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، ص ۹۶.

یاد مسجد باعظمت جمکران قم افتادم که گاهی آنجا هم نظایر این اعمال دیده می‌شود. اساس مسجد جمکران[1] با یک رؤیا (در هفدهم ماه مبارک رمضان ۳۷۳ هجری) شروع می‌شود. رؤیایی که موجب شد تا جایگاه بابرکتی برای عبادت خدا و طلب فرج از حضرت حق‌تعالی احداث شود. اساس متین است، امّا خرافاتی را که گاه پیرامون آن شکل می‌گیرد، باید زدود. عمل خیر بر اساس رؤیا یا الهامی صادق که مطابق شریعت اسلام باشد، نه‌تنها ایراد ندارد که مایه برکت هم هست. از یاد نبریم که مرحوم آیةالله سیّد عبدالحسین طیّب اصفهانی‌ قدس‌سره بر اساس رؤیایی صادق، ۱۹ جلد تفسیر قرآن را با عنوان «اطیب البیان فی تفسیر القرآن» نگاشت و در آن اثر ارزشمند رؤیای خود را به‌تفصیل بیان کرده است. به مناسبت کلام، حیفم آمد که رؤیای لطیف مرحوم آیةالله سیّد محمّد رضوی کشمیری[2] قدس‌سره را که به نگارش کتاب «ریگستان نجف» انجامید، نقل نکنم. معظم له در کتاب «دیوان هدایا و تحف مسمی به ریگستان نجف» می‌نویسد:

> در سفر پنجاب، پیش از تصنیف این کتاب روزی به عالمِ خواب علویّه مخدره‌ای از ذوی الارحام خویش به من خبر داد آمدنِ آقایی را از ملکِ عجم؛ و می‌گفت که [ایشان] در منزل ما وارد شد و یک بیت را در حیاطِ خانه قدم زده مکرّر می‌خواند؛ پس شروع کرد آن مخدّره به خواندن آن بیت و دراثنای خواندنش در عالمِ خواب اشک از دیده‌هایم چنان جاری گردید که آن مخدره رقّت به حالم نمود و از مصرع اوّل تجاوز نفرمود و به نظر ترحم به‌سوی من می‌دید و بر گفته خود گویا پشیمان شد و نظر من به‌سوی او پیوسته بود به انتظار شنیدن مصراع دوم؛ پس چون بیدار شدم قلم‌به‌دست گرفته تذکری از رؤیا می‌نمودم، همین مصرع به ذهنم رسید:
>
> «بگذر از یاد جهان و رو به‌سوی کردگار»
>
> به دل گفتم: ای‌کاش آن مخدّره باقی بیت را نیز خوانده بودی، ناگاه به خاطر قاصر رسید اینکه سعی کنم شاید خودم بتوانم آن را تمام نمایم و حال اینکه تا به آن دم

---

1. www.jamkaran.ir/

۲. آیةالله سیّد محمّد رضوی کشمیری فرزند سیّد العلماء و صاحب الکرامات، آیةالله سیّد مرتضی کشمیری قدس‌سره (متوفی ۱۳۲۳ق) مرحوم آقابزرگ تهرانی در کتاب «هدیة الرازی الی الامام المجدد الشیرازی» در وصف آیةالله سیّد مرتضی کشمیری می‌نویسد: «کسی را در این عصر همچو او ندیده‌ام که تمام مراتب عالی را در خود جمع کرده باشد.»

هیچ نظم به لسان فارسی نکرده بودم؛ زیرا که از اهل این زبان نیستم و نه بر لغات و محاورات وی اطلاع دارم بااینکه در صناعت شعر نیز بی‌بضاعت هستم، پس در آن حال بر زبانم جاری گردید:

«تا نباشی روز محشر روسیاه و شرمسار» ... [۱]

چنین الهاماتی به قلوب پاک مؤمنین و دانشمندان الهی قرن‌هاست که برکات خود را در قالب اوقاف ماندگار اسلامی (مساجد و مدارس و مزارع و ...) و تألیفات جاودان به امت اسلامی ارزانی داده است؛ اساس عمل متین است؛ امّا خرافات و بدعت‌ها را باید از آن زدود.

## زیارت مزار شهید آیةالله صدر ﷫

با سه‌چرخه - موتوری‌های مشهور وادی‌السلام به مرقد مرحوم شهید آیةالله سیّد محمّد صدر﷫ رفتم که فاصله نسبتاً زیادی با منطقه مقام امام زمان﷤ دارد. مدّت‌ها بود که به لطفِ دوربین‌های مراقبت شبانه‌روزی پلیس راهنمایی رانندگی کشور عزیزمان، چنین حظّ وافری از سه‌چرخه سواری نبرده بودم!!! تقریباً جرئت دیدن جلو جاده را نداشتم؛ خصوصاً زمانی که از مقابل نیز یکی دیگر از این سه‌چرخه موتوری‌ها ظاهر می‌شد! این امر برای مسافران دیگر که دو خانم عراقی و کودک همراهشان بود، کاملاً عادی بود.

در مرقد مرحوم شهید آیةالله سیّد محمّد صدر﷫ آداب زیارت خاصی نظرم را جلب کرد. در بیرون صحن همگی کفش‌هایشان را از پا درمی‌آورند و پس از طی مسافتی واردِ بنای مقبره می‌شوند. جهت زیارت آیةالله سیّد محمّد صدر﷫ زیارت‌نامه‌ای مستقل و متفاوت نوشته‌اند و شیوه یکسان نشستن زائران در مقابل قبر و بوسیدن سنگ‌قبر، نشان از تداوم اقتدار شخصیت آن مرحوم در میان پیروان و مقلدانش داشت. آنجا به نفوذِ فکری و عقیدتی مقتدی صدر در میان مریدانش واقف شدم. فاتحه‌ای خواندم و خارج شدم.

سپس موفق به زیارت مزار شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدر﷫ شدم.[۱] شهید صدر فرزند آیةالله سیّد حیدر صدر﷫ (متوفی ۱۳۵۶ق) و برادر کوچک‌تر مرحوم آیةالله سیّد

---

۱. سیّد محمّد رضوی کشمیری (۱۳۵۵ قمری) دیوان هدایا و تحف مسمی به ریگستان نجف و جزوی از مثنوی آب و دانه و غیره، ص ۲-۳

اسماعیل صدرؒ (متوفی ۱۳۸۸ق) است. نسب ایشان به حضرت امام موسی بن جعفرؑ می‌رسد.[۲] معظم له در ۱۳۵۳ق به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۵ق به نجف اشرف مهاجرت کرد. کمی از دروس مقدماتی را نزد برادرِ دانشمندش آموخت؛ امّا با بهره‌گیری از نبوغ خارق‌العاده خود، غالب کتاب‌های حوزوی را بدون معلم آموخت. او چشمه‌ای جوشان از معارف علمی و فضائل انسانی بود. در یازده‌سالگی بر منطق مسلط شد و کتابی را در آن علم تألیف کرد. در دوازده‌سالگی بر کتاب‌های معالم فی الاصول و شرح لمعه مسلط بود. مدّتی کوتاه، در خارج فقه، شاگردِ آیةالله العظمی شیخ محمّد رضا آل یاسینؒ و آیةالله العظمی سیّد ابوالقاسم خوییؒ بود. آن دو عالم برجسته به‌سرعت به مقام علمی و معنوی شاگرد جوانشان واقف شدند و او را موردتوجه خاص خود قرار دادند. شهید صدر حدوداً ۲۲ ساله بود که دیگر نیازی به درس خارج فقه نداشت (سال ۱۳۷۵ق) و از سال ۱۳۷۹ق، تدریس خارج اصول و دو سال بعد خارج فقه (بر مبنای کتابِ العروةالوثقی) خود را آغاز کرد؛ و به‌تدریج میراث علمی ارزشمندی را از خود بجای گذاشت. تألیفات شهید صدر مملو از نظریه‌های ارزشمندی در عرصه فقه و اصول؛ منطق و فلسفه؛ اقتصاد و اجتماع است. مجموعه کامل آن با عنوان «موسوعة الإمام الشهید السید محمّد باقر الصدرؒ» به همت پژوهشگاه تخصصی شهید صدر ؒ[۳] منتشرشده است.

شهید صدرؒ موضع قاطعی در برابر رژیم سفّاک بعث عراق اتخاذ کرد که درنهایت به شهادت ایشان انجامید. معظم له در فتوایی، پیوستن به حزب بعث عراق را حرام دانست و درخواست حکومت وقت عراق را مبنی بر عدول از فتوایش رد کرد و علاوه بر آنکه از

---

۱. در تاریخ ۲۰ / ۲/ ۱۳۹۷ شمسی، به دعوت موسسه دارالاعلام لمکتبة اهل‌البیتؑ جهت شرکت در «کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» به قم مشرف شدم. پس از پایان مراسم صبح، در پاساژ ناشران کتاب قم با جناب آقای دکتر محسن کمالیان و انتشارات راز نی آشنا شدم. دکتر کمالیان پژوهشهای جالب‌توجهی را در معرفی مشاهیر خاندان صدر انجام داده و در انتشارات راز نی منتشر کرده است؛ مانند: محسن کمالیان (۱۳۹۶ شمسی) مشاهیر خاندان صدر چکیده شرح‌حال مشاهیر خاندان صدر، قم، راز نی (ج۱۸) کتاب مذکور را از ایشان هدیه گرفتم که بسیار ارزشمند است.

۲. جهت سلسله نسب ایشان ببینید: محمدرضا نعمانی (۱۴۳۹ه.ق) شهید الأمة و شاهدها؛ دراسة وثائقیة لحیاة و جهاد الإمام الشهید السیّد محمّدباقر الصدر، قم، دار الصدر، ص ۴۵.

3. http://mbsadr.com

حزب الدعوه حمایت معنوی بعمل آورد؛ آشکارا از انقلاب اسلامی ایران حمایت کرد.[۱] یکی از دلایل عدم خروج شهید صدرقدس‌سره از عراق، درخواست حضرت امام خمینیقدس‌سره از ایشان مبنی بر باقی ماندن در نجف اشرف بود که آن را اجابت کرد.[۲] و تمامی شاگردان خود را به تبعیت از امام خمینیقدس‌سره فراخواند:

«ويجب أن يكون واضحاً أيضاً أنّ مرجعيّة السيّد الخميني التي جسّدت آمال الإسلام في إيران اليوم لا بدّ من الالتفاف حولها والإخلاص لها وحماية مصالحها والذوبان في وجودها العظيم بقدر ذوبانها في هدفها العظيم»[۳]

همچنین باید این موضوع برای همگان روشن شود که امروزه، مرجعیّت آقای خمینی امیدهای اسلام را در ایران مجسم کرده است، و باید که بدان توجه کرد و خالصانه برایش به میدان آمد و از مصالح آن حمایت کرد و در وجودِ عظمیش ذوب شد، همانطور که ایشان در هدف بزرگ خود ذوب شده است.

شهید صدر و خواهر دانشمندش، شهیده آمنه بنت‌الهدی صدر پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه عوامل رژیم بعث عراق، مظلومانه به شهادت رسیدند. پیش از آخرین دستگیری شهید صدر که به شهادت آن جناب انجامید، ایشان سه بار دیگر نیز بازداشت شده بود که در بار سوم (۱۶ رجب ۱۳۹۹ق) بنت‌الهدی صدر، با خطابه‌ای کوبنده در حرم امام علیعليه‌السلام حماسه‌ای جاودانه آفرید. ایشان خطاب به مردم گفت:

أيها الشرفاء المؤمنون هل تسكتون و إمامكم يُسجن و يُعذب؟! ماذا ستقولون غداً لجَدّي أميرالمؤمنينعليه‌السلام إن سألكم عن سكوتكم و نخاذلكم؟! اخرجوا و تظاهروا واحتجّوا...[۴]

ای اهل شرف و ایمان آیا ساکت به کناری می‌خزید درحالی‌که پیشوای شما را به زندان می‌افکنند و شکنجه می‌کنند؟ [فردای قیامت] اگر از شما درباره سکوت‌تان و

---

۱. ام فرقان (۱۴۰۴ه.ق) بطلة النجف الشهيدة العالمة العلوية بنت‌الهدى، المجلس الاعلى للثورة الاسلامية فی العراق، منشورات وحدة الاعلام، ص ۷۰

۲. همان، ۴۶-۴۷؛ محمدرضا نعمانی (۱۴۳۹ه.ق) شهيد الأمة و شاهدها ...، ص ۳۵۲-۳۵۳.

۳. احمد ابوزيد العاملی (۲۰۰۷م) السيرة والمسيرة في حقائق ووثائق، بيروت، دار العارف للمطبوعات، ج۴، ص ۲۷

۴. محمدرضا نعمانی (۱۴۳۹ه.ق) شهيد الأمة و شاهدها ...، ص ۳۱۳.

یاری نکردن ما مؤاخذه کنند، چه پاسخی به جدّم امیرالمؤمنینؑ خواهید داد؟ بپا خیزید، تظاهرات به راه اندازید و اعتراض کنید ...

زینب عصر ما در عین مظلومیّت حماسه‌ای بزرگ در نجف شکل بپا می‌کند و حرم و بازار بزرگ نجف سراسر شعار می‌شود:

بالروح بالدم نفدیک یا امام

باسم الخميني والصدر الاسلام لازم ينتصر[1]

یا امام العصر یا قائدنا

سیدی نفدیک روحاً و دماً

نحن جئناک نجدد عهدنا

پیش‌تر این وقایع را در کتاب «بطلة النجف الشهیدة ... » تألیف «ام فرقان» خوانده بودم و اینک در نجف اشرف، در وادی‌السلام و یا در گذر از بازار بزرگ نجف می‌کوشیدم آن صحنه‌ها را در ذهن خود مجسم کنم. این‌چنین بود که رژیم بعث عراق در آخرین دستگیری شهید صدر، شهیده بنت‌الهدی صدر را نیز دستگیر کرد و آن دو را پس از شکنجه‌هایی سخت، به شهادت رسانید. آنان حتی از پیکر بی‌جان شهیده بنت‌الهدی صدر نیز می‌ترسیدند.[2] امروزه مکان دقیق مدفن پیکر مطهر شهیده بنت‌الهدی صدر – که رحمت و رضوان خدا بر او باد – در وادی‌السلام معلوم نیست. «وَسَيَعْلَمُ الّذِينَ ظَلَمُوا أيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (قرآن مجید، شعراء: بخشی از آیه ۲۲۷) خاطرات بسیاری درباره معظم له نوشته‌شده است که از زمرهٔ آن‌ها می‌توان به تألیفات شیخ محمّد رضا نعمانی[3]؛

---

۱. ام فرقان (۱۴۰۴ه.ق) بطلة النجف ...، ص ۶۱.

۲. همان، صص ۹۹-۱۰۰.

۳. الشهید الصدر سنوات المحنة و ايّام الحصار: عرض لسيرته الذاتية و مسيرته السياسية و الجهادية که با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشرشده است: محمدرضا نعمانی (۱۳۸۲ه.ش) سال‌های رنج: خاطرات و ناگفته‌ها از زندگی شهید آیت‌الله سیّد محمّدباقر صدر، (مترجم) مهرداد آزاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. نیز ببینید: محمدرضا نعمانی (۱۳۸۸ه.ش) آیت‌الله‌العظمی شهید سیّد محمّدباقر صدر: بررسی مستند زندگی و جهاد آیت‌الله‌العظمی شهید سیّد محمّدباقر صدرقدس‌سره (مترجم) قاسم غضبانپور، تهران، فرهنگ سبز.

آیةاللهالعظمی سیّد کاظم حسینی حائری[۱]، آیةالله عفیف النابلسی[۲] و شهید آیةالله سیّد محمّد باقر حکیم[۳] اشاره کرد.

سال‌ها بعد وهابیان تکفیری سعودی از روش‌های شکنجه بعثی‌ها در سوریه و عراق استفاده وسیع کردند. استاد دکتر ولید عبدالغفار الشهیب الحلی (دبیر کل مؤسسه حقوق بشر عراق) در مقاله «حزب بعث و داعش - رویکردی همسان در تعدی به حقوق بشر[۴]» به جوانب دیگری از شکل‌گیری داعش اشاره‌کرده است که با توسعه ابزارهای شکنجه در رژیم بعث عراق ارتباطی وثیق دارد:

> رهبری حزب بعث عراق با کمکهای سازمان‌های اطلاعاتی برخی از کشورهای عربی و بیگانه، نقش مؤثری در ایجاد داعش در سوریه و عراق در خلال سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م ایفا کرد. هزاران نفر از نیروهای نظامی، امنیتی و اطلاعاتی حزب بعث، در کنار نیروهای مخصوص صدام معروف به «فدائیان صدام» در جنایت علیه حقوق بشر عراق مشارکت داشته‌اند، افرادی مانند عزّت الدوری رؤیای سیطره کامل بر نیروهای داعش را در سر می‌پروراندند؛ ولی در تحقق این هدف ناکام ماندند.
>
> ابراهیم البدری (ابوبکر البغدادی، رهبر داعش) و بسیاری از تروریست‌ها که تعداد آن‌ها بالغبر ۲۳۰۰۰ نفر از ملّیت‌های مختلف برآورد می‌شود، دراثنای دوران زندان خود در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ برنامه‌ریزی و کار مشترک گروهی [جهت ایجاد

---

۱. الشهید الصدر سموّ الذات وسموّ الموقف که با مشخصات زیر به فارسی ترجمه شده است: سیّد کاظم حائری (۱۳۷۵ه.ش) زندگی و افکار شهید بزرگوار آیةالله العظمی سیّد محمّدباقر صدر (ترجمه و پاورقی) حسن طارمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. نشانی وبگاه آیةاللهالعظمی سیّد کاظم حسینی حائری چنین است: www.alhaeri.org

۲. خفایا و اسرار من سیرة الشهید محمّدباقر الصدرﷺ که با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشرشده است: عفیف نابلسی (۱۳۹۵ه.ش) ناگفته‌ها و اسرار زندگی آیت‌الله شهید سیّد محمّدباقر صدر ﷺ (ترجمه) اسماء خواجه‌زاده، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف. نشانی وبگاه آیةالله عفیف النابلسی چنین است: alnabolsi.net

۳. سیّد محمّدباقر حکیم (۱۴۲۶ق) الصدر فی ذاکرة الحکیم مع شذرات من حیاة الشهید الصدر، (جمع و تحقیق) محمّد محمد الحیدری، بغداد، دار نور الشروق.

۴. ولید عبد الغفار الشهیب الحلي (۲۰۱۷م) حزب البعث و داعش منهج واحد في انتهاك حقوق الإنسان، مجلة العلوم القانونية والسياسية (جامعة ديالى)، شماره ۶

گروهی تروریستی] را آغاز کردند و بعد از آزادی از زندان ایالات‌متحده در عراق (بوکا) ابتدا القاعده عراق و سپس تشکیلات داعش را به وجود آوردند.[1]

نویسنده سپس به گوشه‌هایی از جنایات حزب بعث مانند تصفیه قومی (شیعیان، کردها، ترکمن‌ها، کردهای فیلی، مردم شبک) و جرائم جنگی؛ و جنایاتی مانند انفال و حلبچه و نابودی روستاهای کرد و ترکمان (مانند تسعین و بشیر و ...) و جنایت دجیل در ۱۹۸۲م، جنایت تعدی به عتبات مقدسه نجف و کربلا و مقامات دینی در جریان انتفاضه ۱۵ شعبان ۱۴۱۱ق، جنایات حمله به ایران و سپس کویت (۱۹۹۰ - ۱۹۹۱م) و ... اشاره می‌کند و انواع شکنجه‌های رایج در زندان‌های حزب بعث عراق را از قبیل قطع عضو بدن قربانی، سوزاندن و ... که در مجمع بالغبر ۱۵۰ شیوه شکنجه می‌شود،[2] نام می‌برد و آن‌ها را با جنایات داعش از قبیل قطع عضو، نسل‌کشی، تصفیه نژادی و قومی مقایسه می‌کند.

مقبره شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدر‌ﷺ دارای بنای عظیمی است که در زمان زیارت، چند ماهی به اتمام بنای آن باقی‌مانده بود. زوّار از ساعت هفت صبح تا هفت شب می‌توانند به آنجا بروند. متأسفانه در برنامه کاروان‌های زیارتی در وادی‌السلام زیارت مزار شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدرﷺ تعریف‌نشده است.

ساعتی آنجا بودم و در آن موقع جز یک زائر عراقی که ازآنجا خارج می‌شد، زائر دیگری حضور نداشت و تنها محافظان مرقد ایشان در ورودی‌ها حضور داشتند. از خداوند متعال طلب توفیق کردم تا مطابق برنامه مرکز اسناد فرهنگی آسیا، مجلسی وزین در بزرگداشت مقام علمی و معنوی آن شهید سعید برگزار شود که بحمدالله در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۶ شمسی با پیام آیةالله العظمی سیّد کاظم حسینی حائری و سخنرانی استادان فرهیخته حضرات آیةالله تسخیری؛ آیةالله اراکی؛ دکتر مهدی گلشنی و دکتر ثریا مکنون به‌خوبی برگزار شد. مقام بلند معنوی و علمی شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدرﷺ چنان است که هر کار درباره آن کنیم بازهم کم است.

---

۱. همان: ص ۳

۲. همان: ص ۸. به نقل از: التعذیب في العراق في صفحات - ۲۱۵ إلی ۲۲۹.

## مشاهداتی از شهر نجف اشرف

مرحوم حاج شیخ آقابزرگ طهرانی‌رحمه‌الله در کتاب کشکول خود یادداشتی با عنوان «جایگاه نجف اشرف در میان شهرهای اسلامی» دارد و در آن نوشتار به سه ویژگی و امتیاز نجف اشرف چنین اشاره‌کرده است:

۱. وجود مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در نجف اشرف.

۲. تبدیل نجف اشرف به پایتخت دین که مرجع جمع کثیری از مسلمانان در سراسر سرزمین‌های اسلامی است.

۳. وجود مدارس و مراکز عالی فرهنگ اسلامی.[۱]

نجف اشرف شهر مدارس علمیّه، کتابخانه‌ها و مدارس بزرگ اسلامی است. به جهتِ آگاهی از کتابخانه‌های عمومی نجف اشرف، نام برخی از آن‌ها به شرح زیر تقدیم می‌شود؛ گرچه حقیر به‌واسطه زمان بسیار اندک، توانستم تنها به دو کتابخانه سری کوتاه زدم.

۱. **مکتبة الروضة الحیدریة‌علیه‌السلام:**[۲] از باب شیخ طوسی می‌توان وارد آن شد.

۲. **مکتبة الامام امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام:**[۳] توسط علّامه امینی‌قدس‌سره در سال ۱۹۵۳م تأسیس شد و واقع در محله الحویش است و از حیث منابع فوق‌العاده است.

۳. **مکتبة الامام الحکیم:** توسط آیةاللهالعظمی سیّد محسن حکیم‌قدس‌سره در سال ۱۹۵۸م تأسیس شد. آن کتابخانه در خیابان شارع الرسول، در نزدیکی مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام واقع است.

۴. **مکتبة الامام الحسین‌علیه‌السلام:** توسط شیخ شاکر قریشی در سال ۲۰۰۶م تأسیس شد. آن کتابخانه در راه نجف - کوفه نزدیک مرقد مطهر حضرت میثم تمّار واقع است.

۵. **مکتبة آل حنوش:** توسط حاج کاظم حسون آل حنوش در محله البراق نجف (نزدیکی دفتر آیةاللهالعظمی سیستانی) در ۱۹۵۱م تأسیس؛ و در ۲۰۰۳م بازگشایی شد.

---

۱. آقابزرگ طهرانی (۱۴۳۳ق) کشکول الطهرانی، (إعداد) السید محمدعلی الحسینی الجلالی، کربلاء، دار جواد الأئمة، ص ۱۶۹.

2. www.haydarya.com

3. http://imamlib.com

۶. **مکتبة الامام الحسن**ؑ: توسط علّامه شیخ هادی القرشی و برادرش علّامه شیخ باقر شریف القرشی در سال ۱۹۹۳م تأسیس شد. آن کتابخانه در تقاطع خیابان‌های المدینه و السور (شارع المحیط) واقع است. کتابخانه مذکور جدا از ده‌ها کتابخانه بزرگ و شهیر خاندان‌های علمی نجف اشرف است که به‌واسطه وجود همین‌گونه ذخایر ارزشمند فرهنگی است که نجف اشرف به پایتخت فرهنگی جهان اسلام (۲۰۱۳م) مبدل شد.

نیز مؤسسات علمی – فرهنگی مختلفی در نجف اشرف فعالیت می‌کنند که از زمرهٔ آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **مرکز الأبحاث العقائدیة**[1]: واقع در محله الحویش است.
۲. **مرکز آل البیت العالمی للمعلومات شبکة النجف الاشرف:**[2] واقع در شارع الرسولﷺ است.
۳. **مرکز الدراسات التخصصیة فی الامام المهدی**عج[3]: واقع در خیابان المحیط در نزدیکی الحویش است و زیر نظر دفتر آیةاللهالعظمی سیستانی فعالیت می‌کند.
۴. **مؤسسة المرتضی للثقافة و الارشاد**[4]: در تقاطع خیابان‌های الرسول و المحیط واقع‌شده است.
۵. **مؤسسة الغری للمعارف الاسلامیة:** در حیّ الحنانه مقابل دانشگاه دینی نجف اشرف (جامعة النجف الدینیة) است.
۶. **مؤسسة تراث النجف الحضاري والديني**[5]: واقع در حی الکرامة است.
۷. **مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث الشیعی**[6]: واقع در منطقه خان الخضر است.
۸. **مؤسسة کاشف الغطاء العامة**[1]: مقابل صحن شریف حیدری از سمت باب شیخ طوسیقدس‌سره است.

---

1. www.aqaed.com
2. http://holynajaf.net/ar
3. http://m-mahdi.com
4. www.almurtadha.org
5. http://najafcf.com
6. http://www.alulbayt.com

۹. **مؤسسة شهید المحراب للتبلیغ الاسلامی**[2]: در شئون قرآنی، فرهنگی، تبلیغ اسلامی، آداب و فنون (هنرها) و زنان فعالیت می‌کند.

## تجربه بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف

عظمت حوزه علمیّه نجف اشرف به اخلاص عجیب مؤسسان، مدرسان و محصلان آن بازمی‌گردد. میرزا داود وزیر وظایف در سفرنامه حج و عتبات خود (به سال ۱۳۲۲ق) توصیفِ بسیار خوبی از حوزه علمیّه نجف کرده است:

> حقیقتاً نجف اشرف شهری است نزدیک به عالمِ آخرت؛ و طلّاب آنجا خیلی خوش وضع و خوش‌حالت و قهراً مرتاض هستند.[3]

شیخ طوسی‌قدس‌سره سنگ بنای حوزه را چنان نهاد که تحصیل علم به‌منزله عبادت خدای متعال شمرده شود. طلّاب و استادان برخاسته از آن حوزه، به دنبال کسب مدرک، نام و نشان مادی و دریافت حقوق و مواجب ناشی از تدریس و پژوهش علمی خود نبودند؛ چنانکه هرگز شنیده نشد که علّامه امینی‌قدس‌سره نگارش الغدیر را به انعقاد قراردادی و یا منافع مادیّ آن منوط کند. حیات علمی معظم له از ابتدا تا انتهای آن برای خدا بود و نتیجه چنان اخلاصی، چنین تأثیری عمیق در میان امّت است. مرحوم استاد سیّد جعفر شهیدی‌قدس‌سره در بیان خاطرات تحصیلش در نجف اشرف با بیان اینکه مرحوم آیةالله العظمی بروجردی‌قدس‌سره به ایشان فرموده بود هرچه میتوانی سعی کن در نجف بیشتر بمانی و خود را برای تحمل مشقت آماده کنی [4] از عزم راسخ خود برای عمل به نصیحت آیةالله العظمی بروجردی‌قدس‌سره می‌نویسد:

> از هنگام ورود به نجف تا مدتی دراز روزها و شب‌ها را در تاریکخانه مدرسهٔ قزوینی‌ها به سر بردم. این‌که می‌گویم تاریک‌خانه مبالغه نیست؛ انبار کوچکی بود در راه پلهٔ طبقه دوم مدرسه که سیدی عرب به نام سیّد مسلم گونی ذغال و اندکی اثاث خود را

---

1. www.kashifalgetaa.com
2. http://alhakimfd.org

۳. میرزا داود وزیر وظایف (۱۳۹۱ه.ش) سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف، (به کوشش) سیّد علی قاضی عسکر، تهران، نشر مشعر، ص ۲۲۲.

۴. سیّد جعفر شهیدی (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز، ص ۷۳۱

در آن نهاده بود. این انبار دریچه‌ای به پلکان داشت که تنها منفذِ نور بود. سیّد مسلم انبار را خالی کرد و تحویل داد و من آنجا را خانهٔ خود گرفتم. وقتی آن دریچه را باز می‌کردم، آن‌قدر روشنی به درون می‌تافت که اجسام را تشخیص می‌دادم. روزها برای مطالعه به پشت‌بام مدرسه یا ایوان آن می‌رفتم و شب‌ها از نور چراغ‌نفتی استفاده می‌کردم. (چندی بعد این مدرسه و مدرسه‌های دیگر را برق‌کشی کردند.) شرح تحمل گرما و سختی معیشت لزومی ندارد، زیرا در این قسمت دیگر طالبان علم هم با من شریک بودند. [1]

گفتگوی دکتر محمّد شوقی الفنجری (اقتصاددان مشهور مصری) با شهید آیة‌الله سیّد محمّد باقر صدر‌ﷺ گوشه‌ای از عظمت حوزه علمیه نجف را نمایان می‌کند. الفنجری که به‌قدر و قیمت کتاب‌های «اقتصادنا» و «فلسفتنا» پی برده بود، می‌خواست بداند شهید صدر دانش‌آموخته کدام دانشگاه است؟ شاید گُمان می‌کرده که شخصی به این پایه از علم و دانش باید که دانش‌آموخته مغرب زمین باشد. شهید صدر در پاسخ می‌فرماید: «من در هیچ‌یک از دانشگاه‌های جهان، چه در عراق و یا در خارج از آن تحصیل‌نکرده‌ام؛ بلکه اصلاً جز دو بار از عراق خارج نشده‌ام: یک‌بار به جهت حج بیت‌الله الحرام و دیگربار به لبنان برای دیدار با برخی از خویشاوندانم.» فنجری با حیرت می‌پرسد: پس در کجا تحصیل‌کرده‌اید؟ پاسخ می‌دهد: «در مساجد؛ طلّاب و علمای نجف علم را در مساجد می‌آموزند.» و فنجری می‌گوید: **«به خدا قسم که مساجدِ نجف برتر از تمامی دانشگاه‌های اروپایند.»** [2]

در مقابل دسته اول؛ یعنی آنان که تنها دغدغه تعلیم و تعلم علم با انگیزه الهی دارند، دسته دوم بر اثر رواج مدرک‌گرایی ظاهرشده‌اند که به‌شرط قراردادِ مالی کار می‌کنند. مثلاً انجام پژوهشی درباره پیامبر اکرمﷺ را منوط به تأمین مزایای مادی آن می‌کنند. و اگر مزایای مادی تأمین نشود پس پژوهشی هم انجام نمی‌گیرد. این علم دیگر مقید به عمل نیست و تنها حجتی بر گردن صاحب آن است. من شخصی را سراغ دارم که در پایان نامه دکتری علوم سیاسی خود، عدالت را نخ تسبیح متون سیاسی جهان اسلام معرفی کرده

۱. همان، ص ۷۳۲.

۲. محمدرضا نعمانی (۱۴۳۹ه.ق) شهید الأمة و شاهدها؛ دراسة وثائقیة لحیاة و جهاد الإمام الشهید السیّد محمّدباقر الصدر، قم، دار الصدر، ص ۸۱-۸۲.

است و با چه ادا و اطواری درباره عدالت و مراتب تمدنی آن سخن می‌گوید، ولی همو با انگیزه حفظ صندلی ریاست خود، مرتکب ظلم‌هایی عجیب به بیت‌المال و دیگران شد! فرآورده‌های فکری چنین اشخاصی که التزام عملی به گفته خود ندارند، فاقد آن تأثیرگذاری عظیم بر روح و روان مؤمنان است. شاگردان دسته اوّل، تحصیل را عبادت خدا می‌بینند و شاگردان دسته دوم، تحصیل را مقدمه یا بخشی از یک قرارداد مالی می‌دانند. لذا ارتباط با نجف اشرف ارتباط با فرهنگی غنی است که هرکس بدان متصل شود ستاره‌ای از کهکشان نورانی عالمان عامل خواهد شد. مرحوم آیةالله شیخ عزیز الله عطاردی‌قدس‌سره از شاگردان دسته اوّل است که بی حقوق و مواجب و قرارداد، با همّت و صبری ستودنی، سال‌های سال از کشوری به کشور دیگر؛ از شهری به شهر دیگر؛ و از کتابخانه‌ای به کتابخانه دیگر رفت تا با نگارش ده‌ها هزار فیش تحقیق، تاریخ خراسان در دوره اسلامی را بنگارد و او روش علمی را در همین حوزه نجف اشرف؛ و از بزرگانی چون علّامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی‌قدس‌سره و علّامه عبدالحسین امینی‌قدس‌سره آموخته بود؛ چنانکه می‌نویسد:

> در نجف اشرف هرروز به حضور دو محقق عالی‌قدر و دو مجاهد بزرگ؛ یعنی علّامه مجاهد شیخ عبدالحسین امینی (رضوان‌الله علیه) مؤلف کتاب جاودانی الغدیر و محقق بصیر و زاهد بی‌نظیر شیخ آقابزرگ طهرانی (قدس الله روحه) مؤلف کتاب جهانی «الذریعة» و «طبقات اعلام الشیعة» مشرف می‌شدم و از محضر پرفیض آن‌ها استفاده می‌کردم. این دو بزرگوار مرا بسیار تشویق می‌کردند و روش‌های تحقیق و آشنایی با مصادر را از آن‌ها فراگرفتم، و پس از دیدن کتابخانه‌های نجف از چند کتابخانه در بغداد و کربلا هم دیدن کردم، و اطلاعات بسیار سودمندی از کتابخانه‌های عتبات به دست آوردم.[۱]

البته در صحن حرم مطهر آنچه استاد سیّد جعفر شهیدی از گعده (قعده) های علماء و طلّاب و فضلاء که در هر چند متر یکی تشکیل می‌شد[۲]، جز معدود مجالس مباحثه اثری نیافتم.

---

۱. عزیز الله عطاردی (۱۳۶۸ه.ش) اخبار و آثار حضرت رضا علیه‌السلام، تهران، کتابخانه صدر، صص ۶-۷.
۲. سیّد جعفر شهیدی (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز، ص ۷۳۲.

## درباره نجف اشرف

ناگفته نماند که درباره نجف اشرف کتاب‌های بسیاری نگاشته شده است که از میان آن‌ها می‌توان به «تاریخ النجف» تألیف حسین براقی؛ «فصول من تاریخ النجف و بحوث اخری» تألیف عبدالرحیم محمّد علی؛ «ماضی النجف و حاضرها» تألیف جعفر بن باقر آل محبوبه؛ «موسوعة العتبات المقدسة[1]» تألیف جعفر الخلیلی اشاره کرد. همچنین بخش جالب‌توجهی از مقالات استاد محقق دکتر حسین‌علی محفوظ (متوفی ۱۴۳۰ق) به نجف اشرف و فقهاء و اعلام حوزه علمیه آن اختصاص دارد.

امروزه توجه مراکز مطالعاتی بین‌المللی به عتبات عالیات، پس از راهپیمایی‌های عظیم اربعین حسینی بیشتر شده و کسبِ این شناخت، اهمیّتی راهبردی و جهانی یافته است. یونسکو نیز در سالیان اخیر توجه خاصی به نجف اشرف و کربلا مبذول کرده است و کتابی را با عنوان «نجف؛ دروازه حکمت»[2] تألیف یاسر طباع و سابرینا مروین (با ۱۲۰ تصویر از اریک بونییر) به دو زبان عربی (النجف: بوابة الحکمة) و انگلیسی منتشر کرده است. تصاویر آن کتاب، بیشتر جوانبی از زندگی فرهنگی و اجتماعی اهالی نجف اشرف را به تصویر می‌کشد؛ و البته تصاویر کتاب «سجده صاحب‌نظران»[3] حاصل هنرمندی محمّد خوشرو (عکاس) به لحاظ تصاویر هُنری از اماکن مقدّسه، به‌مراتب بهتر و زیباتر است.[4]

---

۱. جزء ۷ آن به نجف؛ جزء ۸ به کربلا؛ جزءهای ۹ و ۱۰ به کاظمین و جزء ۱۲ به سامراء اختصاص دارد.

2. Tabbaa; Erick Bonnier; Unesco.(2014) Najaf, the Gate of wisdom, Paris, France: Unesco, with the support of Republic of Iraq Ministry of Culture.

متن کامل عربی و انگلیسی کتاب از وبگاه سازمان یونسکو (unesco.org) قابل دریافت است.

۳. محمّد خوشرو (۱۳۹۰ه.ش) سجده‌ی صاحب‌نظران= خشوع‌العارفین/ عکاس محمّد خوش‌رو، ناشر مؤلف. رضا وثوقی نیز دارای کتابی در مجموعه تصاویر عتبات عالیات است. ببینید:رضا وثوقی (۱۳۸۴ه.ش) کربلا، نجف، کاظمین، کوفه/ به روایت تصویری رضا وثوقی. تهران: صحرادریا.

۴. البته چنانکه دوست عزیزم استاد گرامی جناب آقای دکتر رامین خانبگی به‌درستی متذکر شدند تصاویر کتاب مذکور سطحی است و به هیچ روی با عنوان کتاب (دروازه حکمت) تناسبی ندارد.

دیگر کتابی که با حمایت یونسکو و وزارت فرهنگ عراق تألیف شده است، کتاب «النجف: تاریخ وتطور المدینة المقدسة»[۱] است.

وصف شهر نجف اشرف، جسته‌وگریخته، در خاطرات زائران عتبات عالیات نیز آمده است. برای مثال، در سفرنامه سیّد محمّد حسین تقوی قزوینی درباره شهر نجف آمده است که آن شهری پرجمعیت، ولی کوچک، با خانه‌های کوچک دومرتبه بلکه سه مرتبه و کوچه‌های تنگ است و از اطراف عمارات فوقانی را به‌گونه‌ای جلو آورده‌اند که به هم وصل شده‌اند.[۲] سیف‌الدوله سلطان محمد نیز در سفرنامه حج خود (به سال ۱۲۷۹ق) می‌نویسد:

> بنای خانه‌های نجف از آجر و گچ، مثل خانه‌های کربلا تنگ نیست. وسعتی دارد. سرداب‌هایشان خوب است. بعضی سرداب‌ها در نجف هست که در روزهای تابستان بدون بالاپوش نمی‌توان در آن‌ها بسر برد....[۳]

استاد سیّد جعفر شهیدی نیز نجف اشرف را چنین وصف کرده است:

> شهر نجف را به خاطر آوردم؛ با آن کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ که آسمان را در هیچ نقطه‌ای از آن، به خاطر تجاوز خانه‌ها از دو طرف به حریم کوچه نمی‌توان دید. خانه‌های کوچک، مخصوصاً خانه‌هایی که علمای ما در آن به سر می‌بردند و وسیع‌ترین مساحت آن از صد متر تجاوز نمی‌کرد. با پله‌های مثلث کج و معوج که بالا و پایین شدن از آن پله‌ها مهارتی خاص لازم داشت. واگن اسبی بین نجف و کوفه با اطاق‌های دو طبقه‌ای آن، و خط آهنی که از دروازهٔ نجف تا کنار فرات می‌رفت و در دو طرف تا چشم کار می‌کرد جز شن ریز چیزی دیده نمی‌شد. ...[۴]

---

۱. (تحریر) سابرینا مروین و روبرت گلیف و جیرالدین شاتلار (۲۰۱۶ م) النجف: تاریخ وتطور المدینة المقدسة، بیروت (ط ۱) دار الوراق للنشر، (منشورات الیونسکو)

۲. تقوی قزوینی، سیّد محمدحسین (۱۳۹۴ه.ش) سفرنامه سیّد محمدحسین تقوی قزوینی سفرنامه عتبات، هند و حج (تحقیق) محمدعلی باقی زاده، تهران، موسسه فرهنگی مشعر، ۹۸

۳. سیف‌الدوله سلطان محمد (۱۳۶۴ش) سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه، (تصحیح و تحشیه) علی اکبر خداپرست، تهران، نشر نی، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۴. سیّد جعفر شهیدی (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز، ص ۷۳۳.

خانه تاریخی محل سکونت امام خمینی‌قدس‌سره در نجف اشرف نمونه‌ای از خانه‌های سنتی نجف اشرف است که همه‌روزه پذیرای زوار ایرانی و غیر ایرانی بسیاری است. به آنجا نیز سری زدم. انصافاً تعبیر مرحوم استاد شهیدی از پله‌های اینگونه منازل دقیق است. در آن زمان گروهی از یک کاروان دانشجویی ایرانی و برخی زوّار لبنانی حضور داشتند. دیدن آنجا آموزنده است و خالی از لطف نیست. مساحت منزل ۱۱۵ متر و بنای آن ۲۰۴ متر است و دارای سردابی به مساحت ۵۸ متر است. مرحوم امام خمینی ۱۳ سال در این منزل قدیمی ساکن بودند. با سرنگونی رژیم صدام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌قدس‌سره، آن منزل را از ورثه مالک آن خریداری کرد و با مرمت بنا، امکان بازدید عمومی از آن را فراهم کرده است. نمایشگاهی از تصاویر امام خمینی در نجف اشرف نیز برپا بود. پشت بیت امام خمینی‌قدس‌سره نیز دوره‌های آموزشی و جلسات درس و بحث برقرار بود.

ایرانیان در طول تاریخ، علاوه بر ابنیه حرم‌های اهل‌بیت عصمت و طهارت‌علیهم‌السلام، خدمات بسیاری به عمران و امنیت شهرهای عتبات خصوصاً نجف اشرف کرده‌اند. سیّد محمّد عادلی در کتاب «رهنمای زوار عتبات مقدسه عراق: شامل تاریخ و جغرافیای عراق و مشاهد مشرفه» که آن را در زمان سلطنت فیصل بر عراق (مرگ ۱۹۵۸م) نگاشته است، به خدمات ایرانیان در ارتباط با آب و برق شهر نجف اشرف اشاره دارد که به دلیل اهمیّت مطلب، عیناً نقل می‌شود:

> موضوع آب نجف[۱] از زمان پیش یک مسئله غیرقابل‌حلی بود؛ چون بلندی زمین شهر مانع از این بود که آب فرات به‌خودی‌خود به آنجا برسد ازاین‌جهت، در زمان بسیار پیش که نجف هنوز شهریت درستی نداشت، اهالی از آب چاه‌هایی که نسبتاً کمتر شور بود گذران می‌نمودند؛ پس‌ازاینکه نجف شهریت پیدا نمود و جمعیت آن زیاد گردید و موضوع آب اهمیّت پیدا نموده و دشوار شد، از طرف یک عده ثروتمندان

۱. از دوران آل بویه اهتمام به آب نجف اشرف بوده است، چنانکه سیف الدوله سلطان محمّد در سفرنامه مکه (به سال ۱۲۷۹ه.ق) مینویسد: چون زمین نجف را هرچه بکنند آب در نیاید، آل بویه مخارج بسیار گزافی کرده، قنات آب شوری از راه دور آورده، در زیر زمین نجف جاری کرده اند. چاههایی که در خانه های نحف است و به قدر هفتاد ذرع ریسمان میبرد و آب شوری بر میآید، همان آب قنات آل بویه است که در چاههای تمام خانه های نجف جاری است. سیف الدوله سلطان محمّد (۱۳۶۴ش) سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه، (تصحیح و تحشیه) علی اکبر خداپرست، تهران، نشر نی، ص ۲۴۳.

ایرانی قناتی از نجف رو به فرات حفر نموده و آن را به یکی از نقاط پست فرات متصل ساختند و بدین‌وسیله پس از مخارج بسیار هنگفتی آب فرات را به نجف رسانیدند.
لاجرم در اثر شوره زاری زمین پس از مدتی آب قنات تدریجاً مبدل به آب‌شور گردید به‌نوعی که بالاخره آشامیدن آن ممکن نبود. بعدازآن نهر کوچکی از فرات جدا نموده و به نجف رسانیدند. آن‌ها در اثر ارتفاع زمین نیز در فصل تابستان خشک می‌شد و قیمت یک مشک آب گاهی تا ده تومان می‌رسید تا اینکه بالاخره این مشکل به دست شهامت مرحوم حاج معین التجار بهبهانی[۱] حل گردید به‌این‌ترتیب که در کنار نهر فرات در شهر کوفه ماشین‌هایی نصب نمود که آب نهر را به‌وسیله لوله‌های آهنین که قبلاً تا نجف لوله‌کشی نموده بود به نجف رسانیده و در نجف به انبار مرتفعی بالابرده و ازآنجا به‌وسیله لوله‌های دیگر در تمام خیابان‌ها و کوچه‌های شهر توزیع می‌گردد و از آن روز نجف و نجفی‌ها از قسمت آب راحت شده و از سختی‌های تاریخی آب رهایی یافتند.
مرحوم حاج معین التجار بهبهانی در این اقدام بزرگ یک عمل خیر بسیار شایانی را بنام خود در تاریخ نجف ثبت نمودند که تا ابدالدهر به شرافت و افتخار ایشان یاد و روح پاکش پیوسته به رحمت شاد خواهد بود. مرحوم حاج معین علاوه بر آب نجف برق شهر را نیز برای اولین بار تأمین نمود و ماشین‌های برق از آلمان به نجف وارد نموده و نصب ساخت و بیش از همه‌جا صحن و حرم و رواق و کلیه گنبد و بارگاه حضرت علوی﷣ را با برق منور ساخت و پس‌ازآن نیز به اهالی برای خانه‌ها و دکان‌ها نیز برق داد و ایشان را پس از قرن‌ها از دوده چراغ‌های نفتی نجات داد. این آب و برق اکنون به تصرف دولت عراق درآمده و از طرف اداره رسمی مستقیماً اداره می‌گردد.[۲]

مناسب است از مرحوم نظام الدوله حاج محمّد حسین خان علّاف اصفهانی وزیر فتحعلی شاه قاجار نیز یادی شود که سور (حصار) ششم نجف اشرف را برای دفع حملات

---

۱. البته مناقشاتی در مورد مواضع سیاسی معین التجار موجود است که بحث درباره آن مجال دیگری را می‌طلبد.

۲. سیّد محمّد عادلی (بی‌تا) رهنمای زوّار عتبات مقدسه عراق شامل تاریخ و جغرافیای عراق و مشاهد مشرفه، تهران، کتابخانه چاپخانه مرکزی، ص ۶۳-۶۴.

احتمالی وهابیان به نجف اشرف بنا نهاد که دارای برج‌ها و خندق‌های بزرگی بوده و در سال ۱۲۱۷ق به اتمام رسیده است. بعدها در همین سور نبردی سخت میان استعمارگران بریتانیا و انقلابیون نجف روی داد که در ادامه در معرفی موزه خان الشیلان نجف اشرف به آن اشاره می‌شود.

## در بازار کتاب نجف اشرف

پیش از عزیمت به عتبات، کتابِ «نورستان» را به اتمام رساندم. ضمیمه آن کتاب مزیّن به رساله ارزشمند «ثُقاة الرواة» تألیف آیةالله علّامه سیّد هبةالدین حسینی شهرستانی‌ﷺ است و در آن زمان، جهت تطبیق اسامی به کتاب «معجم رجال الحدیث» تألیف آیةالله سیّد ابوالقاسم خویی‌ﷺ مراجعه می‌کردم. مُدّتی بود که در فروشگاه‌های کتاب تهران و قم به دنبال تهیه کتاب «معجم الثقات و ترتیب الطبقات» تألیف آیةالله ابوطالب تجلیل تبریزی‌ﷺ بودم. آن کتاب به دلیل عدم تجدید چاپ نایاب شده بود و از خرید آن کتاب کاملاً مأیوس بودم و حتی سه روز پیش از سفر نیز دنبال آن در فروشگاه‌های کتاب قم جستجو می‌کردم و ابداً گُمان نمی‌کردم آن را در نجف اشرف بیابم! کار خداست و این اتفاق را به فال نیک گرفتم. از شارع الرسول‌ﷺ به زیارت مرقد آیةالله سیّد عبدالأعلی سبزواری‌ﷺ رفتم. سپس همان کوچه مسجد سبزواری را گرفته و پس از طی مسافتی وارد بازار کتاب‌فروشان نجف اشرف شدم. هنوز مسافتی نرفته بودم که با شگفتی کتاب مذکور را بر روی میز کتاب‌فروشی یافتم. آن را برای من گذاشته بودند! بلافاصله آن را خریدم. سخن کتاب‌فروش برایم شیرین بود که می‌گفت: این کتاب [چاپ قم] را در هیچ کجا جز در نجف اشرف نمی‌توانستی پیدا کنی! سخنش را به گرمی تأیید کردم و راهی حرم شدم.

همچنین در راستای پژوهش موظفی‌ام[1] مجموعه‌ای از کتاب‌های آموزش خوشنویسی را خریداری کردم. علّت توجهم به کتاب‌های آموزش خوشنویسی آن است که سنّتی پیوسته در انتخاب سرمشق‌های خوشنویسی جهت تربیت معنوی شاگردان بوده است.

۱. با عنوان «نقش هنر خوشنویسی ایرانی – اسلامی در بسط آرمان وحدت اسلامی با تأکید بر کتابت قرآن (مطالعه موردی برخی از آثار شاخص عصر ناصری)»

درواقع، استادان بزرگ فقط خطّ شاگردان را اصلاح نمی‌کردند، بلکه به دنبال تقویت جوانب معنوی در زندگی آنان بودند. به دنبال قرآنی به کتابتِ خوشنویسی از خوشنویسان عراقی بودم که نیافتم. غالب قرآن‌های موجود به خط عثمان طه بود. یکی از کتاب‌فروشان نجفی با اطمینان گفت: قرآنی به کتابت خوشنویسی عراقی موجود است ولی نام کاتبش را به یاد نداشت. شاید آن را به همراه دیگر گمشده‌ام یعنی رساله تطور الفلسفه تألیف مرحوم آیةالله عبدالکریم زنجانی‌قدس‌سره، در سفر بعدی در بغداد بیابم. ان‌شاء الله

## مرقد علّامه آیةالله عبدالحسین امینی قدس‌سره

مرقد مطهر علّامه امینی (۱۳۹۰–۱۳۲۰ق) جنب کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در همان کوچه‌ای است که منزل تاریخی حضرت امام خمینی نیز در آن قرار دارد. از مرقد ایشان تا بازار کتاب نجف اشرف چند قدمی بیش نیست و در همان حدود نیز مسجد شیخ انصاری قرار دارد که آنجا نیز رفتیم. بانی آن شیخ مرتضی انصاری‌قدس‌سره است و امام خمینی‌قدس‌سره در زمان اقامت در نجف اشرف در آنجا اقامه جماعت و تدریس می‌کردند.

علّامه امینی‌قدس‌سره با فراهم کردن کتابخانه مذکور خدمتی بزرگ به جهان اسلام کرده است.[۱] خداوند مرحوم دکتر سیّد جعفر شهیدی‌قدس‌سره را بیامرزد که تعبیری بس نیکو درباره علّامه امینی دارد: «امینی تکلیف مذهبی خود را در حد هشام بن حکم‌قدس‌سره، ابوسهل نوبختی‌قدس‌سره، شیخ صدوق‌قدس‌سره، شیخ مفید‌قدس‌سره و سیّد مرتضی‌قدس‌سره انجام داد.»[۲] این عبارت کوتاه همه‌چیز را درباره علّامه امینی‌قدس‌سره بیان می‌کند.

در اطراف قبر معظم له، بر دیوار و در داخل قفسه‌هایی که کنار دیوار چیده‌اند، مجموعه‌ای از تصاویر و رونوشت برخی از نامه‌ها و اسناد همچون نامه‌ها، نمونه دستخط

---

۱. فهرست نسخ ارزشمند آن کتابخانه در کتاب زیر معرفی‌شده است: سیّد علی موجانی، علی بهرامیان (۱۳۸۹ه.ش) فهرستواره نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام نجف اشرف، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ۵۰۸ص. نیز جهت مطالعه برخی از نفایس کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام ببینید: جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲ش) امینِ شریعت ویژه نامه رونمایی از کتاب المقاصد العلیةتألیف علّامه امینی (قم) بنیاد محقق طباطبایی، ص ۱۷۳–۲۵۰.

۲. سیّد جعفر شهیدی (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز (مجموعه مقاله‌ها و سفرنامه‌ها) تهران، نشر قطره، ص ۱۳۹.

علّامه امینی، اجازه روایت علّامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی‌قدس‌سره و ... را به معرض نمایش گذاشته‌اند که برای آشنایی اوّلیه زُوّار با علّامه امینی مفید و مغتنم است.

یکی از دغدغه‌های علّامه امینی، نقد و افشای دستان ناپاکی بود که در انتشار آثار و اخبار تاریخی مرتکب خیانت می‌شوند؛ چنانکه برخی معاندان با حذف مراثی سیّد الشهداء حضرت امام حسین‌علیه‌السلام از دیوان کمیت و دیوان ابی فراس و نیز دیوان ابوالفتح کشاجم[1]، خواسته‌اند حقیقت را پنهان کنند؛ و علّامه امینی که پاسدار میراث اهل‌البیت علیهم‌السلام است، در کتاب الغدیر، با کندوکاو در تاریخ اسلام از «ابوالفرج» [در مجلد دوم «اغانی»، ص ۱۲۶] نقل می‌کند که او به اسناد خود از «ابی بکر خضرمی» روایت کرده که در ایّام تشریق (۱۱ تا ۱۳ ذی‌حجه) در «منی» از «ابی جعفر محمّد بن علی علیهما‌السلام» برای کمیت اسدی اجازه شرفیابی خواست و حضرت‌علیه‌السلام اجازه فرمود؛ هنگامی‌که کمیت به نزد امام‌علیه‌السلام رسید، عرض کرد: قربانت شوم، در ستایش شما شعری سروده‌ام که دوست دارم برایتان بخوانم. حضرت علیه‌السلام فرمود: در این روزهای مشخص‌شده و شماره شده، به یاد خدا باش.

کمیت بار دیگر خواهش کرد.

امام‌علیه‌السلام اجازه فرمود: بخوان؛

کمیت قصیده‌ای را خواند و آن‌چنان غوغا کرد؛ که وقتی به این بیت رسید:

یصیب به الرّامون عن قوس غیرهم      فیا آخر اسدی له الغیّ اوّل[2]

امام‌علیه‌السلام اشک‌ریزان دستان مبارک را به آسمان بردند و به خدا عرضه داشتند: «خداوندا! کمیت را بیامرز!»

علّامه امینی از «بغدادی» [در «خزانة الادب»، ج ۱۵ / ۷۰] نقل می‌کند که با اشعار کمیت اشک و آه و صدای شیون از هر سو برخاست و چون به بیت زیر رسید:

فلم أرَ مخذولًا لأجلِ مصیبةٍ

۱. «کشاجم» نام اختصاری است که هر حرف آن اشاره به یکی از ویژگی‌های «ابوالفتح محمود بن محمّد بن حسین بن سندی بن شاهک رملی» (متوفی ۳۵۰ یا ۳۶۰ق) دارد. «کاف»: کاتب؛ «شین»: شاعر؛ «الف» ادیب؛ «جیم»: قدرت بر جدل یا جود (بخشش)؛ و «میم»: متکلّم، منطقی، منجّم.

۲. تیراندازان با کمان دیگری (یزید) به او (امام حسین علیه‌السلام) تیر پرتاب می‌کردند. وای بر آنکه زمینه‌ساز چنان جنایت و تبه‌کاری شد.

و أوجب منه نصرةً حین یخذل[1]

در این هنگام امام جعفر صادق ﷺ دست‌ها را بلند کرد و چنین دعا کرد: «خداوندا! گناهان گذشته و آینده و پنهان و آشکار کمیت را بیامرز و آن‌قدر به وی ارزانی دار تا راضی شود!»[2] سپس حضرت ﷺ هزار دینار همراه با جامه‌ای به کمیت بخشید.

علّامه امینی همچون سایر موضوعات با تتبع بسیار حماسه حسینی را در منابع برادران اهل سنّت دنبال کرده و به انتقاد از دستان ناپاکی می‌پردازد که می‌کوشند تا واقعه عظیم غدیر خم و حماسه حسینی را از منابع تاریخی، ادبی، علمی و فکری جهان اسلام حذف کنند. در کنار این موضوع، علّامه عبدالحسین امینی، «مبارزه با رواجِ خرافات و انتسابِ نسبت‌های ناروا و بی مأخذ به شیعه امامیّه» را در محور مطالعات خود قرار داده است که بخش‌های مختلفی از کتاب الغدیر، خصوصاً مجلد سوم آن را در برمی‌گیرد. معظم له در نقد آثاری که باب تهمت‌زنی را بر روی امت اسلامی گشوده‌اند، نگرانی خود را از پیامدهای این موضوع بر آینده امت اسلامی بیان می‌کند:

> خالی بودن تألیف مسلمان شرقی، از بیان منابع، به فراموشی سپردن کتاب خدا و سنّت نبوی و برهم زدن اصول علم و خیانت به سلف امت و نادیده گرفتن آثار و یادگارهای اسلامی است که درنتیجه، آن تألیف عملی ناقص و ناتمام است که به خیر و صلاح امت و جامعه اسلامی نیست. برای چنین نویسنده‌ای روزی فرارسد که دندان ندامت بر پشت دستانش بگزد.[3]

نگرانی‌های علّامه امینی درباره پیدایش نویسندگانی بی‌مایه‌ای است که «هر نوع مطالب بی‌اساس و سفسطه بافی» در آثارشان مشهود است و علّامه امینی از آثارشان با عنوان «نقشه جدید کتاب نویسی» یاد می‌کند که ساده‌لوحان امت نامش را «تحلیل» گذاشته‌اند. آن‌ها «بی‌مطالعه» قلم روی کاغذ می‌گذارند و در جامعه اسلامی مطالب

---

۱. من جز حسین، بی‌یار و یاوری را که سزاوارتر به یاری در هنگام تنهایی باشد، نمی‌شناسم.

۲. در حقیقت، هر نویسنده و شاعر دیگری که زبان و قلم و فکرش را در مسیر حق بکار گیرد و عملش مرضی حق‌تعالی باشد، مشمولِ آن دعای امام حسین (ﷺ) خواهد بود: [اللهمَّ اغفر للکمیت ما قدّم و أخّر، و ما أسرَّ و أعلن ...]

۳. عبدالحسین امینی (۱۴۱۶ق) الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب. قم مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ج۳ / ص ۴۹.

«بی‌اساس و نامقبول» پخش می‌کنند، اظهارنظر کردن‌های بی‌دلیل، دروغ آشکار، خیانت در نقل، تحریف سخن از جای خود، ایراد نسبت‌های نادرست به پیروان دیگر مذاهب اسلامی، توهین و اهانت به دیگران دادن از مشخصات چنین طرز تفکر است که خطرات بسیاری فرا روی وحدت اسلامی دارد. علّامه امینی دربارهٔ آفت از دست دادن ادب دینی و رواج شهوات باطل نفسانی نویسندگان مزدور می‌نویسد:

> این اندیشه، روی تألیف را سیاه کرد، قلم‌ها وسیلهٔ جنایت شدند و این‌چنین در دل‌ها بذر کینه‌ها پاشیده شد؛ چنانکه مفسّر قرآن را تأویل به رأی خود کرد و محدث بنا بر ذوق خود حدیث سازی کرد و متکلم دربارهٔ فرقه‌هایی دروغین را بیان کرد و فقیه به پسند خویش فتوا داد و مورّخ هر آنچه خواست به نام تاریخ روایت کرد. تمامی این موارد سخنانی بی‌دلیل و نظراتی بدون مأخذ و برهان هستند که بی‌هیچ پروایی از دروغ‌گویی ایرادشده و منکر حقایق می‌شوند. «فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ[۱]»[۲]

از دید علّامه امینی باید امت اسلامی را درباره اغراض و تبعات چنین اتهاماتی آگاه کرد تا به آن‌ها اعتماد نکنند و باب دشمنی‌ها و بدزبانی‌ها در میان امت گشوده نشود.

## مسجد هندی و مسجد سبزواری

توفیق حضور در مسجد هندی و مسجد سبزواری حاصل شد. مسجد هندی در ابتدای شارع الرسول ﷺ و نرسیده به صحن حرم مطهر علوی واقع است. آن مسجد در ابتدای سده سیزدهم هجری، در زمان آیةالله شیخ حسین نجف کبیر ﷯، توسط یکی از شیعیان هندی بنام «خان محمّد» بنا شد[۳] و تولیت آن در خانواده آل نجف بود. میرزاعلی انور هندی نیز در کنار آن مسجد حمام معروف علی آقا را بنا کرد. مسجد مذکور همواره محل اعتکاف اهالی؛ و محل اجتماع علماء و فضلا حوزه علمیّه نجف اشرف بوده و در آن دروس مهم خارج فقه و اصول نظیر دروس آیةالله العظمی سیّد محمود شاهرودی ﷯ تدریس

---

۱. بخشی از آیه ۷۹ سوره بقره. ترجمه: وای بر آن‌ها ازآنچه با دست خود نوشتند، و وای بر آن‌ها ازآنچه از این راه به دست می‌آورند!

۲. عبدالحسین امینی (۱۴۱۶ق) الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، ج۳ / ۴۸.

۳. عبدالله صادقی (بی‌تا) لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، ص ۹۳.

می‌شده است. صدها مجتهد مسلم در این مسجد و مساجد مهمی همچون مسجد شیخ طوسی‌قدس‌سره تربیت‌شده‌اند. در مسجد هندی آیةالله العظمی سیّد محسن حکیم‌قدس‌سره نیز اقامه جماعت می‌کرد و در زمان معظم له، مجالس باشکوه مرجعیّت در اعیاد اسلامی، با حضور مهمانانی از سراسر جهان در آن مسجد برگزار می‌شد.

هنگام دیدار از این اماکن مقدس باید متذکر نقش این‌گونه بیوت الهی در تداوم و تبلیغ فرهنگ غنی اسلامی بود. بناهای شیعیان هندی از قبیل مسجد و مدرسه در عتبات عالیات بسیار معروف است. میرزا داود وزیر وظایف در سفرنامه حج و عتبات خود (به سال ۱۳۲۲ق) می‌نویسد:

> شب را اوّل غروب مراجعت کردم، شب‌ها و روزها را در «مدرس حضرت حجةالاسلام آقای آخوند» حاضر می‌شدم. صبح را در مدرسه هندی خارج فقه می‌فرمایند. صحن مسجد و بعضی از شبستان [ها] مملو می‌شود. تقریباً شش‌صد – هفت‌صد نفر حاضر می‌شوند. شب را در «مسجد طوسی» اصول می‌فرمایند. هزار نفر تقریباً جمعیت می‌شود. ...[1]

مرقد مرحوم آیةاللهالعظمی سیّد محسن حکیم‌قدس‌سره در غرفه‌ای در صحن مسجد هندی واقع است. ایشان از مراجع بزرگ امامیّه در دوران معاصر بوده‌اند و مهم‌ترین تألیف معظم‌له کتاب «مُستمسَک العروة الوثقی» است. ناگفته نماند که خاندان معظم حکیم در مسیر مبارزه با حزب بعث عراق شهدای بسیاری تقدیم اسلام کرده است؛ حتّی مدفن برخی از فرزندان شهید معظم‌له هیچ‌گاه مشخص نشد، از زمره ایشان می‌توان به حجج اسلام سیّد علاءالدین حکیم (شهادت ۱۴۰۳ق)، سیّد محمّد حسین حکیم (شهادت ۱۴۰۳ق)، سیّد عبدالصاحب حکیم (شهادت ۱۴۰۳ق)، سیّد عبدالهادی حکیم (شهادت ۱۴۰۵ق) اشاره کرد. حجةالاسلام والمسلمین سیّد مهدی حکیم نیز در سال ۱۴۰۸ق توسط عوامل حزب بعث عراق در سودان به شهادت رسید و قبر ایشان واقع در حرم مطهر حضرت معصومه‌علیها‌السلام است. دیگر فرزند معظم له آیةالله شهید سیّد محمّد باقر حکیم، رئیس وقت مجمع اعلای انقلاب اسلامی عراق بود که در انفجاری تروریستی پس از

۱. میرزا داود وزیر وظایف (۱۳۹۱ه.ش) سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف، (به کوشش) سیّد علی قاضی عسکر، تهران، نشر مشعر، صص ۲۲۳-۲۲۴.

ادای نماز جمعه در حرم امام علی‌ؑ به شهادت رسید. (به سال ۱۴۲۴ق) بر یکی از دیوارهای صحن حرم به‌صورت کاشی‌کاری، یادمانی از آن شهید را درست کرده‌اند. قبر معظم‌له و برادرش مرحوم حجةالاسلام‌والمسلمین سیّد عبدالعزیز حکیم (متوفی ۱۴۳۰ ق) واقع در مرکز فرهنگی شهید محراب در نجف اشرف است.

آیةالله‌العظمی حکیم‌ؒ در دوران سخت کودتاهای سیاسی در عراق، و رواجِ مکاتب مادی و غربی در دانشگاه‌های عراق و قدرت گرفتن حزبِ بعث عراق، سنگربان شایسته‌ای برای مذهب امامیّه بود. در آن زمان رژیم بعث عراق می‌کوشید تا مرجعیت را تحت کنترل خود در آورد و مرحوم آیةالله حکیم سخت در برابر این نقشه ایستادگی کرد. در فتنه کمونیست‌ها که حتی در نجف اشرف نیز فعالیت می‌کردند، فتوای مشهوری صادر کرد: «الشیوعیة کفر و الحاد أو ترویج للکفر و الالحاد» با همین فتوا و متعاقب آن تألیفات گران‌بهای شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدر، فتنه کمونیست‌های عراق ریشه‌کن شد.

مسجد و مرقد مطهر آیةالله العظمی سیّد عبدالعلی سبزواری‌ؒ در شارع الرسول، کوچه سبزواری واقع است. حقیر در زمان رحلت آن جناب در مشهد بودم و در مجلس ترحیم ایشان که در مدرسه علمیّه حضرت امام حسن مجتبی‌ؑ برگزار شد، شرکت کردم. زیارت قبور علمای اسلام باید که به فرصتی برای تأمل در اندیشه‌ها و افکارشان مبدل شود و هرکس بنا بر ظرفیت خود از آن توشه بردارد و زیارت را صرفاً به فاتحه‌خوانی تقلیل ندهد. معظم‌له صاحب تفسیری گران‌قدر موسوم به «مواهب الرحمان في تفسیر القرآن» است و روش تفسیری جالب‌توجهی دارد. آیةالله سیّد عبدالعلی سبزواری ؒ متوجه این واقعیت شده بود که هر یک از مفسران قرآن، بنا به علومی که بدان انس یافته‌اند، به تفسیر قرآن پرداخته‌اند؛ برخی فلسفی و کلامی، برخی دیگر صوفی مآبانه، برخی فقهی، برخی حدیثی و برخی ادبی. با توجه به این نکته، بیان می‌کند که قرآن که تبیان هر چیزی است، سزاوار و ارجح است که تبیان خود؛ و مفسر خود باشد و با عنایت به حدیثِ ثقلین و اخبارِ آل رسول‌الله‌ؐ، به شیوه تفسیری قرآن به قرآن توجه دارد. آیةالله سبزواری اساس تفسیر خود را اعتماد بر قرائن معتبر و اجتناب از تفسیر به رأی و تفاسیر نادره و مفروضات نادرستی می‌داند که با گذشت زمان دچار دگرگونی می‌شوند. معظم له

در تفسیرش متعرض نظم میان آیات نمی‌شود؛ زیرا معتقد است غرض اصلی از تمامی آیات قرآن معلوم و واضح است و آن عبارت است از: «تکمیل نفس یا هدایت انسان» لذا وجهی برای بحث درباره نظم میان آیات باقی نمی‌ماند. همچنین در غالب موارد وارد مبحث شأن نزول قرآن نمی‌شود؛ چراکه معتقد است آیات مبارک قرآن کلیاتی است که بر مصادیقشان در تمام اعصار دلالت دارند و وجهی ندارد که آیه‌ای را به زمان نزول و یا به فردی خاص بدون دیگر افراد اختصاص دهیم و مانند آن تمامی روایات وارده از ائمه هدی علیهم‌السلام است که در بیان برخی مصادیق بوده‌اند ولی درواقع آن روایات نه از باب تخصیص، بلکه از باب تطبیق کلی بر فرد هستند.[۱]

## خان الشیلان

به دلیل برخی از ناهماهنگی‌ها حرکت ما از نجف اشرف به کربلای معلّا با تأخیر زیاد صورت گرفت و فرصتی دیگر برای زیارت حرم نصیبمان شد. البته پیش از آن نیز کتاب «در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای قدس‌سره» را همراه با نامه‌ای تقدیم مسئول دفتر مرجع عالی‌قدر جهان تشیع، حضرت آیةاللهالعظمی سیّد علی سیستانی (دامت برکاته) کردم. جماعتی در مقابل بیت ایشان در خیابان شارع الرسول ایستاده بودند، برغم اصرار بسیار، متأسفانه توفیق درک محضر ایشان در آن روز حاصل نشد.

با افزایش چندباره زمان تأخیر، گشت‌وگذاری هم در شهر کردم. درودیوار نجف اشرف (و هم در کربلای معلّا) مملو از پوسترها و اطلاعیه‌هایی با مضامین رعایت اخلاق، عفاف و حجاب و سخنانی از علمای اسلام بود که نشان از نگرانی‌های فرهنگی مسئولان شهر داشت. (تصاویری از آن در بخش تصاویر کتاب ضمیمه شده است.) پوشاک مسلمین و کوشش استعمار غرب برای دگرگونی آن بسیار جای پژوهش دارد. اخلاق ظرف دین اسلام است و با شکستن ظرف، چیزی از آن باقی نمی‌ماند. مشاهده مظاهر تضعیف هویت دینی، و صدمات سهمگین آن بر کانون خانواده‌ها می‌تواند دستمایهٔ پژوهشی درباره حدیث نبوی مشهوری باشد که با رجحان تربیت خوب بر زیبایی ظاهری انسان، مؤمنان را از

---

۱. السید عبدالأعلی الموسوی السبزواری (۱۴۰۹ق) مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، بیروت (ط ۲) موسسة اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۶ – ۷

زیبارویانِ بد سیرت و بی تربیت[1]، برحذر می‌دارد که به تعبیر حضرت رسول الله‌ﷺ آنان «خَضْرَاءَ الدِّمَنِ» یعنی «سبزه زار مزبله» هستند. وجاهت حقیقی انسان در تربیت و سیرتِ پاک اوست و نه صورت ظاهرش؛ نگرانی‌های فرهنگی از این دست را در عراق به راحتی می‌توان مشاهده کرد؛ و دریافت که باید محدود مشکل و سطح تحلیل آن را وسیع‌تر از محله و شهر خود دید.

در مسیر عبور، تابلوی موزه‌ای با عنوان «متحف التراث النجفی و الثورة العشرین» در بنایی موسوم به «خان الشیلان» نظرم را جلب کرد. بلیت موزه را خریداری کردم و حدود چهل‌دقیقه‌ای هم به دیدار از موزه گذشت. بنای موزه خان الشیلان که امروزه بازسازی‌شده است، یکی از پایگاه‌های مهم جهاد علیه استعمار بریتانیا در انقلاب ۱۹۲۰م مردم عراق بوده است که مدّت‌ها به حالت مخروبه باقی‌مانده و بنای آن را در سالهای اخیر بازسازی کرده‌اند. خان الشیلان در نزدیکی سور نجف (خیابان خورنق) قرار دارد. موزه خان الشیلان در دوطبقه در مساحتی بالغبر ۱۵۰۰ مترمربع است. بنای اصلی آن در اواخر دوره عثمانی، توسط حاج معین التجار به‌منظور اسکان زوّار حرم مطهر بنا شد ولی آن بنا مدتی در اختیار ارتش اشغالگر بریتانیا قرار گرفت و زمانی نیز اولین مقرّ حکومت محلی نجف اشرف مبدل شد. تا آنکه درنتیجه جنگی خونین تخریب شد. شرح ماجرا را می‌توان در کتاب «لمحات اجتماعیة من تاریخ العراق الحدیث» تألیف دکتر علی الوردی مطالعه کرد.[2]

در آن موزه انواع و اقسام البسه محلی، زیورآلات، ظروف مختلف مردم عراق، خصوصاً متعلق به دوران پایانی حیات عثمانی را به نمایش گذاشته بودند. همچنین تفنگ‌ها، خنجرها و شمشیرهای قدیمی که برخی از آنها غنائم مجاهدین در نبرد با بریتانیا بودند، به نمایش گذاشته‌شده بود. تماشای موزه برای نجف پژوهی و مردم‌شناسان مفید خواهد بود و گویا مسئولان عراقی درصدد ثبت آن در میراث جهانی یونسکو هستند. به نظرم باید بخش استعمارستیزی امت اسلامی در موزه تقویت شود و غرفه‌ای نیز به شهدای الحشد

---

۱. «الْمَرْأَةُ الْحَسْنَاءُ فِي مَنْبِتِ السّوْءِ»

۲. کتاب مذکور توسط دکتر هادی انصاری با عنوان تاریخ عراق دیدگاه‌های اجتماعی از تاریخ عراق معاصر ترجمه و در انتشارات شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی منتشرشده است.

الشعبی عراق در نبرد با جبهه داعش (ایالات متحده آمریکا؛ آل سعود و اسرائیل) اختصاص یابد تا خان الشیلان جایگاه واقعی خود را در دنیای معاصر بیابد.

مسئول موزه که خود سال‌ها در ایران زندگی کرده بود، توضیحات خوبی درباره اشیای موزه ارائه کرد. متأسفانه در زمان بازدید طبقه فوقانی موزه بسته بود. گویا شامل اسناد و مدارکِ انقلاب مردمی عراق است که قاعدتاً بخش مهمی از آن به علماء امامیّه که دارای رساله‌ها و فتاوی جهادیه علیه استعمارِ بریتانیا اختصاص دارد[1]؛ همچنین در موزه اشیاء و تصاویری از انقلابیون و شهداء قیام مردم نجف همچون یازده شهیدی مانند: حاج نجم البقال و حاج کاظم صبی.که در ۱۹۱۸م به دست سربازان بریتانیایی به شهادت رسیدند و نیز مدارکی از اسیران بریتانیایی (۱۶۷ نفر) موجود است. در حقیقت، دوران جدید عراق با جنبش جهادی میرزا محمّد تقی شیرازیﷺ آغاز می‌شود؛ هرچند به دست عوامل داخلی و خارجی استعمار به انحراف کشیده شد.

---

۱. در اینباره ببینید: کامل سلمان جبوری (۱۴۲۲ق) النجف الاشرف و حرکة الجهاد، عام ۱۳۳۲ – ۱۳۳۳هـ/۱۹۱۴ م، مؤسسة العارف.

# در کربلای معلّا

سخن درباره شهر کربلا از حماسه حسینی شروع می‌شود و این امر طبیعتاً اتفاق می‌افتد؛ چراکه به‌محض ورود زائر به شهر کربلا حالت غریبی از حُزن و اندوه بر دل‌وجانش می‌نشیند و این غم از جنس دیگری است که باید تجربه‌اش کرد و از آن جدا نشد؛ به تعبیر استاد شهریار تبریزی رحمه‌الله:

از غم جدا مشو که غنا می‌دهد به دل
امّا چه غم؟ غمی که خدا می‌دهد به دل [...]
ای اشک شوق آینه‌ام پاک کن ولی
زنگ غمم مبر که صفا می‌دهد به دل
غم صیقل خداست خدایا ز ما مگیر
این جوهر جلی که جلا می‌دهد به دل

خوب است آغاز کلام درباره کربلا مزیّن به سخنی از آثار مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای قدس‌سره شود که بخش عمده‌ای از تألیفات معظم له قدس‌سره[1] به قیام حسینی اختصاص داشت. یکی از ویژگی‌های آثار معظم له کوششی است که جهت تجسم وقایع تاریخ اسلام بر اساس تعقل و چینش روایات صحیح و نقل‌قول‌های متین انجام می‌دهد. برای مثال، یکی از نامه‌های حضرت امام حسین علیه‌السلام تنها یک سطر (امّا یک دنیا مطلب)

---

۱. مطالعه و بازنشر برخی از تألیفات معظم له مشغله این کمترین در سال‌های اخیر بوده است که تاکنون عبارت‌اند از: **الف)** «در احوال و اندیشه‌های آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای قدس‌سره» **ب)** «نشست علمی صلح، کلید امنیّت جهان در پرتو پیام حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نگاهی به اندیشه‌های آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای قدس‌سره» **ج)** «نامه‌ای از امام علی علیه‌السلام» **د)** فصل اوّل از کتاب «نورستان: به‌ضمیمه رساله ثقاة الرواة تألیف آیةالله سیّد هبةالدین حسینی شهرستانی قدس‌سره» **هـ)** «کلید امن جهان در پرتو پیام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله»

است که به روایت کامل الزیارات، از کربلا برای محمّد بن علی نگاشته است و متن نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم مِنْ حُسین بن علیّ إلی محمّد بن عَلیّ وَ مَنْ قِبَلَهُ مِنْ بَنِی هاشِم: أمّا بَعْد، **«فکأنَّ الدُّنیا لَمْ تَکُن و کأنَّ الآخِرَةَ لَمْ تَزَل، وَالسَّلام.»** به نام خداوند رحمان و رحیم از حسین بن علی به‌سوی محمّد بن علی و سایر بنی‌هاشم که در نزد اویند. امّا بعد: **«گویی دنیا هرگز نبوده و گویی آخرت همیشه بوده، والسلام.»**

آیةالله کمره‌ای﷽ در تحلیل نامه مذکور، به نکات متعددی اشاره دارد که اهتمامش را به بازسازی عینی و منطقی وقایع عاشورا نشان می‌دهد که می‌توان به‌طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محتوا می‌رساند که در زمان نگارش حضرت امام حسین ؈ خود را در عتبه و آستانه ابدیت می‌دیده است.
۲. مضمون نامه حاکی از آن است که پس از تصمیم نوشته‌شده باشد.
۳. نامه برای انتشار پس از شهادت آن حضرت؈ نوشته است.
۴. چون روز عاشورا فرصت نبوده قطعاً نامه شب‌هنگام نوشته‌شده است.
۵. به دلیل موقع تنگ و نبودن فرصت برای امام؈، امکان نگارش بیش از یک سطر نبوده است.
۶. در آن شرایط اگر دلسوزیِ نامه‌نگار بیش‌ازحد طاقت بشر نبود، هیچ کلمه‌ای نمی‌نوشت، اما امام هدایت آن را نوشت.
۷. علّامه کمره‌ای سپس به حکمت باقی ماندن آن نامه و نظایر دیگرش آن‌هم پس از جنایت‌های سپاه اموی اشاره دارد: امام؈ نامه‌های موردنظرشان را ازجمله نامه فوق‌الذکر را به «فاطمه» دختر والا تبارش سپرد و به همین دلیل نامه‌ها محفوظ ماند؛ زیرا زوج آن بانو حضرت حسن مثنی (فرزند دوم امام حسن مجتبی؈) است که برخی از خویشاوندان مادری او در سپاه دشمن بودند و چون حضرت حسن مثنی در دفاع از حریم حسینی سخت مجروح شد، بستگانش

او را برداشته و در کوفه مداوا کردند و به مدینه فرستادند؛ بدین‌سان امام می‌دانستند که از همین طریق نامه‌هایشان به مدینه می‌رسند.

این‌چنین معظم‌له‌ﷺ قطعه‌قطعه تصاویر واقعه را به هم متصل می‌کند تا خواننده درعین‌حالی که از کلام امام حسین‌ؑ بهره‌مند می‌شود، بتواند تصویری از آن لحظه تاریخی را در خاطرش مجسم کند.[1]

## کربلاء و کینه تاریخی وهابیان تکفیری

مشاهده ایست و بازرسی‌های سراسر شهرهای مهم عراق نشان از وجود ناامنی و خطر تروریسم وهابیت داشت؛ و این در حالی بود که به گفته همراهان و مدیر کاروانمان، امنیّت سفر عتبات به نسبت دو – سه سال قبلتر، به‌مراتب بیشتر شده است. چه در نجف اشرف و چه در کربلای معلا – از مهمان‌پذیر تا حرم مطهر – باید حداقل از سه ایست و بازرسی عبور می‌کردیم؛ و این امر فرصتی است تا زائران حسینی از کشورهای مختلف به طرز بی‌واسطه‌ای با چهره واقعی وهابیان آشنا شوند. البته حائر حسینی در طول تاریخ، هدف آماج دشمنی‌ها و حملات جنایتکاران بوده است؛ چنانکه یک‌بار در اوایل حکومت منصور عباسی ویران شد و سپس در سال ۱۹۲ق در عهد رشید عباسی؛ و آنگاه در سال‌های ۲۳۳ق، ۲۳۶ق، ۲۳۷ق و ۲۴۷ در عهد حکومت متوکل عباسی تخریب شد و زمانی توسط دسته‌ای راهزن جانی به سرکردگی ضبة بن محمّد اسدی (سال ۳۶۹ق) و گاهی به دست القادر بالله عباسی (در ۴۰۷ق) و زمانی دیگر به دست المسترشد بالله عباسی (در سال ۵۲۶ق) و باز به دست مشعشعین (در سال ۸۵۸ق) و زمانی هم به دست وهابیان آل سعود (در ۱۸ ذی‌الحجه ۱۲۱۶ق) جنایت تخریب و غارت حرم حسینی تکرار شد.[2]

---

۱. خلیل کمره‌ای (۱۳۶۹) یک‌شب و روز عاشورا، قم، دار العرفان، ص ۶۳–۶۵

۲. شرح مفصلی از حملات ظالمان و جائران طاغوت به کربلای مُعلّا در این منبع موجود است: سعید رشید زمیزم (۱۴۳۳ق) الهجمات التی تعرضت لها کربلاء عبر التاریخ، بیروت (ط ۱) مؤسسة الفکر الاسلامی للطباعة والنشر والتوزیع. البته باید توجه داشت که در کنار این تخریب‌ها همواره تعمیرات و اصلاحات نیز انجام‌شده است؛ برای مثال می‌توان از اقدامات شاه اسماعیل صفوی (سال ۹۱۴ق)، سلطان سلیمان قانونی (سال ۹۴۱ق)، شاه طهماسب، و شاه عباس کبیر، نادرشاه افشار، آغا محمدخان قاجار، فتحعلی شاه و ناصرالدین‌شاه اشاره کرد.

رساله‌های بسیاری در باب عقاید وهابیان و شرح جنایات آل سعود و سربازان وهابی در کربلا و حمله آنان به نجف اشرف نگاشته شده است؛ و در تمامی آن‌ها عقیده وهابیان آل سعود، مبنی بر مباح دانستن خون مسلمانان و اقدامِ آنان جهت تخریب و غارت قبور ائمه معصومین‌علیهم‌السلام و بزرگان اسلام محکوم‌شده است. از زمرهٔ تألیفات عالمان و دانشمندان امامیّه در رد جنایات وهابیان سعودی عبارت‌اند از:

- رساله «تحفة العالم» تألیف میر عبداللطیف شوشتری‌رحمه‌الله که در سال حمله وهابیان به کربلا نگاشته شده است و ذیلی بنام «ذیل التحفة» در بیان عقاید وهابیان به آن افزوده است.[1]
- نامه آیة‌الله میرزا ابوالقاسم قمی‌رحمه‌الله معروف به میرزای قمی (متوفی ۱۲۳۱ق) که شرحی از حملات وهابیان به کربلا را بیان کرده است.[2]
- «رساله کفر الوهابیة» تألیف آیة‌الله شیخ محمّد علی قمی کربلایی‌رحمه‌الله (طبع مطبعه حیدریه نجف اشرف)[3]
- مآثر سلطانیه تألیف میرزا عبدالرزاق دُنبلُی‌رحمه‌الله (متوفی ۱۲۴۲ق) که در ذیل وقایع سال ۱۲۱۶ق به‌تفصیل درباره وهابیان و حمله ددمنشانه آنان به شهر کربلاء نگاشته است.
- کتاب «المشاهد المشرفة و الوهابیون» تألیف شیخ محمّد علی حائری‌رحمه‌الله متوفی ۱۳۸۱ق (مطبعه العلویه نجف اشرف ۱۳۴۵ق)
- کتاب «مفتاح الکرامة» تألیف مرحوم سیّد جواد عاملی‌رحمه‌الله که آن را در زمان حملات وهابیان نگاشته، و در انتهای آن کتاب اطلاعات دست اولی را از آن وقایع ارائه کرده است.

---

۱. ببینید: میر عبداللطیف خان شوشتری (۱۳۶۳ه.ش) تحفة العالم و ذیل التحفة، سفرنامه و خاطرات (به اهتمام) صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری. استاد فقیهی نیز بخشی از آن را نقل کرده است؛ ببینید: علی‌اصغر فقیهی (۱۳۶۶ه.ش) وهابیان، تهران (چاپ سوم) انتشارات صبا، ص ۲۱۲ – ۲۱۴.

۲. علی‌اصغر فقیهی (۱۳۶۶ه.ش) وهابیان، ص ۲۱۵ – ۲۱۶.

۳. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

- سفرنامه میرزا ابوطالب (متوفی ۱۳۲۱ق) معروف به مسیر طالبی نیز به وهابیان و حملات ایشان به کربلا و شهرهای عراق اشاره دارد. او در آن سفرنامه می‌نویسد: «در کربلا با کربلایی بیگم خاله خود ملاقات افتاد. او را بسیار پیر و شکسته و از قضیه وهابی فقیر و غارت‌زده یافتم... »[۱]
- کتاب زنبیل تألیف فرهاد میرزا قاجار[۲] که در بخش خیر ختام من زنبیل از کتاب زنبیل شرح مفصلی از حملات و جنایات وهابیان سعودی در عتبات عالیات را ارائه داده است.[۳] او می‌نویسد:

... در روز عید غدیر سنه ۱۲۱۶ق علی الغفله وارد کربلای معلّا شدن و از کشش و کوشش و نَهب و غارت و قتل و اُسر آنچه توانست کرد و اکثری از علمای دین مبین شهید شدند و از آن جمله جناب ملّا عبدالصمد همدانی فیض شهادت را دریافت و از چوب صندوق مطهر جناب خامس آل عبا سلام‌الله‌علیه، سعود نامسعود در همان روان گردون طاق قهوه پخته، خود و مقربانش آشامیدند در مدّت شش هفت ساعت قریب به شش هزار نفر به غرفات جَنان خرامیدند و فیض شهادت را دریافتند. ... [۴]

- «الرد علي فتاوي الوهابيين» تأليف آیةالله سیّد حسن صدر
- کتاب «تاریخ النجف المعروف به الیتیمة الغَرَویة و التحفة النجفیة فی الارض المبارة الزکیّة» تألیف سیّد حسین براقی نجفی (متوفی ۱۳۳۲ق) که از منابع مهم در این زمینه است.

---

۱. میرزا ابوطالب خان (۱۳۶۳ه.ش) مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان (به کوشش) حسین خدیو جم، تهران (چاپ دوّم) سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، صص ۴۰۷ و ۴۰۲.

۲. فرهاد میرزا قاجار (متوفی ۱۳۰۵ق) فرزند عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه قاجار است. در تعمیر صحن و بقعه کاظمین و مطلا کردن مناره‌های آن بقعه شریفه نقش مهمی ایفا کرد. از آثار اوست: سفرنامه حج موسوم به «سفرنامه فرهاد میرزا» و کتاب «زنبیل». در تهران از دنیا رفت و پیکرش به حرم کاظمین منتقل شد. ببینید: سیّد محمود خیری (بی‌تا) اسلام در چهارده قرن، مؤسسه انتشارات آسیا، ص ۲۱۱.

۳. فرهاد میرزا (۱۳۹۳ه.ش) زنبیل (به اهتمام) شمس فراهانی، تهران (چاپ اوّل) انتشارات فراهانی، ص ۲۹۸ الی ۳۰۱.

۴. همان، ص ۲۹۹.

- کتاب «لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف» تألیف آقا سیّد عبدالله صادقی[۱] رحمه‌الله آقا سیّد عبدالله در آن کتاب می‌نویسد:

در ایام سلطنت این خبیث (سعود بن عبدالعزیز) در سنه هزار و دویست و شانزده فتح کربلای معلّا کردند و تمام مردان آن شهر شریف را از علماء و سادات و اکابر و اخیار کشتند؛ بلکه اطفال صغار را به قتل رسانیدند. قبه منوره را خراب کردند و صندوق مطهر را شکستند و در همان مکان شریف قهوه طبخ کردند و تمام اموال و مواشی مردم را بردند و زینت‌های حرم محترم را تماماً بردند و لکن چون خوف از آمدن عساکر و توپ داشتند زیست نکردند و بلده شریفه را تخلیه کردند و فرار نمودند و در سنه هزار و دویست و بیست طایف را فتح نمودند و در آنجا نیز قتل و عام کردند و آنچه ممکن بود از بی‌احترامی به مسجد و حرم خاتم‌النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله کردند. ... در همین سال یعنی سنه هزار و دویست و بیست‌ویک نجف اشرف را محاصره دادند.[۲] سیّد عظیم‌الشأن سیّد جواد عاملی در مفتاح الکرامه در آخر جلد ضمان می‌گوید در شب نهم صفر سنه هزار و دویست و بیست‌ویک قبل از صبح جماعت وهابیه هجوم بر اطراف سور نجف اشرف آوردند حتی آنکه بعضی از آن‌ها از سور بالا آمدند و نزدیک شد که فتح بلد کنند که ناگهان معجزاتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام ظاهر شد که آن‌ها را دفع کردند. جناب فاضل معاصر در یتیمه نقل کند که چون آن جماعت محاصره کردند بلده شریفه را اهل بلد مشغول به انداختن تفنگ شدند و آن‌ها نیز چند تفنگ زدند و پنج نفر از اهل نجف کشته شدند. چون مردم قصه قتل و نهب کربلای معلای را داشتند و لذا نهایت خوف را داشتند و منتهای همت را کردند؛ حتی زن‌ها و عجائز بیرون آمدند و اطراف آن قبه منوره نهایت تضرع و استغاثه را کردند ناگهان یکی از آن‌ها دید شخصی سبزپوش عمامه سبزی بر سر داشت از حرم محترم بیرون آمد و در میان آن قوم رفت که ناگهان فریاد و غوغا میانه آن‌ها پیدا شد و فریاد آن‌ها بلند شد می‌گفتند پدر آن‌ها علی آمد. چون هوا روشن شد دیدند احدی از آن قوم در آن صحرا نیست به‌جز قتلای عدیده که بعضی از آن‌ها از فرق تا دبر دو نیم شده‌اند و بعضی از کمر نصف شده‌اند. ...

---

۱. عبدالله صادقی (بی‌تا) لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، چاپخانه مهربان.

۲. همان، ص ۷۶.

ولکن چون کثرت عدد و شدّت جسارت وهابیه در قلوب راسخ بود اهل نجف و کربلا و غیرها از خوف بازگشت وهابیه خواب شب نداشت و این جماعت کفره نهایت استیلا بر تمام جزیرةالعرب را داشتند.

- «تاریخ و عقاید وهابیان» استاد علی‌اصغر فقیهی رحمه‌الله که از منابع تحقیقی معتبر در این زمینه است.
- «بستان السیاحه» تألیف حاج زین‌العابدین شیروانی رحمه‌الله (متوفی ۱۲۵۳ق) جالب‌توجه آنکه او شخصاً در نجد امیر سعود بن عبدالعزیز را ملاقات کرده و شرح گفتگویش با او را بیان کرده است.
- «ردّ علي الوهابية» از مرحوم علّامه محمّد علی اردوبادی (چاپ مطبعه العلویه نجف اشرف)
- کتاب «شهداء الفضيلة» تألیف علّامه عبدالحسین امینی رحمه‌الله؛ برای مثال، در ذیل مدخل «مولی عبدالصمد همدانی» که در ۱۸ ذی‌حجه سال ۱۲۱۶ق، در جریان حمله وهابیان به کربلا به شهادت رسید، بخش مفصلی را با عنوان «وهابیت» ضمیمه شرح‌حال او کرده است که آگاهی جالب‌توجهی از تاریخ سیاسی معاصر جهان اسلام به دست می‌دهد.[۱]
- «التذکرة العظيمية» تألیف شیخ محمّد ابراهیم کلباسی رحمه‌الله (مطبعه برادران باقر زاده: ۱۳۰۶ه.ش)
- «مجملي از عقاید طایفه وهابي و اقدامات عجیبِ آنان از سال ۱۲۱۶ تا چند سال بعد و اضمحلال ایشان» تألیف محمّد حسین شمس العلماء گرکانی رحمه‌الله (مطبعه قناعت ۱۳۰۴ شمسی)
- «کشف النقاب عن عقائد محمّد بن عبدالوهاب» تألیف علی‌نقی نقوی نصرآبادی رحمه‌الله
- «منهج الرشاد لمن اراد السداد» تألیف شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمه‌الله؛ و ...

۱. عبدالحسین امینی (۱۳۵۵ق) شهداء الفضیلة. مطبعة الغری بالنجف الأشرف، ص ۲۷۸-۳۰۷.

## نکاتی درباره شهر کربلاء

۱. در حرم حسینی‌ؑ برخی از آثار گلوگله باران ارتش صدام به حرم حسینی در سال ۱۹۹۱م (انتفاضه شعبانیه) بر دیوار نصب‌شده است که کاری ارزشمند در یادآوری کفر و طغیان حکومت بعثی عراق به رهبری صدام است.

۲. در اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی، گاهی زوّار پاکستانی و هندی را که برای زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا ؑ به مشهد مشرف شده بودند، می‌دیدم. از سادگی توشه سفر آن‌ها می‌شد فهمید که فقط برای زیارت آمده‌اند و نه سیاحت و گشت‌وگذار. به یاد دارم که برخی از اتوبوس‌های آن‌ها به طرز زیبایی با انواع خطوط و مینیاتور تزئین شده بود؛ و ماهرانه بر سقف اتوبوس‌هایشان، چمدان‌ها را چنان چیده بودند که مسافرانی در سقف اتوبوس هم بتوانند بنشینند. (اینک پلیس از چنین اقدامی جلوگیری می‌کند) در کربلا همین حال را در میان بسیاری از زوّار پاکستانی دیدم. خیلی راحت و بی‌تکلّف، در گوشه‌ای اسباب مختصر خود را گذاشته بودند و برخی از ایشان شب را در کنار خیابان استراحت می‌کردند و از حمام و سرویس بهداشتی عمومی استفاده می‌کردند. واقعاً هیچ هدفی از سفر جز زیارت عتبات مقدسه در سر نداشتند. آن‌ها در چه عوالمی سیر می‌کردند و ما در کجا؛ یکی از ایشان گونی سیب محصول باغ خود را برای توزیع میان زوّار آورده بود. باغش پربرکت باد! ناگفته نماند که عشق و علاقه مسلمانان هند و پاکستان موجب شد تا در دو سده اخیر بناهای رفیعی بنام «کربلاء» در هند احداث شود که در آن‌ها عزای حسینی برپا می‌شود. آرزوی بسیاری از مسلمانان هند - از فقیر و غنی ایشان - تهیه قبری برای خود در کربلاهای هند بوده است. این امر بیانگر تأثیرات معنوی و سیاسی - اجتماعی و معماری کربلا بر شیعیان هند است. در این خصوص مقاله جالب‌توجهی در فصلنامه تراث کربلاء توسط عتبه مقدسه عباسیّه منتشرشده است.[1]

۳. در زمان اقامت در کربلای معلّا مرقد آیةالله سیّد محمّد مجاهد طباطبایی معروف به سیّد محمّد مجاهد (متوفی ۱۲۴۲ق / ۱۸۲۷م) صاحب فتاوی جهادیه در برابر روسیه

۱. ببینید: أسعد حمید أبو شنة العرادی (۲۰۱۶م) کربلاء فی الهند فی القرنین الثامن عشر و التاسع عشر – المعالم والهویة، کربلاء، الامانة العامة للعتبة العباسیة المقدسة، فصلیة – السنة الثالث، العدد الاول، ص ۱۴۷ الی ۱۷۱.

تزاری در عصر فتحعلی شاه قاجار زیارت شد. معظم‌له فرزند آیةالله سیّد علی (صاحب ریاض المسائل فی بیان أحکام الشرع بالدلائل) است[1] مادر معظم‌له، آمنه دخت محمّد باقر وحید بهبهانی از فقهای نامدار زنان عصر خود بوده است.

سیّد محمّد مجاهد شخصاً در اردوی عباس میرزا نائب السلطنه حضور یافت و در بازگشت از جهاد در شهر قزوین درگذشت. پیکرش مطابق وصیّت او به کربلاء منتقل و در مقبره خانوادگی در جنب مدرسه المجاهد[2] دفن شد. این مقبره بعدها تجدید بناشده است. در حوزه وهابیت پژوهی نام سیّد مجاهد در مکاتباتی که با دولت عثمانی درباره حمایت از عتبات عالیات از حمله اشرار وهابی - سعودی به عمل آورد، مطرح است.

**۴.** معماری بنای حرم حضرت امام حسین‌علیه‌السلام و حرم حضرت عبّاس‌علیه‌السلام بی‌تردید شاهکاری مسلم است؛ امّا معماری اطراف حائر حسینی برایم نامأنوس و عجیب می‌نمود. انتظار مساجد و مدارس بزرگی را در پیرامون چنین جایگاه رفیع و مهمی داشتم. پس از بررسی مشخص شد که متأسفانه در مقاطعی از تاریخ معاصر عراق، بخش مهمی از بافت سنّتی گرداگرد حرم حسینی که میراث فرهنگی بی‌نظیری را در خود جای‌داده بود، به دلیل ساخت خیابان و سایر طرح‌های شهرسازی ازمیان‌رفته است؛ چنانکه از سمت غرب حائر حسینی مدرسه بزرگ زینبیه که درب آن از داخل حائر مقدس بود، و مسجد بزرگ ناصری و مدرسه صدراعظم نوری که از مدارس بزرگ علمیه کربلا به شمار می‌رفت؛ و از شمال حائر، مسجد تاریخی رأس الحسین و مقام رأس الحسین در وسط مسجد، مسجد سردار حسن خان قزوینی (در سال ۱۱۸۰ق) که بنایی فاخر داشت[3] و مدرسه سردار حسن خان[4]

---

۱. در کربلاء از جامع العطارین از مساجد مشهور شهر کربلاء - از موقوفات مرحوم آیةالله سیّدعلی طباطبایی (صاحب ریاض‌المسائل) دیدن شد. بنا: ۱۲۱۰ق و بازسازی آن در ۱۳۸۲ق و ۱۴۳۲ق.

۲. مدرسه مذکور در جریان طرح توسعه خیابان در سال ۱۹۸۰م تخریب شد.

۳. از مدرسه مذکور که دارای هفتاد حجره و اوقاف بسیاری بود، مذکور بزرگانی چون جمال‌الدین اسدآبادی (معروف به افغانی) و شریف العلماء مازندرانی برخاسته‌اند. قسمت اعظم مدرسه سردار خان یک‌بار در ۱۶ محرم‌الحرام ۱۳۶ق (۱۸ / ۱۱ / ۱۹۴۸م) تخریب شد و تنها بخش کوچکی از آن باقی ماند تا آنکه در مارس سال ۱۹۹۱ میلادی توسط رژیم جنایتکار بعث صدام به‌کلی تخریب شد.

۴. سیف الدوله سلطان محمّد مینویسد: حسین خان سردار، حاکم ایروان، در عهد خاقان مرحوم مدرسه خوبی در سمت شرقی صحن مطهر ساخته است که درِ مدرسه از گوشه صحن باز میشود و هم طرف

همگی به‌کلی تخریب شدند.[۱] و در جریان همین اقدامات، مقابری از پادشاهان آل بویه[۲] و ابنیّه دیگری از مجموعه بناهای متصل به حرم از میان رفتند. فاجعه تخریب مناره العبد حرم حسینی در سال ۱۳۵۴ق برابر با ۱۹۳۶م با قطر ۲۰ متر و ارتفاع ۴۰ متری که با کاشی‌کاری خیره‌کننده خود یکی از زیباترین مناره‌های جهان به شمار می‌رفت و مزیّن به انواع هنرهای اسلامی بود، صدمه فرهنگی بزرگی برای کل جهان اسلام بود. لذاست که مهندس منوچهر سالور در سفرنامه حج خود (به سال ۱۳۳۵ش برابر با ۱۳۷۵ق)، چنین بناهایی را ندیده و تنها مینویسد: «دور تا دور حرم شریف خیابان است. ...»[۳] در سفرنامه های حاجیان نام هنرمندان پرآوازه ای چون حاجی حسین خان صدر اصفهانی (نقره کاری و طلاکاری حرم) و آقا سیّد ابراهیم قزوینی (آئینه کاری)[۴] و ... دیده میشود که حاصل هنر آنان نباید به راحتی از میان برد.

۵. عتبۀ مقدسه حسینی[۵] و عتبۀ مقدسه عباسی[۶] هر دو دارای مؤسسات فرهنگی بزرگی هستند و کتاب‌های بسیاری منتشر کرده‌اند. از زمرۀ این مؤسسات می‌توان به «مرکز کربلاء للدراسات والبحوث[۷]» (زیرمجموعه عتبه حسینی) اشاره کرد که با یونسکو همکاری می‌کند و آثار بسیاری را به‌صورت مشترک منتشر کرده‌اند که از آن زمره راهنمای کربلاء مرحوم عماد زاده اصفهانی را با عنوان «دلیل کربلاء» به عربی ترجمه و

---

← غربی صحن، نزدیک در زینبیه، مسجدی ساخته است. سیف الدوله سلطان محمّد (۱۳۶۴ش) سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه، (تصحیح و تحشیه) علی اکبر خداپرست، تهران، نشر نی، ص ۲۳۲.

۱. عبدالجواد کلیدار (۱۳۸۶ق) تاریخ کربلاء و حائر الحسین علیه‌السلام، منشورات المطبعة الحیدریة بالنجف الاشرف، ص ۲۴۰-۲۵۰.

۲. قبور پادشاهان قاجاری مانند مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه و احمد شاه و محمدحسن میرزا (ولیعهد احمدشاه) و میرزا محمدتقی خان امیرکبیر نیز در رواق حسینی است.

۳. منوچهر سالور (۱۳۳۹ش) ارمغان حجاز، تهران، ابن سینا، ص ۱۳۴

۴. سیف الدوله سلطان محمّد (۱۳۶۴ش) سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه، (تصحیح و تحشیه) علی اکبر خداپرست، تهران، نشر نی، ص ۲۳۲.

5. www.imamhussain.org

6. www.alkafeel.net/

7. www.c-karbala.com

منتشر کرده‌اند. مجلۀ علمی «السبط» نیز توسط همان مرکز با همکاری دانشگاه کربلاء[1] و سازمان یونسکو منتشر میشود.

مرکز اسلامی مطالعات راهبردی[2] وابسته به عتبۀ مقدسه عباسی نیز از مراکز فعال فرهنگی است که در عراق و لبنان فعالیت چشمگیری دارد و علاوه بر کتاب‌های علمی، مجلات و فصلنامه‌هایی چون دراسات استشراقیة؛ الاستغراب و العقیدة را منتشر می‌کند.

۶. اوج معماری و ترکیب منسجم انواع هنری در حرم‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام چه در نجف اشرف، چه در کاظمین و چه در کربلا بسیار چشم‌نواز و حیرت‌آور است. علاوه بر تأثیرات عظیم معنوی حرم‌های اهل‌بیت، کافی است کودکان و خردسالان در آن فضا قرار گیرند تا فقط تماشا کنند. معماری مذکور با ده‌ها میلیون محاسبه هندسی، عوالم ایرانی - اسلامی ما را می‌سازند و با دیدن همین شاهکارهای اسلامی خطاطی، گچ کاری، کاشی‌کاری و ... است که می‌توان کودکان را با افق ایرانی - اسلامی آشنا کرد. وقتی از ایوان موزه حرم حسینی (طبقه دوم) به سمت مرقد مطهر و اطراف نگاه می‌کنیم، شکوه وصف‌ناشدنی از هنری دیده میشود که با عشق به مکتب حسینی به اوج خود رسیده است. آن صحنه‌ها و تجربه‌ها را فقط باید دید و حلاوت آن را چشید که به قلم نمی‌آیند.

۷. در بین‌الحرمین صندوق‌هایی جهت جمع‌آوری کمک‌های مردمی جهت کمک به ایتام و خانواده‌های شهدای مدافعان حرم (شهدای فتوای مقدس مرجعیت) نصب‌شده بود. داعش با حمایت ایالات‌متحده آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای عربی به رهبری آل سعود، در کمتر از ۷۲ ساعت توانست شهر بزرگ موصل و استان‌های رمادی و صلاح الدین را تصرف کند و به خطری جدی برای کلّ عراق مبدل شود؛ امّا تمام معادلات و آرزوهای اسرائیل و سعودی با فتوای دفاع آیةالله العظمی سیستانی نقش بر آب شد. شیخ عبدالمهدی کربلایی نماینده مرجعیت در خطبه نماز جمعه مورخ ۲۰۱۴/۶/۱۳م فتوای آیةاللهالعظمی سیستانی را اعلام کرد و به‌سرعت ارتشی عظیم از مدافعان حرم که «الحشد الشعبی» نامیده شدند، شکل گرفت.

---

1. https://uokerbala.edu.iq/
2. http://iicss.iq

عتبه عباسی دارای وبگاهی با عنوان «مهرجان فتوی الدفاع المقدسة الثقافی الثالث[1]» است که بیانگر زوایایی از حیات و اندیشه‌های شهدای فتوای دفاع مقدس است. درباره الحشد الشعبی خصوص مقالات متعددی نیز در مجلات علمی دانشگاه‌های عراق نوشته‌شده است.[2]

۸. کتابخانه مرحوم آیةالله حاج شیخ عبدالحسین طهرانی‌ﷺ معروف به شیخ العراقین (متوفی ۱۲۸۵ق) از کتابخانه‌های نفیس کربلاء بوده است که متأسفانه از میان رفته و این باید درس عبرتی برای ما باشد. آیةالله رضا استادی برخی اشارات علمای اسلام درباره کتابخانه مرحوم شیخ العراقین را در مقاله‌ای آورده است؛ برای مثال، به نقل از علّامه طهرانی می‌نویسد:

> [علّامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی‌ﷺ در اعلام الشیعه] در کربلا کتابخانه عظیمی داشت که در آن بسیاری از مخطوطات نفیس و توادر کتب بود. بسیاری از نسخه‌های آن به خط مؤلفان و منحصر به فرد بود و ما در کتاب ذریعه بسیاری از آن‌ها را یاد کرده ایم و عظمت این کتابخانه به حدّی بود که جرجی زیدان در کتاب تاریه آداب اللغة العربیة و نیز مؤلف خزائن الکتب العربیة فی الخافقین[3] و غیر این دو از مورخان از این کتابخانه یاد کرده‌اند؛ امّا پس از زمانی کتاب‌ها متفرق و پراکنده شد و اکنون برخی از نسخه‌ها در برخی از بیوت کربلا و نجف موجود است.
>
> ... [علّامه سیّد محسن امین‌ﷺ صاحب اعیان الشیعه می‌نویسد:] او بسیار کتاب جمع می‌کرد؛ به ویژه نسخه‌های خطی را و از این رو کتابخانه نفیس و گرانقدری داشت. چند جلد از کتاب ریاض العلماء در کتابخانه ایشان بوده. در سال ۱۳۵۲ق که به زیارت عتبات عالیات مشرف شدم، از این کتابخانه سراغ گرفتم، گفتند تلف شده است و

1. http://holyfatwa.com

۲. مقالات مجلات علمی دانشگاه‌های کشور عراق را می‌توان در وبگاه زیر جستجو؛ و به‌صورت تمام متن (در قالب PDF ) دریافت کرد. البته توجه شود که در جستجوی وب‌گاه‌های عربی لازم است زبان سیستم‌عامل ویندوز، عربی باشد: www.iasj.net

۳. کتاب مذکور تألیف فیلیپ دی طرازی (متوفی ۱۹۵۶م) است.

مجلدات ریاض العلماء از بین رفته است. ... آثار نفیسه ما شیعیان این چنین قربانی اهمال و عدم محافظت می‌گردد.[۱]

یکی از کتاب‌های منحصربه‌فرد آن کتابخانه، نسخه‌ای از ترجمه یکی از کتاب‌های یونانی توسط خواجه نصیرالدین طوسی بود که آن را موزه بریتانیا به لطایف‌الحیل به چنگ آورد و امروزه در گنجینه کتابخانه خود قرار داده است. احتمالاً در این خصوص بتوان از کتاب «کتاب‌شناسی جامع خواجه‌نصیرالدین طوسی» تألیف دکتر سیّد حجت‌الحق حسینی که مرجعی است بسیار ارزنده درباره خواجه نصیر طوسی اطلاعات بیشتر کسب کرد.[۲] ناگفته نماند که شیخ العراقین نقش مهمی در عمران عتبات عالیات در دوره ناصری ایفا کرد.

۹. اولین بار با نام آقایان شیرازی در کتابی تبلیغاتی درباره مرجعیت مرحوم حجةالاسلام سیّد محمّد شیرازی در اوایل دهه ۱۳۷۰ش آشنا شدم. در پایان آن کتاب مجموعه‌ای از تصاویر علمای معاصر گذاشته‌شده بود که یکی از آن‌ها مرحوم آیةالله سیّد کاظم اخوان مرعشی رحمه‌الله[۳] بود. حقیر آن زمان مقیم مشهد مقدس بودم و معمولاً پنجشنبه‌ها پیش از ظهر خدمت مرحوم آیةالله سیّد کاظم اخوان مرعشی در دفترشان حوالی خیابان خسروی می‌رسیدم. یک‌بار یکی از روحانیان حاضر با اشاره به آن کتاب، معظم له را از این موضوع آگاه کرد. آیةالله اخوان مرعشی تبسمی کردند و فرمودند: من و برادرم[۴] در نجف اشرف خدمت استادی می‌رسیدیم و ایشان را شیخ مفید خطاب کردیم. استاد نیز پاسخ داد: شما مرا شیخ مفید می‌خوانید تا خود را سیّد رضی و سیّد مرتضی علم‌الهدی بنامید!

پاسخ مرحوم آیةالله اخوان مرعشی روشن و صریح بود.

---

۱. رضا استادی (مرداد و شهریور ۱۳۹۰ش) (مقاله) شیخ العراقین و کتاب اسرار الصلاة، آینه پژوهش، سال بیست و دوم، شماره سوم، ص ۴۵.

۲. در حال حاضر آن کتاب را در اختیار ندارم. در معرفی آن مقاله‌ای با عنوان «کتاب‌شناسی جامع خواجه نصیر» نوشته‌ام که در روزنامه اطلاعات مورخ دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۶ه.ش منتشرشده است.

۳. فرزند مرحوم آیةالله سیّد محمدرضا مرعشی رحمه‌الله

۴. مرحوم آیةالله سیّد مهدی اخوان مرعشی رحمه‌الله مدفون در حرم مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام این دو برادر دانشمند، همزاد؛ و هر دو داماد مرحوم آیةالله‌العظمی سیّد عبدالهادی شیرازی رحمه‌الله بودند.

البته که مرحوم آیةاللهالعظمی سیّد مهدی شیرازیؒ از علمای شاخص شهر کربلا بود و در علم و تقوای او جای شکی نیست؛ ولی انتقادهایی به رویّه برخی از فرزندان معظم له وارد است که عبارت‌اند از: ۱) اعلام خارج از قاعده مرجعیّتِ خویش[۱] ۲) اهانت به مقدسات اهل سنّت در شبکه‌های ماهواره‌ای تحت پوششِ خود.[۲] ۳) توهین به برخی از علماء و مراجع عظام مانند؛ آیةاللهالعظمی بهجت فومنیؒ در شبکه‌های ماهواره‌ای تحت پوششِ خود.[۳] ۴) اتخاذ رویکردی افراطی در عزاداری حسینی. بسیاری از مشکلات جهان اسلام از همین افراطوتفریط‌هاست؛ به تعبیر مرحوم آیةالله سیّد احمد زنجانیؒ:

> افراطوتفریط است که رشته انتظام امور دین و دنیا را پاره و بی‌اعتبار می‌کند. رشته را زیاد تاب می‌دهی پاره می‌شود و کم تاب می‌دهی بی‌اعتبار می‌گردد؛ پس باید حدّ متوسط را گرفت، حتی در عبادات نیز باید طریق متوسط را گرفت. ...[۴]

مراسم عزای حسینی پرچم و نماد تشیع است؛ از سویی باید ازآنچه موجب وهن مذهب، شیعه هراسی و یا ضرر به‌سلامت انسان می‌شود؛ مانند قمه زدن – که به کودکان

---

۱. به اعتقاد شهید آیةالله سیّد محمّدباقر صدرؒ مرجعیت امری است که نباید با آن عاطفی و شخصی برخورد کرد، بلکه مقیاس اصلی مصلحت اسلام است. ←محمدرضا نعمانی (۱۴۳۹ه.ق) شهید الأمة و شاهدها؛ دراسة وثائقیة لحیاة و جهاد الإمام الشهید السیّد محمّدباقر الصدر، قم، دارالصدر، ص ۲۰۷ – ۲۰۸ و ۲۱۵. در آن زمان حضرات آیات عظام سیّد ابوالقاسم خوییؒ و سیّد محمود شاهرودیؒ در پاسخ به پرسش عبدالحسین یوسف از اهالی کویت (محرم‌الحرام ۱۳۹۲ ه.ق) صلاحیّت علمی مرحوم حجت‌الاسلام سیّد محمّد شیرازی را ردّ کردند و اعلام کردند اجتهاد نامبرده به دلیل شرعی ثابت نشده است و از ایشان تدریس و یا مباحثه‌ای علمی که دلالت بر اجتهاد کند، دیده نشده است. در همان نامه آیةاللهالعظمی سیّد ابوالقاسم خوییؒ از شیخ یوسف خراسانی حائریؒ (از استادان آقای سیّد محمّد شیرازی) نقل کرده که بر عدم اجتهاد ایشان حکم داده است.

۲. در زمان نگارش مجلدات اوّل و دوّم کتاب شیعه شناسی معاصر اهل سنت، به‌خوبی اثرات منفی توهین زنده تلویزیونی به مقدسات مسلمانان سنی مذهب مشهود بود. از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد، بسامد شیعه هراسی با اقدامات یاسر الحبیب در اهانت به مقدسات اهل سنّت، افزایش چشمگیری یافت.

۳. فهرست طویلی از توهین به علماء و مراجع عظام امامیّه در برنامه‌های ماهواره‌ای افرادی چون یاسر الحبیب (داماد مجتبی شیرازی) در شبکه‌های متعلق به شیرازی‌ها در بریتانیا و ایالات‌متحده آمریکا قابل‌مشاهده است.

۴. احمد زنجانی (۱۳۹۱ه.ش) الکلام یجر الکلام، قم (چاپ چهارم) انتشارات حق‌بین، ص ۳۸

نیز تسری می‌دهند – یا راه رفتن بر روی تیغ و مواد مذاب آتشین اجتناب کرد؛ و از سوی دیگر، عزاداری نباید آلوده به موسیقی و خوانندگی‌های طرب‌انگیز و مانند آن شود. نه افراط و نه تفریط. آیةالله حاج میرزا محمّد اشراقی رحمه‌الله با بیان اینکه «در عصر ما شعاری در مذهب شیعه شایع‌تر از مراسم تعزیه‌داری و گریستن بر مصائب سیّد مظلومین نیست.» تأکید دارد که «حدود این عمل باید به‌طوری مضبوط شود که مطابق قواعد شرع اقدس باشد و مورد طعن و اعتراض مذهب خارجه نباشد» و می‌افزاید: «چون این زمان معاشرت و مخالطه تامّه[1] است ... شایسته باشد که در مجامع تعزیه‌داری از امور مبتدعه و منهیات شریفه مقدسه احتراز تمام‌نمایند مانند نواختن سازها و خوانندگی‌های طرب‌انگیز ... تا حال مردم مطابق حدیث شریفه نباشد که «یطلبون الدنیا باعمال الأخرة»[2]

متأسفانه در دوران ما افراد ساده دل کم نیستند که به راحتی تحت تأثیر غوغای تفرقه و تضاد قرار می‌گیرند و جهان و سیاست‌های استعماری حاکم بر آن را نمی‌شناسند. مرحوم استاد دکتر سیّد جعفر شهیدی نقل می‌کند که روزی با مرحوم شیخ علی اصغر قزوینی که فردی وارسته ولی ساده دل بود، در نجف اشرف هم‌مسیر شده بود و شیخ علی اصغر خبری مهم به او داد:

> مرا به گوشه‌ای کشید و آهسته گفت: «آسید جعفر میدانی چه شده؟»
> دانستم شیخ خبری مهم دارد.
> گفتم: «نه».
> گفت: «می‌گویند این هیتلر که این جنگ را به راه انداخته تا حالا هشتاد تومان خرج کرده، بگو مرد حسابی چرا این پول‌ها را صرف جنگ می‌کنی؟ با آن مشهدی یا کربلایی برو! یا آن را به طلّاب ببخش!»
> خدایش بیامرزد که آیتی از صفا و سادگی بود. ...[3]

البته مرحوم شیخ علی اصغر زندگی ساده خود داشت، اما مطلب مهم آن است که اینگونه افراد بیشتر در معرض سیاست‌های مخرب تفرقه و تضاد قرار می‌گیرند. زمانی که به کاظمین و مدرسه مرحوم آیةالله خالصی رحمه‌الله (جامعة مدینة العلم للامام الخالصي

---

۱. آمیزش بی‌کم‌وکاست.
۲. محمّد اشراقی (۱۳۸۸ه.ش) الاربعین الحسینیة، تهران (چاپ سوم) انتشارات اسوه، ص ۸.
۳. سیّد جعفر شهیدی (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز، ص ۷۳۳.

الکبیر) رفتم متوجه برنامه معظم له در تربیت طلّابی شدم که علاوه بر فراگیری علوم اسلامی، آشنایی کلی به علوم روز و درک وقایع و سیاست‌های جهانی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود. بدون آگاهی لازم افراد بیشتر در کمین سیاست استعماری «تفرقه بینداز و حکومت کن» به دام می‌افتند.

## موزه حرم حسینی ﷺ

در جمعِ کاروان ما حاج‌آقا جواد، پیرمردی نیک ضمیر بود که یک‌بار در کربلا به‌اتفاق هم به زیارت رفته و سپس از «موزه حضرت امام حسین‌ؑ»[1] بازدید کردیم. او به اتفاق همسرش بارها به عتبات مشرف شده بود و مکرر از نقشه‌های آل سعود علیه امت اسلام (مانند قضایای فلسطین و یمن و بحرین) ابراز نگرانی می‌کرد.

باری، اشیاء تاریخی بسیاری در آن موزه نگهداری میشود؛ هدایایی از شاه مخلوع ایران را نیز گذاشته بودند؛ که مایه تعجب بود و آن را باید به‌پای بدسلیقگی مسئولان موزه حرم گذاشت.[2]

تماشای دو شیء از گنجینه‌های موزه حرم امام حسین‌ؑ برایم اهمیّت داشت؛ یکی قرآن منسوب به خط حضرت امام علی‌ؑ و دیگری یک تار مو مبارک منسوب به حضرت رسول‌الله‌ﷺ بود. این تار مو پس از انتقال از مدینه به اسلامبول، از سوی پادشاه عثمانی داود پاشا درزمانی که به‌قصد زیارت امام حسین ؑ وارد کربلا شد، به حرم امام حسین ؑ اهدا شد.[3] از مسئول موزه درباره مکان نگهداری آن پرسش کردم. ایشان گفتند: در هرسال تار موی منسوب به پیامبر اکرم‌ﷺ تنها یک روز؛ و آن روز سوم شعبان مصادف با ولادت مسعود حضرت امام حسین‌ؑ در این از مخزن اصلی خارج و در موزه حرم آن حضرت ؑبه نمایش گذاشته می‌شود.

---

1. https://museum.imamhussain.org/

۲. پهلوی‌ها مرتکب فجایعی چون منع برپایی مجالس حسینی، سرکوب قیام مردم در مسجد گوهرشاد و حرم حضرت امام رضاؑ، هتک حرمت حرم مطهّر حضرت معصومه ؑ و کشتار طلّاب در مدرسه فیضیه قم شدند و تا آخرین روز سلطنت خود، بابتِ ارتکاب آن جنایات افتخار کردند.

۳. اکنون چند تار موی منسوب به حضرت پیامبر اکرم‌ﷺ در موزه ترکیه نگهداری می‌شوند.

قسمت ما نشد؛ امّا اگر در چنین روزی توفیق زیارت کربلا به شما دست داد حتماً به موزه حرم نیز سری بزنید.

## تربت شفاء

چند روزی از اقامت در کربلا گذشته بود که متوجه شدم در فروشگاه مهر و تسبیحی بنام فروشگاه طباطبایی[1] هر شب، مدّتی بعد از نماز مغرب و عشاء (آن زمان هر شب ساعت هشت و نیم) تربت مقدسه توزیع می‌شود. مراد از تربت مقدسه خاک قبر مطهر از چهار ذراعی تا هفتاد ذراعی آن است و مراتب فضیلت تربت به اعتبار قرب و بُعد از قبر شریف مختلف است. تربت را به هدیه به زائر می‌دهند و خریدوفروش تربت اکیداً نهی شده است. روز پایانی اقامت در کربلا وارد کوچه مقام حضرت علی‌اکبر﷣ شدم؛ از فروشگاهی کمی تسبیح، مهر و خاکِ کربلا خریداری کردم. صاحب مغازه جوانی موقر و بسیار باصفا بود؛ کمی درباره تربت مقدّسه با ایشان صحبت کردم. با گشاده‌رویی وعده داد که کمی تربت مقدّس را که از فاصله چهار ذراعی قبر شریف تهیه‌شده است، پس از نماز مغرب و عشاء به حقیر اهداء می‌کند و در مقابل از حقیر خواست تا به نیابت از ایشان مرقد مطهر حضرت معصومه﷭ را زیارت کنم؛ و هر دو به وعده خود وفا کردیم.

مرحوم آیةالله حاج میرزا محمّد اشراقی معروف به ارباب (متوفی ۱۳۴۱ق) در کتاب ارزشمند «شرح الأربعین الحسینیة» می‌نویسد: «در شفا بودن تربت مقدسه محلّ تواتر اخبار امامیه و ازجمله مجربات قطعیه طائفه محقه است.»[2] معظم‌له بیان می‌کند که اهل شک و ریب را بهره‌ای از استشفای به تربت نیست؛ «بلکه گاهی تأثیر به ضدّ می‌کند»[3] از شرایط تأثیر تربت حسین، عقیده در تأثیر اوست؛ چنانکه در «کامل الزیارة» مروی است که ابن ابی یعفور خدمت امام صادق﷣ عرضه داشت که: بسا باشد که بعضی استشفاء به

۱. واقع در ابتدای خیابان باب القبله.
۲. اشراقی، ۱۳۸۸: ۲۵۳
۳. همان: ۲۵۵.

تربت نمایند و نفع نبخشد؛ امام‌علیه‌السلام فرمود: « وَ اللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا یَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَ هُوَ یَرَی أَنَّ اللَّهَ یَنْفَعُهُ بِهِ إِلَّا نَفَعَهُ بِهِ»[1]

باید در نگاهداری تربت کمال دقت را داشت و آن را با احترام در محلی پاکیزه نگاهداشت؛ و در زمان باز کردن بسته تربت دعا خواند و خدا را یادکرد و زبان به تلاوت قرآن همچون «انا انزلناه» و «فاتحه» و «قلاليل اربعه» گشود.[2] امام صادق‌علیه‌السلام فرمود که در زمان گرفتن تربت باید آن بوسید و بر چشمان نهاد و این دعا را خواند:

اللَّهُمَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَهَا وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِ النَّبِيِ الَّذِي خَزَنَهَا
وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى محمّد وَ آلِ محمّد -
وَ أَنْ تَجْعَلَه شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوء[3]
و آنگاه سوره قدر را بخواند.[4]

دعا در نزد قبر مطهر آن حضرت نیز مشروط به شرایطی است که مرحوم آیةالله اشراقی‌رحمه‌الله کتاب «عدّة الداعی» شیخ جلیل احمد بن فهد حلّی را بهترین مرجع در این خصوص می‌داند.[5]

---

۱. همان منبع. نه به خدایی که جز او خدایی نیست، هیچ‌کس تربت امام حسین را نگیرد و بداند خدا به او نفع می‌دهد, مگر آنکه او را نفع دهد. حدیث در اصول کافی مرحوم کلینی است. کلینی (۱۴۰۷ق) الکافی، دارالکتب الاسلامیة، ج۴/ ص ۵۸۸.

۲. همان منبع

۳. ببینید:حر عاملی (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البیت‌علیهم‌السلام، ج۲۴/ ص ۲۲۹.

۴. همان: ۲۵۴.

۵. همان، ۲۵۵.

# در کاظمین

چنانکه اشاره شد، یکی از برنامه‌های حقیر در سفر به عتبات، دیدار با آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی و مصاحبه با ایشان درباره مرحوم والد معظمشان حاج شیخ محمّد خالصی رحمه‌الله بود. این‌چنین بود که درحالی‌که مدیر کاروان، برنامه سفر زائران را به سامراء تدارک دیده بود، از کاروان جداشده و به‌تنهایی عزم زیارت کاظمین[1] کردم. به این امید که زیارت حرم امامین عسکریین علیهما‌السلام در سامراء در سفر بعد نصیبم شود. ان شاء الله.

پس از نماز صبح عازم کاظمین شدم. سواری‌های کاظمین در گاراژ موحد منتظر مسافرند. در طول مسیر راننده و همراهان خوبی نصیبم شد. در راه از فساد حاکم بر عراق صحبت می‌کردند و سخت از آن انتقاد داشتند؛ نام افرادی را می‌بردند که نمی‌شناختم. احتمالاً از مقامات محلی باشند. متأسفانه برخی از مسئولان عراقی همانند همتایان ایرانی‌شان درباره عدالت حرفهای خوبی صحبت می‌کنند ولی در عمل هیچ تعهدی به سخن خود ندارند. هرچه از کربلا به سمت بغداد نزدیک‌تر می‌شدیم مشخص بود که فضا امنیتی‌تر شده و ایست بازرسی‌ها بیشتر می‌شدند. از همراهان کاروان شنیدم که مراقبت‌های امنیتی در سامراء بسیار شدیدتر بوده است. آل سعود به‌راستی‌که چه فجایعی در جوامع اسلامی ایجاد کرده‌اند.

بخشی از مسیر از کاظمین تا حرم مطهر با مینی‌بوس طی شد. یکی از مسافران که فهمید ایرانی هستم، هرچه خواستم کرایه مینی‌بوس را بپردازم، به هیچ قسمی نگذاشت و آن را خود حساب کرد. در این سفر در چند مورد بعینه دیده‌ام که بسیاری از شیعیان عراق به دعای زائر واقعاً عقیده دارند، از ته دل التماس دعا می‌خواستند. پیاده‌روی اربعین حسینی

---

۱. با شهادت حضرت امام موسی الکاظم علیه‌السلام در سال ۱۸۳ق، منطقه مزار مبارک آن جناب به کاظمیه معروف شد و در سال ۲۲۰ق که حضرت امام محمّد الجواد علیه‌السلام در جوار ایشان به خاک سپرده شد، آن منطقه را کاظمین نامیدند.

را درک نکرده‌ام ولی به تواتر از زائران شنیده‌ام که در آن تاریخ مردم عراق بهترین مردمان بر روی زمین می‌شوند و این اعجاز حسینی است.

همواره در جوار حرم‌های اهل‌بیت عصمت و طهارت‌عليهم‌السلام خاندان‌های مهمی از علمای امامیّه شکل‌گرفته و مقیم شده‌اند و از این حیث کاظمین بسیار معروف است. جدا از شناختِ علمای هر خاندان علمی، باید متوجه شروط و شرایطی بود که موجب شکل‌گیری چنین خاندان‌های بابرکتی در تاریخ اسلام شده است. البته این خاندان‌ها گاه به اعتباری نجفی و به اعتباری دیگر جبل عاملی هم هستند، از بیوت مهم کاظمین می‌توان به بیت بلاغی[1] – از تبار شیخ احمد بلاغی کاظمینی (متوفی ۱۲۷۱ قمری) اشاره کرد که از بیوت علمی معروفند و شیخ جواد بلاغی از آن برخاسته است؛ یا بیت جزائری که از تبار شیخ ابراهیم جزائری (زنده به سال ۱۲۳۱ق) هستند و آل مظفر چون شیخ محمّد حسن مظفر، شیخ محمّد حسین مظفر و شیخ محمّد رضا مظفر از ایشان هستند. شیخ محمّد رضا مظفر نقش مهمی در تطور مطالعات دینی در عراق داشت و دانشکده فقه و مراکز آموزشی وابسته به آن نمونه‌ای از خدمات گران‌قدر اوست. از بیوت بزرگ دیگر کاظمینی باید به بیت سادات حیدری اشاره کرد که از علمای شاخص آن مجتهد کبیر مرحوم آیة‌الله سیّد مهدی حیدری (متوفی ۱۳۳۹ق) است. بیت شبّر – از نسل سیّد عبدالله شبر (متوفی ۱۲۴۲ق) نیز از بیوت مهم کاظمین است که از مشاهیر متأخر آن می‌توان به آیات سیّد علی شبر و سیّد جواد شبر اشاره کرد. بیت شهرستانی که خاندان سیّد محمّد علی شهرستانی و سیّد هبة‌الدین شهرستانی (متوفی ۱۳۸۶ق) است از دیگر خاندان‌های پرافتخار علمی ساکن در کاظمین بوده‌اند. بیت معظم صدر - از نسل آیة‌الله سیّد اسماعیل صدر – نیز از اعلام روزگار خویش در علم، فضل و تدریس بوده‌اند. سیّد اسماعیل فرزند سیّد صدرالدین محمّد صدر (متوفی ۱۲۶۳ق) بود که لقب او (صدرالدین) به اولادش و نیز نسل برادرش اطلاق شد.

۱. در این زمینه ببینید: سند محمد علي البلاغي (۱۴۳۵ق / ۲۰۱۴م) رجال الفکر والأدب من آل البلاغي، بیروت، الرافدین للطباعة والنشر.

از دیگر بیوت مهم کاظمین خاندان آل یاسین - از نسل شیخ محمّد حسن آل یاسین (متوفی ۱۳۰۸ق) – هستند که در آن علمای بزرگی چون شیخ محمّد رضا و شیخ راضی (متوفی ۱۳۷۲ق) و شیخ مرتضی آل یاسین پرورش‌یافته‌اند. «رحمة الله علیهم اجمعین»

برای شناخت کاظمین دو کتاب زیر پیشنهاد میشود. اوّل «تاریخ المشهد الکاظمی[1]» و دیگری «مشهد الکاظمین فی القرنین الأخیرین، والقرن الحالی[2]» وب‌گاه عتبه مقدسه کاظمیه[3] نیز اطلاعات خوبی در اینباره ارائه کرده است و برخی کتاب‌های ذی‌قیمت را برای استفاده محققان (در قالب PDF) در دسترس قرار داده است.

## دیدار با حضرت آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی

یکی از خاندان‌های اصیل کاظمینی، بیت معظم خالصی است که سرسلسله آن شیخ عبدالله خالصی از نسل علی بن مظاهر اسدی است. شیخ عبدالله‌رحمه‌الله به جهت طلب علم در کاظمین ساکن شد و معظم له دارای سه فرزند بود که از میان آن‌ها شیخ عزیز در رأس بیت خالصی در کاظمین قرار دارد. مرحوم شیخ عزیز دو فرزند دانشمند بنام‌های شیخ محمدعلی‌رحمه‌الله (متوفی ۱۳۲۶ق) و شیخ حسین‌رحمه‌الله (متوفی ۱۳۴۷ه.ق) داشت. آیةالله العظمی شیخ محمّد مهدی خالصی‌رحمه‌الله (متوفی ۱۳۴۳ق) که از اعلام علمای روزگار خود در علم و تقوا و جهاد بود، فرزند دوم شیخ حسین است که در حرم حضرت امام رضاعلیه‌السلام (رواق السیاده) مدفون است. دکتر حسین علی محفوظ دراینباره چنین سروده است:

و «الخالصیون» ذوو المفاخر نسل علی من بنی مظاهر
بیت فقهاة و علم و أدب و سیرة أحیت مأثر العرب
و منهم طودا الهدی یقیناً والفضل شیخا ثورة العشرینا
«حبیب» شیخ الخالص الشهیر وصنوه «مهدینا» الکبیر[4]

---

۱. محمدحسین آل یاسین (۱۳۷۸ق) تاریخ المشهد الکاظمی، بغداد (ط ۱) مطبعة المعارف.
۲. عبدالکریم الدباغ (۱۴۳۱ق) مشهد الکاظمین فی القرنین الأخیرین، والقرن الحالی، منشورات الشؤون الفکریة و الثقافیة فی العتبة الکاظمیة المقدسة، بیروت، دار المرتضی.
3. www.aljawadain.org
۴. عبدالکریم الدباغ (۱۴۳۱ه.ق) کواکب مشهد الکاظمین، ۲ / ۱۳۱.

فرزند آیةالله العظمی شیخ محمّد مهدی خالصیؒ؛ یعنی آیةالله شیخ محمّد خالصیؒ نیز از بزرگان عصر خود بود که مبارزات طولانی با استعمار و استبداد داخلی در سرزمین‌های اسلامی انجام داد و در این راه رنج سالها زندان و تبعید را به جان خرید. مرحوم آیةالله حاج شیخ محمّد خالصیؒ در ۸ ذی‌الحجه سال ۱۳۰۸ قمری به دنیا آمد. از استادان او می‌توان به مرحوم والد معظمشان؛ آیةالله العظمی حاج شیخ اسماعیل محلاتی ؒ (در حکمت) و آیةالله العظمی حاج شیخ محمّد تقی شیرازیؒ (در دوران اقامت معظم له در کربلاء) اشاره کرد. معظم‌له در سال ۱۹۲۲م به دستور پرسی کاکس[۱] از عراق به ایران تبعید میشود و در ایران نیز مکرر در تبعید و زندان بود.[۲]

ایشان دغدغه آینده جهان اسلام را صرف‌نظر از زبان و ملیّت و قومیّت مسلمانان داشتند. فرقی نمی‌کرد که روسیه تزاری به خراسان حمله کرده است یا ایتالیا به طرابلس (لیبی در شمال آفریقا) و یا بریتانیا به عراق (در سال ۱۹۱۴م)، آنجا جایی بود که آیةالله حاج شیخ محمدمهدی و محمد خالصی (پدر و فرزند بزرگوار) حضوری مؤثر داشتند. مبارزه با استعمار و استبداد داخلی یک ساحتِ مهم از زندگی ایشان است. از سوی دیگر اصلاحِ دینی و اقامه امربه‌معروف و نهی از منکر در اندیشه و سیره عملی خاندان خالصی جایگاه برجسته‌ای دارد؛ نمونه بارز آن را می‌توان در تأکید ایشان بر اقامۀ فریضۀ نماز جمعه در جامع کبیر صحن کاظمی مشاهده کرد؛ همچنان که در زمان اقامت در ایران نیز که شهر به شهر در تبعید بودند، اولین اقدامشان اقامه نماز جمعه بود.

آیةالله خالصی تألیفات گران‌قدری را در زمینه‌های مختلف از خود بجا گذاشت که ازجمله آن‌ها می‌توان در اعتقادات به کتاب «المعارف المحمّدیة»؛ در علم اصول: به

---

۱. ببینید: اسلام دباغ (۱۳۸۶ش) رسائل سیاسی آیت‌الله شیخ محمّد خالصی زاده، تهران (چاپ اوّل) مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۸.

۲. نیز ببینید: معظم‌له مجله ظلال الخیمة (أیار ۲۰۱۷م) العدد ۳۵. فی ذکراه الرابعة والخمسون مجلة ظلال الخیمة تستذکر المرجع المجاهد و العالم العامل الامام الشیخ محمد الخالصی.

کتاب‌های«الوقایة من أخطاء الکفایة» و «التوضیح العناوین[1]»؛ در مباحث قرآنی به کتاب «هدی و شفاء»؛ در فقه به کتاب‌های «احیاء الشریعة فی مذهب الشیعة» و «الإسلام سبیل السعادة والسلام» اشاره کرد. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که معظم له در برنامه درسی خود کتاب «مفاتیح الشرایع فی فقه الإمامیّة» تألیف مرحوم علّامه فیض کاشانی‌رحمه‌الله را به‌عنوان درسی مبنا قرار داده بود.

باری، به کاظمین رسیدم. کاظمین در شمال بغداد واقع است. پس از زیارت حرم مطهر حضرات معصومین‌علیهماالسلام که واقعاً انسان را زنده می‌کند، سریعاً به جامعة مدینة العلم خالصی مراجعه کردم که فاصله بسیار کمی تا حرم مطهر دارد. جامعة مدینة العلم مدرسه‌ای تاریخی است که در سال ۱۳۳۰ق (۱۹۱۱م) توسط آیةالله حاج شیخ محمّد مهدی خالصی‌رحمه‌الله بنیان نهاده شد و به «مدرسة الزهراء» نیز موسوم است. یکی از اهداف اساسی از تأسیس مدرسه مذکور، ارائه شیوه آموزشی نوینی بود که منطبق با نیازهای زمانه باشد تا طلّاب علوم دینی با علوم جدید آشنا شوند و افق اندیشه‌شان گسترش یابد؛ خصوصاً اینکه مرحوم خالصی و والد معظمشان دین را جدا از سیاست نمی‌دانستند و نقش مهمی در انقلاب ۱۹۲۰م عراق ایفا کردند و در صف مقدم مقاومت علیه اشغال عراق توسط بریتانیا بودند.[2] با تبعید آیةالله خالصی به ایران، امور مدرسه ایشان در کاظمین متوقف شد. در مدرسه مذکور کتابخانه بسیار نفیسی مشتمل بر کتاب‌های خطی ارزشمند نگاهداری می‌شد که فهرست کامل آن در سال ۱۹۷۲م منتشرشده است.[3] متأسفانه در دوران رژیم ستمکار بعث عراق این کتابخانه به یغما رفت و

---

۱. شرح کتاب والد معظمشان با عنوان «العناوین فی أصول الفقه» است که در ۱۹۲۴م در بغداد منتشر شد.

۲. ببینید: اسلام دباغ (۱۳۸۶ش) رسائل سیاسی آیت‌الله شیخ محمّد خالصی زاده، ص ۳۸.

۳. حمید مجید هدو (۱۹۷۲م) مخطوطات خزانة جامعة مدینة العلم للإمام الخالصي الکبیر في الکاظمیة، بغداد، مطبعة الارشاد بالمساهمة مع جمعیة التوحید فی الکاظمیّة. این کتاب ارزشمند نیز هدیه ارزشمندی بود که از حضرت آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی دریافت کردم.
نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه ملی ایران به شماره کتابشناسی ملی ( ۴۷۸۰۹۳۱ ) موجود است؛ ببینید: http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4780931

خوشبختانه بخشی از آن یافته شده است که تا جایی که متوجه شدم، اقدامات لازم برای برگرداندن آن‌ها صورت گرفته است.

جناب آقای حسن خالصی به استقبال حقیر آمدند. از مهمان‌نوازی ایشان هرچه بگویم کم گفته‌ام. صبحانه‌ای تدارک دیده بودند. ناگفته نماند که نان موسوم به «صمون» عراقی، نان بسیار خوش پخت و خوشمزه‌ای است. عراقی‌ها به این نان علاقه بسیاری دارند. متأسفانه بسیاری از نانواهای تهران به خمیر استراحت نمی‌دهند تا به‌طور طبیعی تخمیر شود: و بدتر آنکه از مواد افزودنی غیرمجاز مانند جوش‌شیرین! هم استفاده می‌کنند.

بعدازآن، از بنای تاریخی جامعة مدینة العلم دیدن شد. بخش‌هایی از مدرسه، به دلیل قدمت بنا و نیز ازآنجایی‌که مدت‌های مدید به‌اجبار حکومت‌های مستبد عراق تعطیل‌شده بود، نیازمند بازسازی و تجدید سازمان بود. از بام آنجا نمایی بسیار نزدیک و آکنده از معنویّت از حرم مطهر قابل‌مشاهده است. دلم نمی‌آمد از بام پایین بروم. تصویری از گنبدهای حرم اقدس صاحبان ولایت را گرفتم که در بخش تصاویر تقدیم می‌شود.

کمی بعد، حضرت آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی تشریف آوردند. در دفترشان خدمت ایشان رسیدم. استقبال گرمی کردند. ابتدا گزارشی از پروژه تاریخ شفاهی طلایه داران صلح و وحدت اسلامی را ارائه دادم که آن را در مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز کرده‌ام. اولین کتاب به مرحوم آیةالله کمره‌ای اختصاص یافت و متعاقب آن مجلس بزرگداشت آیةالله کمره‌ای برگزار شد. کتاب دوّم نیز به شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدر اختصاص یافت [به حمدالله پس از بازگشت از عتبات، مراسم بزرگداشت مقام علمی و معنوی آیةالله شهید صدر نیز در ۱۳۹۷/۲/۲۶ش برگزار شد] و اظهار امیدواری کردم که در سفر آتی به کاظمین حضوراً کتاب آیةالله خالصی را تقدیم معظم له کنم. ایشان ابتدا اشاره کردند که مرحوم آیةالله حاج شیخ محمّد خالصی دو کتاب درباره زندگی خود و والدِ معظمشان نوشته است:

۱. کتاب بطل الاسلام[۱] که با عنوان «سردار اسلام» به فارسی ترجمه‌شده است.[۱]

---

۱. محمدبن‌مهدی الخالصی (۱۳۸۶ش) بطل الاسلام الامام الشهید محمدمهدی الخالصی: وثائق احداث العراق فی حرکة الجهاد والثورة ۱۹۱۴-۱۹۲۵م. مذکرات میدانیه للامام الشیخ

۲. کتاب «فی سبیل الاسلام»

بحمدلله تعالی، معظم‌له با وجود سن بالا، از حافظه‌ای قوی برخوردارند، هرچند در ابتدای سخن، بیتی از عَوف بن مُحلِّم الخُزاعی[۲] را خواندند:

إن الثمانين و بُلِّغْتَها

قد أحوجتْ سمعي إلى ترجُمانْ

و این تواضع معظم‌له را می‌رساند. فرمودند: سن که بالا رود، گوش سنگین می‌شود و اشاره به جناب آقای حسن خالصی کردند که «آقا حسن ترجمان گوش من است»

ابتدا از سلوک معنوی مرحوم آیةالله خالصی و اینکه به چه دعاها و عباداتی مداومت داشتند، سؤال کردم. ایشان ابتدا یادآور شدند که آیةالله خالصی کتابی را درباره دعا [۳] در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها نگاشته است که فعلاً مفقود است. مدرسه و کتابخانه آیةالله خالصی یک‌بار در جریان تبعید اوّل ایشان به ایران که پس از انقلاب ۱۹۲۰م روی داد، تعطیل گردید و بسیاری از اسناد و مدارک آن از میان رفت. بار دیگر، در سال ۱۹۷۹م بود که حزب بعث عراق، مدرسه مذکور را مصادره کرد و کتابخانه را به غارت برد. هم‌اینک ایشان تلاش دارد تا آن مقدار از کتاب‌های کتابخانه را که شناسایی‌شده است، به کتابخانه بازگردانند.

آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی درباره سلوک معنوی پدر فرمودند: از کودکی به یاد دارد که مرحوم پدرشان اهل تهجد و شب‌زنده‌داری بودند و پس از نیمه‌شب تا طلوع آفتاب به ذکر و دعا اشتغال داشتند.

---

محمدبن‌مهدی الخالصی (اشرف علی طبعه و نشره) هاشم الدباغ، تهران: مرکز وثائق الامام الخالصی.

۱. محمّد خالصی زاده (۱۳۸۸ش) سردار اسلام شهید آیت‌الله‌العظمی شیخ محمدمهدی خالصی، (مترجم) امیر سلمانی‌رحیمی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲. عوف بن مُحلِّم الخزاعی، متوفی ۲۲۰ق، ادیب و شاعر دوران اول عباسی.

۳. عنوان آن چنین است: «شکر و دعا» که مناجاتی است در خصوص مصیبت‌ها و تبعیدگاه‌های مؤلف که در دهه ۱۳۲۰ شمسی منتشر شده است.

من پنج‌ساله بودم که برای اولین بار به من قرآن تعلیم کردند. گفتند: مهدی بگو و می‌گفتم: «اللّهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ[۱]»

یکی از علمای بزرگ که نسبتی هم با ما داشتند، به منزلمان آمده بود. مرحوم پدر گفتند: آیه را بخوان و من خواندم. ایشان به تشویق من گفتند: « فصیح‌تر از پدر قرآن می‌خوانی.» ایشان بیشتر دعاهای صحیفه سجادیه را خصوصاً دعای صبح را می‌خواندند و آن دعاها را به‌واسطه تکرار ایشان، حفظ می‌کردم.

ایشان بر دعای کمیل مداومت داشتند و در شب‌های جمعه آن را با مرحوم والده می‌خواندند.

حال معظم‌له در عصر جمعه نزدیک غروب دگرگون می‌شد. آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی در این زمینه چنین بیان کرد:

به نظر ایشان عصر روز جمعه نزدیک به غروب وقتِ استجابت دعاست. در احادیث وارد است که در عصر جمعه ساعتی است که دعا و طلب از خدا در این وقت مستجاب می‌شود. ایشان می‌فرمودند همان‌طور که خداوند همانند لیلة القدر، این ساعت را نیز معین نفرمود تا مردم در روز جمعه و شب جمعه همیشه در دعا باشند و به یک ساعت اعتماد نکنند.

ایشان مقید بودند – مطابق احادیث – در آخرین ساعت روز جمعه، آن هنگام که نیمه قرص آفتاب غروب کرده و نیمه‌ای دیگر مانده، دعایی را که حضرت امیرالمؤمنین به اویس قرنی تعلیم فرمود، بخوانند و آن دعا چنین است:

یَا سَلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ الطَّاهِرُ الْمُطَهَّرُ الْقَاهِرُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ یَا مَنْ یُنَادِی مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ بِأَلْسِنَةٍ شَتَّی وَ لُغَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ حَوَائِجَ أُخْرَی یَا مَنْ لَا یَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ أَنْتَ الَّذِی لَا تُغَیِّرُکَ الْأَزْمِنَةُ وَ لَا تُحِیطُ بِکَ الْأَمْکِنَةُ وَ لَا تَأْخُذُکَ نَوْمٌ وَ لَا سِنَةٌ یَسِّرْ لِی مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَ فَرِّجْ لِی مِنْ أَمْرِی مَا أَخَافُ کَرْبَهُ وَ سَهِّلْ لِی مِنْ أَمْرِی مَا أَخَافُ حُزْنَهُ سُبْحَانَکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی نَبِیِّهِ محمّد وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً»

---

۱. قرآن مجید، سوره شوری: ۱۹.

درباره دعا نظرشان این بود که آن به معنای نیایش و طلب حاجت در ظهر غیب و نه روبه‌روست؛ مثلاً من می‌گویم کمک کن بلند شوم این ایرادی ندارد. این کمک‌های عرفی است. اما دعا به تصریح قرآن عبادت است و در قرآن آمده است که:

«وَ قَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ[1]»

در آیه دیگر آمده است: «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»[2] و در آیه دیگر آمده است:

«إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ»[3]

ایشان در خصوص دعا تأکید داشتند که همانند ادعیه ثابت ائمه اطهار علیهم‌السلام مانند: صحیفه سجادیه، دعای کمیل، دعای سحر و دعای ابوحمزه ثَمالی طلب دعا باید از خداوند متعال (و نه غیر خدا) باشد.[4] از ابتدا تا انتهای صحیفه سجادیه در هیچ موردی، دعا به غیر خدا دیده نمی‌شود. گاه برخی از عوام مستقلاً از حضرات ائمه اطهار علیهم‌السلام طلب حاجت می‌کنند و نه خدای متعال[5]؛ در حالی که دعا باید از خدا و ندا باید «یا الله» باشد: «و تقبل شفاعته فی امته وارفع درجته» و خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»[6]

---

۱. قرآن مجید، غافر: ۶۰.

۲. قرآن مجید، جن: بخشی از آیه شریفه ۱۸.

۳. قرآن مجید، اعراف: ۱۹۴.

۴. برای مثال معظم له دعای موسوم به فرج را که در کتاب «بلد الأمین» به استناد خواب شخصی نقل کرده است، مردود می‌شمارد؛ چرا که علاوه بر اشکال سند دعا، محتوای آن نیز با قرآن در تعارض است، چنانکه عبارت «یا محمّد یا علی یا علی یا محمّد اکفیانی فانکما کافیانی و انصرانی فانکما ناصرانی» با آیة شریفه « أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» (زمر: بخشی از آیه ۳۶) و «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ» (آل عمران: بخشی از آیه ۱۶۰) ببینید: اسلام دباغ (۱۳۸۶ش) رسائل سیاسی آیت‌الله شیخ محمّد خالصی زاده، ص ۱۵۰ – ۱۵۱.

۵. مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در رساله الغلاة می‌فرمود: امام ناخداست و نه خدا.

۶. قرآن مجید، ق، بخشی از آیه شریفه ۱۶.

سپس سخن وارد ابتکارات فقهی و نوآوری‌های فقهی آیةالله خالصی شد. مرحوم آیةالله خالصی بر اذان شرعی که شیخ طوسی در کتاب «من لا یحضره الفقیه» آن را در ۱۸ فصل نام‌برده، تأکید می‌کردند؛ چراکه معتقد بودند عبادت توقیفی است و نمی‌شود آن را کم‌وزیاد کرد؛ لذا از سویی این انتقاد را به برادران اهل سنّت داشت که عبارت «الصلاة خیر من النوم» زیادت است و حذف عبارت «حی علی خیر العمل» نقصان است؛ و از سوی دیگر، عبارت «اشهد انّ علیاً ولی الله» را جزو اذان شرعی نمی‌دانستند (و مطابق سخن شیخ طوسی‌قدس‌سره)، به‌عنوان اذان نمی‌گفتند. در این زمینه در کتابِ «در احوال و اندیشه‌های آیةالله حاج شیخ محمّد خالصی‌قدس‌سره» به تفصیل نوشته‌ام.

محور دیگر از نظرات مرحوم آیةالله خالصی درباره نماز جمعه است.[۱] آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی در این زمینه چنین بیان کرد:

> نماز جمعه در دوره‌ای ترک شد و کم‌کم چنین تلقی شد که اقامه نماز جمعه در عصر غیبت امام زمان واجب نیست. ایشان رساله‌ای نوشتند با عنوان «رسالة الجمعة» و ثابت کردند که نماز جمعه از فرایضِ ثابت است که مورد تأکید پیامبر اسلام و اهل‌بیت و علمای اعلام بوده است. مرحوم والد می‌گفتند ضرورت نماز جمعه در عصر غیبت ائمه و پیغمبر بیشتر است و ترک آن از بدعت‌های مضر است.
>
> ایشان هرجایی که تبعید شدند در عراق و ایران و شهرهایی که در تبعید بود، نماز جمعه برگزار می‌کردند. در زمان رضاخان دو شخصیت مبارز؛ یکی یکی مرحوم مدرّس دیگری نیز مرحوم آیةالله خالصی در خارج از مجلس بود. در آن زمان رژیم شاه مطابق منافع خود در تهران نماز جمعه [صوری] برگزار می‌کرد.
>
> یکی از دلایل تبعید ما از تویسرکان به کاشان، نامه ژنرال ولز سرکرده انگلیسی منطقه بود. انگلیسی‌ها درصدد امدادرسانی نیروهای متفقین بودند و مرحوم پدر مانع از همکاری مردم با بریتانیایی‌ها جهت جاده‌سازی برای سربازانشان شدند. ژنرال انگلیسی نامه‌ای به فرمانده خود می‌نویسد که تا خالصی اینجاست ما نمی‌توانیم جاده بسازیم. مرحوم پدر فتوا داده بود که هر کلنگی که برای جاده شمال زده می‌شود گویی که به قلب مطهر رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وآله زده‌شده است.

---

۱. ببینید: الخالصي، محمّد بن محمّد مهدي (۲۰۱۶م) مذکرات فی سبیل الله سيرة ذاتية و ...، ص ۵۵۳.

ما را به کاشان تبعید کردند. در کاشان هم ایشان درصدد اقامه نماز جمعه برآمد، ولی سیره‌شان این بود که از بزرگ‌ترین عالم شهر بخواهند که ایشان نماز جمعه را اقامه کند؛ هم به جهت احترام علمای آن شهر و هم ماندگار شدن نماز جمعه؛ زیرا مرحوم پدر دائماً از شهری به شهر دیگر در تبعید بودند.

در آن زمان، سیّد محمّد باغ[1] از علمای معروف کاشان بود. مرحوم پدر از ایشان خواست که نماز جمعه را اقامه کرد. ایشان نظرش این بود که نماز جمعه حرام است و منظومه‌ای به فارسی و عربی در رد آن نوشت. مرحوم پدر نیز جوابیه‌ای منظوم برای ایشان نوشت و به‌صورت مستدل نادرستی آن را بیان کرد.

شیخ طوسی و سایرین از علمای مجلسی و شهید اوّل و دوّم به وجوب نماز جمعه حکم داده‌اند. مرحوم خالصی می‌گفت سنّتی که متروک‌شده باید احیا کرد و بدعت‌هایی که در آن شکل‌گرفته باید از بین برد.

مرحوم آیةالله خالصی در بیان آراء و نظریات خود فردی آزاده بود و ملاحظه حکومت و یا افکار عمومی را نمی‌کرد. مثال بارز آن ردیه‌ای است که بر عید نوروز نگاشته است.[2] آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی در این زمینه چنین بیان کرد: «مرحوم والد کتابی بنام نوروز نگاشته است و این در دوران تبعید ایشان در ایران است که مردم و حاکمان آن به برپایی عید نوروز اقبال دارند.» [و در چنین جویّ، اظهار نظر مخالف با نوروز نشان از صراحت و شجاعت علمی ایشان دارد.] از دید معظم‌له، اعیاد اسلامی و شرعی، همچون عید جمعه و عید قربان اعیاد معینی هستند و جز آن را نمی‌توان عید نامید؛ چنانکه ابن شهرآشوب نیز در کتاب مناقب حضرت موسی بن جعفر این مسئله را بیان کرده است.

---

۱. علّامه آقا سید محمّد علوی بروجردی (متوفی ۱۷ شوال ۱۳۶۹ قمری) مدفون در مقبره حاج حسین توکل در مزار فیض کاشان در جوار مقبره عالم ربانی مرحوم ملّا محسن فیض کاشانی. نیز ببیند: ببینید: الخالصی، محمّد بن محمّد مهدی (۲۰۱۶م) مذکرات فی سبیل الله سیرۀ ذاتیۀ و ...، ص ۵۵۵.

۲. در این خصوص ببینید: الخالصي، محمّد بن محمّد مهدي (۲۰۱۶م) مذکرات فی سبیل الله سیرة ذاتیة و مذکرات جهادیة للمرجع المجاهد الامام الشیخ محمّد بن محمّد مهدی الخالصی (۱۸۹۱-۱۹۶۳م) (تحقیق و توثیق) اسلام الدباغ بیروت, دار المحجة البیضاء للطباعة و النشر و التوزیع,, (اصدار:مرکز وثائق الامام الخالصی) ص۴۱۱.

در آن جلسه، مباحثی نیز در خصوص فعالیت‌های سیاسی خاندان معظم خالصی مطرح شد که ان شاء الله تفصیل آن در کتاب «در احوال و اندیشه‌های آیةالله حاج شیخ محمّد خالصیﷺ» تقدیم خواهد شد. اجمالاً این نکته از مجاهدت جدّ ایشان یعنی آیةالله شیخ مهدی خالصی بسیار جالب‌توجه است:

مرحوم جدّ در سنگرهای جهاد با بریتانیا، در ۱۹۱۵ میلادی، کتابی را بنام «الحسام البتار فی جهاد الکفّار»[1] تألیف فرمود که در اصل دروسی بود که آن را برای مجاهدان اقامه می‌کرد و هرروز محتوای جلساتِ درسِ خود را با پیکی به بغداد — که آن موقع هنوز سقوط نکرده است – می‌فرستاد تا دریکی از روزنامه‌ها بنام «صدی الاسلام منتشر شود که نهایتاً در ۱۱ عدد منتشر شد.

من به کتابخانه موزه رفتم و مقالات را پیدا کردم و آن را منتشر کردم و در مقدمه آن نوشتم که ما امروز به این‌گونه مرجعیت داریم که این دروس را در سنگر جهاد و نه صرفاً در حوزه و یا مدرسه اقامه کند و بنویسد. مانند اینگونه مرجعیت، مرحوم آیةالله خمینیﷺ است که برای اسلام، رنج تبعید و سختی‌ها را به جان خرید.

انگلیسی‌ها که بغداد را فتح کردند مرحوم پدر و جدمان به شمال عراق رفتند و زمینه را برای انقلاب ۱۹۲۰ فراهم کردند. انگلیسی‌ها فیصل را پادشاهی دست‌نشانده کردند و مرحوم جدّ و پدر با این موضوع مخالفت کردند و برای فیصل دو شرط را اعلام کردند: یکی اینکه او دست‌نشانده بیگانگان نباشد و دیگری آنکه حکومت وی مقید به‌وسیله مجلس مردمی باشد و اگر فیصل به این دو شرط عمل نکند، بیعتی در گردن عراقی‌ها ندارد و آن‌وقت حکم عزل او صادر می‌کنیم. آن زمان فیصل معاهده سرپرستی دولت بریتانیا بر عراق را پذیرفت. مرحوم جدّ گفتند که این همان استعمار است چون نتوانستند با اسلحه ما را مطیع کنند از طریق معاهده آمده‌اند. آن‌ها با تبلیغات خود گفتند مجلسی تأسیسی برپا شود تا این معاهده تصویب شود. مرحوم جد و پدر آن را حرام دانستند و ازاین‌رو اسباب تبعید ایشان را فراهم کردند. علماء مرحوم سیّد ابوالحسنﷺ و مرحوم نائینیﷺ نیز نظر مرحوم جدّ را که مرجع اعلی بود، تأئید کردند. گفتند: این‌ها از اجانب

---

۱. با مشخصات زیر منتشر شده است: محمدمهدی الخالصی‌الکبیر (۲۰۱۵م / ۱۴۳۶ه.ق) رسالة الحسام البتار فی جهاد الکفار، نجف اشرف: مکتب الشیخ الخاصی؛ طهران: مرکز وثائق‌الامام‌الخالصی.

هستند. مرحوم جد انتقاد می‌کردند که چگونه است که بریتانیایی‌ها حق دخالت در امور مسلمین را دارند ولی علمای اسلام ندارند!!!
دولت عراق هیئتی را برای بازگرداندن علماء فرستاد به شرطی که در سیاست دخالت نکنند. دکتر عبدالهادی حائری در برکلی آمریکا در تماس با ما بود که آن موقع در لندن بودم. ایشان کتابی نوشت درباره تشیع و مرجعیت که این موضوعات را در آن ذکر کرده است. مرحوم جد گفتند به آقای حسین نائینی و سیّد ابوالحسن اصفهانی که شما تعهدنامه ندهید. عالمی و مرجعی که تعهد بدهد که درباره امور کشورش دخالت نکند اصلاً مسلمان نیست. «مَنْ أَصْبَحَ لا يَهْتَمُّ بِأُمورِ الْمُسْلمينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ»
سیاست وسیله‌ای برای قدرتمندی شخصی نیست؛ بلکه برای حفظ امت از خطرات است. مرجعی که تعهد بدهد دخالت نکند؛ یعنی مرجعی است که مرجعیت نکند. چون اصرار داشتند، گفتند: انتخاب کنید آقای حائری میان ما قضاوت کند. ایشان رفتند و مرحوم حائری را برای قضاوت قبول کردند. وقتی نشستند با مرحوم حائری و مرحوم جدّ نظرشان را گفتند. مرحوم آقای حائری گفتند: برنگردید. بااین‌وجود ایشان برگشتند و تعهدنامه دادند و من تعهدنامه آن را دیدم.[1] دکتر علی الوردی در کتاب «لمعات اجتماعیه من تاریخ العراق‌الحدیث» در مجلد ۵ یا ۶ آن کتاب آورده است و من در ۱۹۷۰ میلادی در مرکز اسناد عمومی انگلستان رفتم که گزارش‌های اساسی در آنجا نگهداری می‌شود و مقداری - بیش از هشتاد سند - جمع‌آوری کردم. این‌ها را در دسترس مرحوم دکتر علی الوردی[2] قراردادم که منتشر شد.

نهار مهمان آن بزرگوار بودم. حقّاً که خاندان اصیلی هستند. پس از دیدار با ایشان برای زیارت به حرم رفتم. دل از کاظمین کنده نمی‌شود ولی چاره چیست؛ باید دل را بگذارم و بروم. آنجا مزار علمای اسلام؛ ابن قولویه قمی‌ﷺ، شیخ مفیدﷺ و خواجه نصیرالدین طوسیﷺ نیز هست که ان شاء الله تفصیل دیدار از کاظمین در کتاب «در احوال و اندیشه‌های آیةالله حاج شیخ محمّد خالصیﷺ» تقدیم خواهد شد.

---

۱. در این خصوص ببینید: ببینید: اسلام دباغ (۱۳۸۶ش) رسائل سیاسی آیت‌الله شیخ محمّد خالصی زاده، ص ۱۷۷-۱۷۹.

۲. علی الوردی (متوفی ۱۹۹۵م) مورخ و جامعه شناس شهیر عراقی. از آثار اوست: «لمعات اجتماعیه من تاریخ العراق‌الحدیث»؛ «منطق ابن‌خلدون»؛ «وعاظ السلاطین رای صریح فی تاریخ الفکر»

## بازگشت

هنوز به فرودگاه نجف نرسیده بودیم که شوق زیارت حرم‌های اهل‌البیت علیهم‌السلام بار دیگر در قلب‌ها شعله‌ور شد.

بار الها کن نصیب دوستان سال دگر
هم نجف هم کربلا هم مشهد شاه رضا

طبیعی است که این سفر اثری عمیق بر زائر به‌جا گذارد:

قتلگاه حضرت شاه شهیدان دیده‌ایم
چشم گریانی از آن ماتم‌سرا آورده‌ایم
مرقد موسی کاظم در بغل بگرفته‌ایم
خاک درگاهش برای توتیا آورده‌ایم

از آن تاریخ به بعد به هرکس که می‌گوید: چه خبر است که این‌همه به کربلا می‌روند آن‌هم چند بار پشت سر هم؛ می‌گویم: واقعاً شما یک‌بار بروید، اگر توانستید دیگر نروید.

به قول قدیمی‌ها کسی به حرم‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌رود که طلبیده شده باشد؛ شوق زیارت که در دل‌ها روشن باشد، طلبیده خواهند شد. خدایا ما را بطلب!

«این دعا از من وز جمله جهان آمین باد!»

زبان و حال زائر در بازگشت به موطن خود رحمت و برکت و سلام است؛ سلامی گرم از آن روضه‌های مقدسه که عالی‌ترین تحفه سفر عتبات عالیات است:

ما سلام از روضه شیر خدا آورده‌ایم
روی بر گردوغبار از کربلا آورده‌ایم
بسکه رخ مالیده‌ایم بر مرقد شاه نجف
بوی مُشک و عنبر و عطر و گلاب آورده‌ایم

# تصاویر

## نجف اشرف - بارگاه منور حضرت امیرالمؤمنین ﷺ

بر بالای درب حرم در تصویر، این حدیث شریف نبوی ﷺ نوشته‌شده است: «**أنا مدينة العلم و عليٌّ بابها**» [**فمن أراد المدينة فليأتها من بابها**] ترجمه: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من شهر علمم؛ و علی در آن شهر است؛ هرکس می‌خواهد وارد این شهر شود، باید از در آن وارد شود.





**هو العزیز الرشید**

تو آن رفیع مکانی که ساکنان فلک

بر آستان تو دارند میل دربانی

چه احتیاج به‌پیش تو حال خود گفتن

که حال خسته‌دلان را تو خوب می‌دانی.

(تصویر از وب‌گاه کتابخانه دیجیتال جهانی یونسکو[1])

1. www.wdl.org



**↑ آیةالله حاج شیخ محمّد مهدی آصفی** قدس‌سره




**→ لوح مزار آیةالله حاج شیخ محمّد مهدی آصفی** قدس‌سره **- وادی‌السلام** - ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ قمری



تمبر بزرگداشت آیةالله سیّد محمّد باقر صدر قدس‌سره





مرقد شهید آیةالله سیّد محمّد باقر صدر قدس‌سره – ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ قمری





قبرستان وادی‌السلام نجف اشرف – ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ قمری

لااله الاالله محمد رسول الله (ص)

امام امیر
المؤمنین
علی (ع)
ولی الله

تصویری از قبرستان وادی‌السلام / تاریخ نجف اشرف و حیره, ص ۱۷۸

مزار آیة الله سیّد مهدی ابن الرضاقُدِّسَ‌سِرُّه — وادی‌السلام = متصل به مقام حضرت امام زمان عَجَّلَ‌اللهُ‌فَرَجَهُ

۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ قمری




وادی‌السلام، مزار شهید آیة‌الله سیّد محمّد صدر قدس‌سره – ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ قمری



← آیات عظام عبدالحسین امینی قدس‌سره؛ سیّد عبدالعلی سبزواری قدس‌سره؛ سیّد محسن حکیم قدس‌سره




مزار علّامه عبدالحسین امینی – کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام

و لوح مزار علّامه حاج شیخ عبدالحسین امینی قدس‌سره



مرقد آیةالله العظمی سیّد عبدالاعلی سبزواریقُدّسَ‌سِرُّه و لوح منصوب بر دیوار مرقد



در موزه خان الشیلان



موزه خان الشیلان

شمشیرها از دوران عثمانی / تفنگها (غنائم مجاهدین از انقلاب ۱۹۲۰م عراق)




نمونه‌هایی از انبوه پوسترها با مضامین فرهنگی در شهرهای نجف و کربلا
توصیه به رعایت حجاب اسلامی




پوسترهایی از سخنان آیات عظام شهید سید محمدباقر صدرقدس‌سره و سید علی سیستانی مد ظله العالی – عموماً با مضامین فرهنگی و اجتماعی - بر دیوارهای شهرهای نجف اشرف و کربلاء مشاهده می‌شد.




قدمت تکایای عزاداری در محلات نجف اشرف محله الحویش –

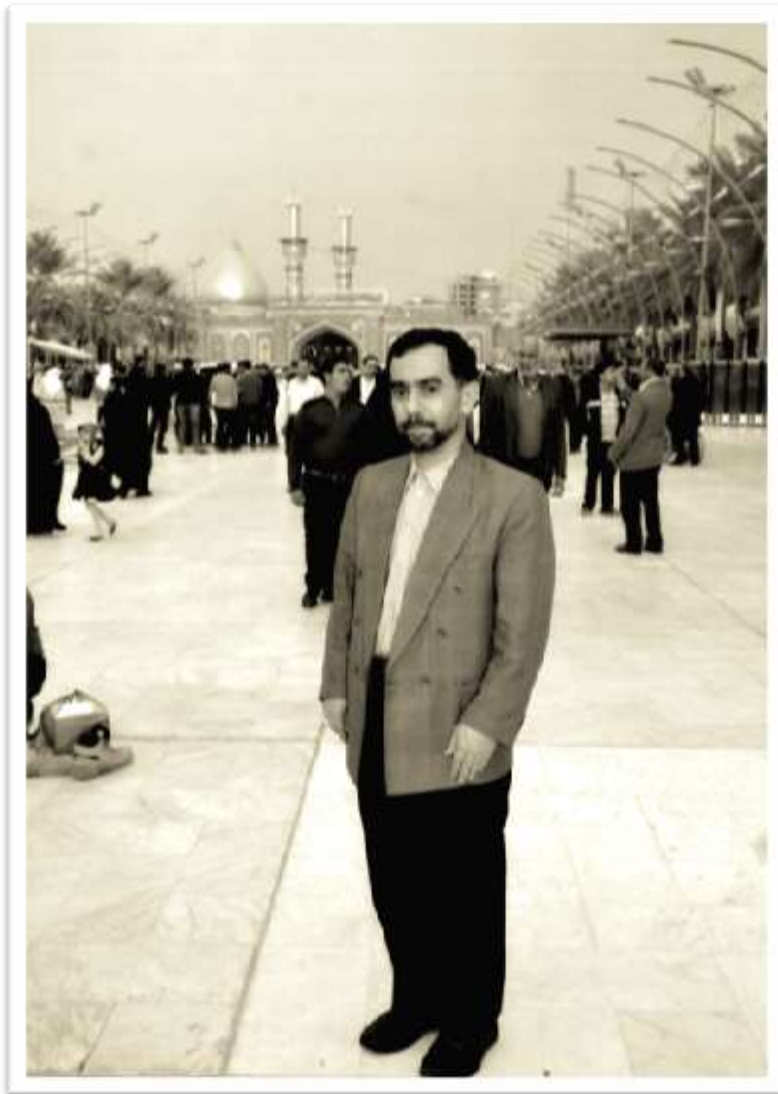
عزاء الحسین﷣ – طرف الحویش نفدیک بدمائنا یا ابا الشهداء ﷣ – تأسیس سنة ۱۹۳۰



بر تابلوی بنا چنین نوشته شده است: مسجد و جامع العطارین لواقفه سید الفقهاء و أستاذ المجتهدین المیر السید علی الطباطبائی﷥ صاحب الریاض - اعید تشیده ۱۴۲۲ ق

**کربلای معلّا – بین‌الحرمین**

در تصویر گنبد حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام نمایان است.





ساختمان یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای وابسته به آقای سیّد صادق شیرازی – کربلای معلّا




تصاویر شهدای روحانی مدافع حرم در یکی از خیابانهای کربلا



نمایی از گنبدهای مطهر حرم کاظمین علیهما السلام
از بام ساختمان مدینة العلم الجامعة آیة الله خالصی قدس سره



در محضر حضرت آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی (دامت برکاته)



تمثال مرحوم آیةالله آقای حاج شیخ محمّد خالصی قدس‌سره




← در محضر حضرت آیةالله حاج شیخ مهدی خالصی (به لطف جناب آقای حسن خالصی) / نمای بیرونی کلیة مدینة العلم الجامعة

# کتاب‌نامه

## قرآن مجید

آقابزرگ طهرانی (۱۴۳۳ق) کشکول الطهرانی، (إعداد) السید محمّد علی الحسینی الجلالی، کربلاء، دار جواد الأئمة.

ام فرقان (۱۴۰۴ه.ق) بطلة النجف الشهیدة العالمة العلویة بنت‌الهدی، المجلس الاعلی للثورة الاسلامیة فی العراق، منشورات وحدة الاعلام.

آل یاسین، محمّد حسین (۱۳۷۸ق) تاریخ المشهد الکاظمی، بغداد (ط ۱) مطبعة المعارف.

استادی، رضا (مرداد و شهریور ۱۳۹۰ش) (مقاله) شیخ العراقین و کتاب اسرار الصلاة، آینه پژوهش، سال بیست و دوم، شماره سوم، ص ۴۵.

اشراقی، محمّد (۱۳۸۸ه.ش) الاربعین الحسینیة، تهران (چاپ سوم) انتشارات اسوه.

امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق) الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب. قم مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ج۳.

امینی، عبدالحسین (۱۳۵۵ق) شهداء الفضیلة. مطبعة الغری بالنجف الأشرف.

انصاریان خوانساری، محمّد تقی (۱۳۹۶ه.ش) اسوه تقوا و خدمتگزار به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام آیةالله حاج سیّد مهدی ابن الرضا خوانساری رحمه‌الله، قم، انصاریان.

براقی نجفی (۱۴۳۰ق) تاریخ النجف المعروف بـ الیتیمة الغرویة و التحفة النجفیة فی الارض المبارکة الزاکیة (تقدیم و تحقیق) کامل سلمان الجبوری، بیروت، دارالمؤرخ العربی

بلاغی، عبدالحجت (۱۳۲۸ه.ش) تاریخ نجف اشرف و حیره، چاپخانه مظاهری.

تقوی قزوینی، سیّد محمّد حسین (۱۳۹۴ش) سفرنامه عتبات، هند و حج (تصحیح) محمّد علی باقر زاده، تهران، مشعر.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲ش) امینِ شریعت ویژه‌نامه رونمایی از کتاب المقاصد العلیهٔ تألیف علّامه امینی (قم) بنیاد محقق طباطبایی.

حر عاملی (۱۴۰۹ق) وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج۲۴.

الخالصی، محمّد بن‌مهدی (۱۳۸۶ش) بطل الاسلام الامام الشهيد محمّد مهدی الخالصی: وثائق احداث العراق فی حركة الجهاد والثورة ۱۹۱۴ - ۱۹۲۵م. مذكرات ميدانيه للامام الشيخ محمّد بن‌مهدی الخالصی (اشرف علی طبعه و نشره) هاشم الدباغ، تهران: مركز وثائق الامام الخالصی.

الخالصي، محمّد بن محمّد مهدي (۲۰۱۶م) مذكرات فی سبيل الله سيرة ذاتية و مذكرات جهادية للمرجع المجاهد الامام الشيخ محمّد بن محمّد مهدی الخالصی (۱۸۹۱-۱۹۶۳م) (تحقيق و توثيق) اسلام الدباغ بيروت, دار المحجة البيضاء للطباعة و النشر و التوزيع, (اصدار:مركز وثائق الامام الخالصی)

خالصی زاده، محمّد (۱۳۸۸ش) سردار اسلام شهید آیةالله‌العظمی شیخ محمّد مهدی خالصی، (مترجم) امیر سلمانی‌رحیمی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خیری، سیّد محمود (بی‌تا) اسلام در چهارده قرن، مؤسسه انتشارات آسیا.

الدباغ، عبدالكريم (۱۴۳۱ق) مشهد الكاظمين فی القرنين الأخيرين، والقرن الحالی، منشورات الشؤون الفكرية و الثقافية فی العتبة الكاظمية المقدسة، بيروت، دار المرتضی.

رضا قلی میرزا نائب الایاله (۱۳۶۱ش) سفرنامه رضا قلی میرزا نائب الایاله (به کوشش) اصغر فرمانفرمائی قاجار، تهران، انتشارات اساطیر

رضوی کشمیری، سیّد محمّد (۱۳۵۵ قمری) دیوان هدایا و تحف مسمی به ریگستان نجف و جزوی از مثنوی آب و دانه و غیره.

زنجانی، احمد (۱۳۹۱ه.ش) الکلام یجر الکلام، قم (چاپ چهارم) انتشارات حق‌بین.

سالور، منوچهر (۱۳۳۹ش) ارمغان حجاز، تهران، ابن سینا.

سیف‌الدوله سلطان محمد (۱۳۶۴ش) سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه، (تصحیح و تحشیه) علی اکبر خداپرست، تهران، نشر نی.

الشهيب الحلي، وليد عبد الغفار (۲۰۱۷م) حزب البعث و داعش منهج واحد في انتهاك حقوق الإنسان، مجلة العلوم القانونية والسياسية (جامعة ديالی)، شماره ۶

شهیدی، سیّد جعفر (۱۳۷۲ه.ش) از دیروز تا امروز (مجموعه مقاله‌ها و سفرنامه‌ها) تهران، نشر قطره.

صادقی، عبدالله (بی‌تا) لؤلؤ الصدف فی تاريخ النجف، چاپخانه مهربان.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۵ه.ش) سفرنامه حج. قم (چاپ سوّم) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم.

صداقت ثمرحسینی، کامیار (تابستان ۱۳۹۵ش) رمضان در سفرنامه‌های حج ابراهیمی؛ کندوکاوی در تجربیات گذشته و حال سفر حاجیان ایرانی، فصلنامه مردم و فرهنگ پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره ۳.

طیب اصفهانی سیّد عبدالحسین (۱۳۶۶ه.ش) اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران, اسلام, ج۹

عادلی، سیّد محمّد (بی‌تا) رهنمای زوّار عتبات مقدسه عراق شامل تاریخ و جغرافیای عراق و مشاهد مشرفه، تهران، کتابخانه چاپخانه مرکزی.

العاملی، احمد ابوزید (۲۰۰۷م) السیرة والمسیرة في حقائق ووثائق، بیروت، دار العارف للمطبوعات، ج۴.

العرادی، أسعد حمید أبو شنة (۲۰۱۶م) کربلاء فی الهند فی القرنین الثامن عشر و التاسع عشر – المعالم والهویة، کربلاء، الامانة العامة للعتبة العباسیة المقدسة، فصلیة – السنة الثالث، العدد الاول.

عطاردی، عزیز الله (۱۳۶۸ه.ش) اخبار و آثار حضرت رضا علیه‌السلام، تهران، کتابخانه صدر.

الغروی، السید محمّد (۱۴۱۴ق) الحوزة العلمیة فی النجف الاشرف، بیروت، دار الاضواء.

الفتلاوی کاظم عبود (۱۴۲۷ق) مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف، قم (ط ۱) منشورات الاجتهاد.

فرهاد میرزا (۱۳۹۳ه.ش) زنبیل (به اهتمام) شمس فراهانی، تهران (چاپ اوّل) انتشارات فراهانی.

فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۶۶ه.ش) آل‌بویه: نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نمونه‌ای از زندگی جامعه اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم، چاپ سوّم.

کلیدار، عبدالجواد (۱۳۸۶ق) تاریخ کربلاء و حائر الحسین علیه‌السلام، منشورات المطبعة الحیدریة بالنجف الاشرف.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۶۹) یک‌شب و روز عاشورا، قم، دار العرفان.

کمره ای، خلیل (بی‌تا) سروش مقدس وادی ایمن، تهران چاپخانه حیدری.

الموسوی السبزواری، السید عبدالأعلی (۱۴۰۹ق) مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، بیروت (ط ۲) موسسة اهل بیت علیهم‌السلام.

میرزا ابوطالب خان (۱۳۶۳ه.ش) مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان (به کوشش) حسین خدیو جم، تهران (چاپ دوّم) سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

نعمانی، محمّد رضا (۱۴۳۹ه.ق) شهید الأمة و شاهدها؛ دراسة وثائقیة لحیاة و جهاد الإمام الشهید السیّد محمّد باقر الصدر، قم، دار الصدر.

وزیر وظایف، میرزا داود (۱۳۹۱ه.ش) سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف، (به کوشش) سیّد علی قاضی عسکر، تهران، نشر مشعر.
هدو، حمید مجید (۱۹۷۲م) مخطوطات خزانة جامعة مدینة العلم للإمام الخالصي الکبیر في الکاظمیة، بغداد، مطبعة الارشاد بالمساهمة مع جمعیة التوحید فی الکاظمیّة.

# نمایه

**به زودی منتشر می‌شود:**

## در احوال و اندیشه‌های
## آیةالله حاج شیخ محمد خالصیؒ

**بر اساس خاطراتِ آیةالله حاج شیخ محمدمهدی خالصی (دام ظله العالی)**

## در احوال و اندیشه‌های
## شهید آیةالله علّامه سیّد محمدباقر صدرؒ

**بر اساس خاطراتِ جمعی از شاگردان معظم‌له**

**دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی**
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از مجموعه تاریخ شفاهی طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی مجلدات ۲ و ۳

نشر فرهنگ مشرق زمین
با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی